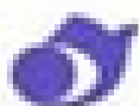
۳



ویژه سال همت مضاعف، کار مضاعف

مجموعه مقالات درباره همت و کار مضاعف

جمعی از پژوهشگران

بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه مقالاتی درباره همت و کار مضاعف

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مجموعه مقالاتی درباره همت و کار مضاعف ----- ۱۰

مشخصات کتاب ----- ۱۰

اشاره ----- ۱۰

پیش گفتار ----- ۱۴

کار مضاعف و جامعه شناسی ----- ۱۸

اشاره ----- ۱۸

چکیده ----- ۱۸

مقدمه ----- ۱۹

۱. طرح مسئله ----- ۲۰

۲. کار به عنوان یک پدیده اجتماعی ----- ۲۲

۳. کار مضاعف و تئوری های جامعه شناسی ----- ۲۲

۴. نظام ارزشی جامعه و نقش رسانه ها ----- ۲۵

۵. کار در سرمایه داری غربی ----- ۲۷

۶. کار در فرهنگ دینی ----- ۳۱

۷. کار مضاعف و تئوری نقش ها ----- ۳۲

۸. نتیجه گیری ----- ۳۹

سرمایه اجتماعی و حرکت رو به جلو: کار و تلاش مضاعف از منظر تقویت سرمایه اجتماعی ----- ۴۱

اشاره ----- ۴۱

مقدمه ----- ۴۵

۱. سرمایه اجتماعی و اهمیت آن از دیدگاه نظریه پردازان ----- ۴۶

۲. اجزا و عناصر سرمایه اجتماعی ----- ۵۱

۳. سرمایه اجتماعی و مکانیسم های اثرگذاری بر پیشرفت اجتماعی و رونق اقتصادی ----- ۵۳

۴. دیدگاه اجتماع گرایی ----- ۵۴

۵. دیدگاه شبکه ای ۵۴
۶. دیدگاه نهادی ۵۵
۷. دیدگاه هم یاری ۵۵
۸. نقش دولت و نهادهای رسمی در تقویت سرمایه اجتماعی ۵۶
۹. گروه های اجتماعی و تلاش و کار مضاعف ۶۲
۱۰. نقش سرمایه اجتماعی در توسعه از دیدگاه اسلامی ۶۳
۱۱. نتیجه گیری ۶۵
منابع ۶۸
فرهنگ کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۶۹
اشاره ۶۹
۱. مفهوم شناسی کار و تلاش ۶۹
۲. اهمیت کار و تلاش در دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۷۰
اشاره ۷۰
الف) ارزشمندی کار و کارگر ۷۱
ب) شایسته سالاری ۷۳
ج) کار یک وظیفه اجتماعی ۷۳
۳. آثار و نتایج کار و تلاش در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۷۴
۴. لوازم و آداب کار در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۷۶
اشاره ۷۶
الف) دانش و آگاهی درباره کار ۷۶
ب) محکم کاری و رعایت وجدان کاری ۷۸
ج) سحرخیزی و آغاز کردن روز با نام و یاد رازق متعال ۸۰
۵. کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۸۱
اشاره ۸۱
الف) جست وجوی کار ۸۱
ب) اصرار نداشتن بر کار در محل زندگی ۸۲

ج) بلندهمتی ---------- ۸۳
۶. کار و تلاش در امامان ---------- ۸۳
اشاره ---------- ۸۳
الف) خودداری از کارهای حرام ---------- ۸۴
ب) پرداخت حق کارگر ---------- ۸۴
ج) خیانت در کار ---------- ۸۵
۷. پیوند کار و معنویت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ---------- ۸۶
اشاره ---------- ۸۶
الف) دعای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فشارهای مالی و اقتصادی ---------- ۸۶
ب) احادیث سفارش شده برای افزایش روزی ---------- ۸۶
۸. برداشت کلی ---------- ۹۱
منابع ---------- ۹۴
مفاهیم، رهیافت و مؤلفه های همت و کار مضاعف ---------- ۹۷
اشاره ---------- ۹۷
۱. طرح مسئله ---------- ۹۷
۲. تأملی تحلیلی در معنا و ابعاد مفاهیم ---------- ۹۹
۳. الگوی نظری ---------- ۱۰۴
اشاره ---------- ۱۰۴
الف) رهیافت رفتارگرایانه ---------- ۱۰۴
ب) رهیافت غیررفتارگرایانه ---------- ۱۰۵
اشاره ---------- ۱۰۵
یک ــ همت و کار مضاعف در رهیافت کمیت گرا ---------- ۱۰۶
دو ــ رهیافت کیفیت گرا ---------- ۱۰۷
۴. عوامل و راهکارهای تحقق همت و کار مضاعف ---------- ۱۱۰
اشاره ---------- ۱۱۰
الف) عوامل همت و کار مضاعف ---------- ۱۱۰

اشاره -- ۱۱۰
یک _ توجه به استعدادها -- ۱۱۲
دو _ به کارگیری اصل تقویت -- ۱۱۲
سه _ توجه به انگیزه ها --- ۱۱۳
چهار _ ملاحظه ظرفیت ها --- ۱۱۶
پنج _ توجه به صاحبان اندیشه -- ۱۱۷
شش _ تولید پشتوانه های دینی -- ۱۱۸
هفت _ احساس مالکیت -- ۱۲۰
هشت _ اصالت توجیه، تبیین و تربیت -- ۱۲۰
ب) همت و کار مضاعف در رسانه ها -- ۱۲۱
۵. نتیجه گیری --- ۱۲۶
منابع -- ۱۲۸
درآمدی بر سرفصل های همت و کار مضاعف در آینه شعر فارسی --- ۱۳۰
اشاره -- ۱۳۰
چکیده --- ۱۳۰
۱. طرح مسئله --- ۱۳۱
اشاره -- ۱۳۱
الف) نیاز به سازندگی --- ۱۳۳
ب) نیاز به قدرت -- ۱۳۳
ج) نیاز به همبستگی -- ۱۳۳
۲. فرهنگ --- ۱۳۵
۳. هنجارآفرینی -- ۱۳۶
۴. مفهوم سازی فرهنگی ادبیات فارسی --- ۱۳۶
۵. سیمای کار و همت مضاعف در آیینه شعر فارسی --- ۱۳۸
اشاره -- ۱۳۸
الف) توجه به عزت آفرینی کار -- ۱۳۹

ب) کار به عنوان وسیله ارتباط ---- ۱۴۰
ج) اهتمام به بهره وری ---- ۱۴۱
د) اتقان و کیفیت مداری در کار ---- ۱۴۲
ه_) تخصص در کار ---- ۱۴۴
و) بهترین کار ---- ۱۴۵
ز) هدفدار بودن درکار ---- ۱۴۶
ح) کار به عنوان یک تکلیف ---- ۱۴۸
ط) توکل به خدا به همراه کار ---- ۱۴۹
ی) همت در کارها _ بلند همتی ---- ۱۵۳
ک) تقاضا؛ نشانه دون همتی ---- ۱۵۹
ل) صبر و استقامت در کار ---- ۱۶۲
م) کوشش در امور ---- ۱۶۵
ن) پرهیز از کار بیهوده ---- ۱۶۷
س) کار و تلاش به همراه قناعت ---- ۱۶۸
ع) مراجعه به متخصصان و اساتید فن ---- ۱۶۹
ف) توجه به شایسته سالاری در کارها ---- ۱۷۱
ص) مبارزه با بی کاری ---- ۱۷۲
ث) تنبلی، آفت بزرگ رشد و بالندگی ---- ۱۷۴
۶. نتیجه گیری ---- ۱۷۸
کتاب نامه ---- ۱۸۱
درباره مرکز ---- ۱۸۳

مجموعه مقالاتی درباره همت و کار مضاعف

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مجموعه مقالاتی درباره همت و کار مضاعف/ جمعی از پژوهشگران.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ،مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۶۰۸.

ویژه سال همت مضاعف ، کار مضاعف؛ ۳.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۲۴-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : اسلام و کار -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : تلاش و تقلا -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۳/م۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۱۴۸۷۶

ص:۱

اشاره

مجموعه مقالاتی درباره همت و کار مضاعف

کد: ۱۶۰۸

جمعی از پژوهشگران

تهیه¬کننده و ناشر: مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / فروردین ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۵۰۰

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۸-۱۲۴-۵۱۴-۹۶۴- ۹۷۸ / ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۲۴-۸ :ISBN

ص:۲

فهرست مطالب

 کار مضاعف و جامعه شناسی۱

فخرالسادات پیلتن

 سرمایه اجتماعی و حرکت رو به جلو: کار و تلاش مضاعف از منظر تقویت سرمایه اجتماعی۲۷

فرحناز توکلی

 فرهنگ کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم ۹۵۱

حمید قلندری بردسیری

 مفاهیم، رهیافت و مؤلفه های همت و کار مضاعف۷۳

محمد منصورنژاد

 درآمدی بر سرفصلهای همت و کار مضاعف در آینه شعر فارسی۱۰۳

ایوب هاشمی

ص:۳

پیش گفتار

پیش گفتار

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای _ دامت برکاته _ با تیزبینی و هوشمندی خاص خود و بر اساس شناخت گسترده و ژرفی که از شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی امروز جامعه ایران دارند، دهه چهارم استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را دهه «پیشرفت و عدالت» نامیدند. ایشان در نخستین سخنرانی سال ۱۳۸۹ در حرم مطهر رضوی با یادآوری این مطلب فرمودند:

امسال، سی و دومین سالی است که نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده است؛ یعنی دومین سال از دهه ای است که اعلام شد دهه پیشرفت و عدالت است. شعار پیشرفت و عدالت، یک شعار محوری است؛ یک مطلب اساسی است؛ یک نیاز است. در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسئولان باید پیشرفت و عدالت باشد.

«پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته ای است که انسان ها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسان ها تبعیض وجود نداشته باشد، بی عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزو خواسته های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته اصلی انسان ها بوده است.(۱)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۸۹.

با توجه به همین رویکرد کلی و در جهت تحقق شعار اصلی دهه چهارم، یعنی «پیشرفت و عدالت»، مقام معظم رهبری، سال گذشته را با عنوان «سال اصلاح الگوی مصرف» و سال جاری را با عنوان «سال همت مضاعف، کار مضاعف»، نام گذاری و اعلام کردند که:

این شعارها نه فقط یک امر نمایشی است، و نه هم این جوری است که ما خیال کنیم در این سال، این شعار همه مشکلات کشور را حل خواهد کرد؛ نه، این تشریفاتی نیست، نمایشی نیست؛ این خط روشنی را به ما نشان می دهد...، باید این را به عنوان یک انگشت نمایشگر راه در مقابل چشمان خودمان قرار بدهیم.(۱)

در هر حال، اعلام سال ۱۳۸۹ به عنوان سال «همت مضاعف، کار مضاعف» فرصت مناسبی برای همه دستگاه ها و نهادهای علمی، آموزشی، پژوهشی، تقنینی، اجرایی، فرهنگی، تبلیغی و... است که با شناسایی موانع و آسیب های همت و کار مضاعف و راه های توسعه فرهنگ کار و تلاش مضاعف، از یک سو و تشخیص زمینه های نیازمند همت و کار مضاعف از سوی دیگر، زمینه های نیل کشور به اهداف بلند دهه چهارم استقرار نظام جمهوری اسلامی، یعنی عدالت و پیشرفت را فراهم کنند.

در این میان نقش رسانه ملی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است؛ زیرا افزون بر همت و کار مضاعف برای تحقق منویات مقام معظم رهبری درباره رسانه ملی؛ به ویژه نکاتی که در حکم اخیر ایشان به ریاست محترم سازمان اعلام شده است، باید در جهت فرهنگ سازی برای «همت مضاعف، کار مضاعف» در جامعه نیز قدم بردارد.

مهم ترین زمینه هایی که به نظر می رسد، رسانه ملی می تواند در آنها نقش آفرین باشد عبارتند از:

۱- همان.

۱. تبیین دلایل و زمینه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اعلام سال جاری به عنوان سال همت مضاعف، کار مضاعف؛

۲. تبیین ضرورت های تلاش و کار مضاعف در شرایط فعلی و آتی کشور؛ به ویژه با توجه به سند چشم انداز و برنامه پنجم توسعه؛

۳. آسیب شناسی جامعه ایران از نظر همت و کار مضاعف؛

۴. فرهنگ سازی مناسب برای ایجاد فضای همت و کار مضاعف و تبیین راهکارهای تحقق این موضوع؛

۵. تبیین مهم ترین زمینه هایی که نیازمند همت و کار مضاعفند با همکاری دستگاه ها و نهادهای علمی، پژوهشی و اجرایی کشور؛

۶. معرفی اشخاص، نهادها و دستگاه هایی که برای حل مشکلات کشور همت و کار مضاعف به خرج داده اند.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، با هدف تأمین محتوای مورد نیاز برنامه سازان صدا و سیما و در جهت گسترش فرهنگ کار و تلاش سازنده، در سال جاری، اقدام به تولید آثار متعددی در این زمینه نموده است که اثر حاضر یکی از آنهاست.

در این اثر، تلاش شده است که جنبه های گوناگون «همت مضاعف، کار مضاعف» با بهره گیری از مقالات پنج تن از پژوهشگران حوزه فرهنگ و اجتماعی بررسی و در اختیار برنامه سازان محترم قرار گیرد.

با سپاس از همه عزیزانی که در تدوین این اثر مشارکت داشتند؛ به ویژه نویسندگان محترم مقالات، آرزو می کنیم که این اثر، مورد استفاده همه همکارانمان در رسانه ملی قرار گیرد و گامی هر چند ناچیز در جهت تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری محسوب شود.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

کار مضاعف و جامعه شناسی

اشاره

کار مضاعف و جامعه شناسی

فخرالسادات پیلتن(۱)

چکیده

چکیده

در این نوشتار، کار مضاعف به عنوان ارزش اجتماعی بررسی و به ارزش های دین اسلام دراین باره اشاره شده است. همچنین از تئوری های جامعه شناسی در زمینه ارزش ها بهره گرفته شده و بر اساس آن، به اندیشه وِبِر با مفاهیمی چون کار زیاد، مصرف کم و سرمایه گذاری توجه شده است. همچنین از نظریه «انباشت نقش» در بیان مباحث استفاده گردیده؛ به گونه ای که هرگاه فرد دارای تعهد قوی باشد، وقت و انرژی بیشتری برای فعالیت های متعدد به کار می گیرد. تکثر نقش ها باعث ارتقای پایگاه اجتماعی، غنای شخصیت، افزایش منزلت، پاداش ها و درآمد می شود و ارتباطات اجتماعی را غنا می بخشد. سپس به بررسی ترویج ارزش های کارِ باکیفیت و مضاعف توسط رسانه ها اشاره شده و سرانجام، اهمیت صدا و سیما، به عنوان یکی از آژانس های جامعه پذیری در ارتباط با برجسته ساختن ارزش های کار مضاعف در برنامه های علمی و هنری، مورد توجه قرار گرفته است.

ص: ۹

۱- دکترای جامعه شناسی و دبیر آموزش و پرورش.

مقدمه

مقدمه

تحولات صنعتی و گسترش روزافزون روند تفکیک در جوامع، سازماندهی فرآیند توسعه در ابعاد مختلف را ضروری ساخته است. جوامع درحال گذار با فرآیند توسعه، دستخوش تغییرات اجتماعی بنیادین و گسترده شده اند.

امروزه جهان در انقلابی ترین دوران تاریخی خود به سر می برد، تغییر و تحولات دائمی، به واقعیت انکارناپذیر و اساسی حیات بشری مبدل شده است. (لنسکی، ۱۳۶۹ : ص۵۶۵).

در طول تاریخ بشری، آهنگ تغییرات اجتماعی نسبتاً کند بود و سنت های دیرپا حاکمیت داشت؛ اما امروزه بشر در جهانی متحول که دستخوش دگرگونی چشم گیر و دائمی است، به سر می برد.(گیدنز، ۱۳۷۳: ص۵۵۵). هرچند تغییرات اجتماعی موجب تنوع و پایداری اجتماعی می شود و در اثر این تغییرات، هنجارها، افکار، نهادها و سازمان های جدیدی شکل می گیرند که به ساختار اجتماعی قوام می بخشند، اما این مهم بدون شناخت انسان از خود و محیط پیرامونش و بدون مبادله اطلاعات و ارتباطات، مقدور نخواهد بود؛ زیرا در پرتو مبادله اطلاعات و ارتباطات است که توانایی اندیشیدن، خلق کردن و دست یابی به واقعیت های تازه میسر می شود. در این راستا، وسائل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون، با انتقال معلومات و

اطلاعات جدید و مبادله افکار و عقاید، نقش تعیین کننده در جهت توان مندی و بالندگی جامعه ایفا می کنند.

بی تردید کار نیز یک مقوله اجتماعی است که تابعی از تغییرات موجود اجتماعی می باشد. در عصر کنونی و در جامعه پیچیده انسانی، کار در همه زوایای زندگی افراد نفوذ وسیعی داشته و بیش از هر عامل دیگری در زندگی انسان مؤثر است. کار، طبقه اجتماعی، امکان زندگی، ساعات کاری، سبک زندگی، اوقات فراغت و غیره را تعیین می کند. بدین ترتیب کار به طور مستقیم وغیر مستقیم بر حالات روانی، طرز تفکر، هدف ها، ارزش ها، هویت ها و دورنمای زندگی آدمی تأثیر دارد.

انسان تنها موجودی است که با کار، بر محیط خود اثر می گذارد. کار به عنوان فعالیتی آگاهانه و در عین حال اجتماعی، امکان ارتباط بین افراد را مهیا ساخته و بدین وسیله انسان نیازهای اساسی و غیرقابل چشم پوشی خود را برآورده می سازد. شغل و کار، عاملی برای روابط اجتماعی با دیگران، احساس پیوستگی فرد با جامعه و توانایی مقایسه خود با دیگران در زمینه های متعدد چون توانایی، مهارت، احساس بزرگی و استقلال فرد می باشد.

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

فرآیند توسعه، همواره بر میل به شکوفایی اجتماعی و اقتصادی متکی بوده است. در دهه های اخیر، به رغم اهداف توسعه و حتی تأکید نهادهای بین المللی در زمینه کمک به توسعه کشور های در حال رشد و تأثیر بر برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های داخلی، پیشرفت کمّی و کیفی کمتری صورت گرفته و بحران توسعه نیافتگی برای کشورهای جهان سوم همچنان به عنوان معضلی باقی مانده است که این معضل، نتیجه صدمه زیرساخت های اجتماعی، فرهنگی، ملی و بومی است. (توسلی، ۱۳۸۰: صص ۱۷۳ و ۱۷۴).

در شرایط کنونی، ایران از یک سو با دگرگونی های درونی به واسطه انقلاب اسلامی، تغییر نظام سیاسی و تحولات در برنامه ریزی برای اداره کشور و از سوی دیگر، در صحنه بین المللی با تسریع ارتباطات، فزونی تبادل اطلاعات و پدیده جهانی شدن با تغییرات اجتماعی در ابعاد مختلف مواجه می باشد. با وجود اینکه کشور ایران سرشار از منابع، ذخایر و نیروی انسانی است؛ ولی در امر توسعه به ویژه توسعه اقتصادی با بحران مواجه است. بی تردید برای کشور ایران به عنوان یک جامعه زنده و پویا، عامل اصلی پیشرفت و بالندگی نیروی انسانی و کار می باشد. حال اگر وضع اشتغال نامناسب، الگوی مشارکت اقتصادی ضعیف و همراه با تعداد زیادی بی کار و کم کار باشد، امر توسعه به عنوان ابزاری مؤثر برای اهدافی چون ایجاد عدالت اجتماعی، کاهش تبعیض و نابرابری های اقتصادی فراهم نمی شود. پدیده هایی چون اعتیاد، خلاف کاری، قانون ستیزی، و هنجارشکنی، ارتباط تنگاتنگ با بی کاری و فقر دارد که همگی حاکی از وجود کاستی ها و نارسایی های عمیق و فراگیر در کارکردهای اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد. یکی از عمده ترین آسیب های توسعه نیافتگی، کم کاری، بی کاری یا عدم کار باکیفیت است که این خود تابعی از شرایط اجتماعی و فرهنگی است. یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت کار، فرهنگ و ارزش های اجتماعی است که رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما، دارای قدرتی فوق تصور [برای ارتقا و بهینه سازی آن] است و می تواند افکار عمومی را منقلب کرده و شکل تازه ای به اندیشه ها بخشد و رفتارها را هدایت کند. (ساروخانی، ۱۳۸۲: ص۹۸) صدا و سیما ابزاری اجتماعی و فرهنگی است که آثار چشم گیری از خود می تواند بر جای گذارد.

با توصیف های فوق، این سؤال به ذهن متبادر می شود که عوامل فرهنگی چگونه می تواند در توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد؟ آیا در اندیشه و

اعتقادات اجتماعی ایران، عنصری که مساعدکننده توسعه و عوامل برانگیزاننده پیشرفت باشد وجود ندارد؟ آیا ارزش ها و سنت های اجتماعی ایران آن چنان خشک و انعطاف ناپذیر است که با توسعه هماهنگی ندارد؟ (توسلی، ۱۳۸۰ : ص۱۷۵).

چگونه می توان ارزش کار باکیفیت و پویا را درونی ساخت؟ به عبارتی نیروی انسانی، تحت تأثیر چه عواملی ارزش های مثبت کار مضاعف و خلاق را به عنوان آرمان های فردی تلقی خواهد کرد؟ رسانه های جمعی از جمله صدا و سیما چگونه می تواند در ترویج ارزش های متناسب با کار خلاق، باکیفیت و مضاعف فعالیت کند؟

۲. کار به عنوان یک پدیده اجتماعی

۲. کار به عنوان یک پدیده اجتماعی

در رویکرد جامعه شناختی، کار یک فعالیت اجتماعی است. هیچ کس در ضمن کار تنها نیست؛ زیرا ساختارهای اجتماعی فعالیت های مربوط به کار را پی ریزی می کنند. پدیده ای که به عنوان یک فعالیت آزادانه فردی لحاظ می شود در مواردی محدودیت ها و تسهیلات اجتماعی ساخته شده را بازتاب می دهد. کار، فعالیتی است که به وسیله آن، آدمی از طبیعت بهره می گیرد و بقای خود را تأمین می کند و نیازها را مرتفع می سازد. (توکلی خمینی، ۱۳۸۵: ص۹۸) هر چند مفهوم کار از مقوله ای متغیر و پرابهام است؛ ولی کار چیزی بیشتر از اشتغال و کمتر از تمام صور فعالیت های اجتماعی است؛ به دیگر سخن، همه کارها اشتغال نیست. (گرینت،۱۳۸۲ : صص ۳۷ و ۳۸).

۳. کار مضاعف و تئوری های جامعه شناسی

۳. کار مضاعف و تئوری های جامعه شناسی

تحقق اهداف توسعه همواره با تغییراتی توأم است که این تغییرات بر ساختار فرهنگی، باورها و شیوه های رفتاری جامعه مؤثر است. لذا دست یابی به

توسعه، افزون بر ایجاد تغییرات بنیادین و انسانی در جامعه، مستلزم پذیرفتن دگرگونی هایی است که بایستی در افراد رخ دهد. نهادهای فرهنگ ساز و اشاعه دهنده فرهنگی از جمله رسانه و به ویژه صدا و سیما در القا و انتشار ارزش های اجتماعی، مهم ارزیابی می شوند.

توسعه در ابعاد مختلف، تابعی از تلاش افراد جامعه برای کسب موفقیت می باشد. نیاز به موفقیت و پیروزی همانند سایر نیازها از طریق اجتماعی شدن به کودکان آموخته می شود و تا اندازه زیادی متأثر از حس استقلال و عدم وابستگی است. بدین سان برای درک اینکه چگونه مردم به محیط کار پاسخ می دهند، نیاز به کسب موفقیت اهمیت می یابد، بنابراین، اختیار و مسئولیت مضاعف کارکنان، آنها را به تلاش بیشتر وامی دارد؛ (ستیرز و دیگران، ۱۳۷۲: صص ۹۸ _ ۱۰۰). به گونه ای که جامعه شناسان، پیشرفت جوامع صنعتی را مدیون احساس نیاز به موفقیت می دانند. (روشه، ۱۳۶۶: ص۱۸۴).

مفهوم پیشرفت و توسعه در زمره ارزش های اجتماعی است. ارزش ها به عنوان یک محرک می تواند بر انگیزه های افراد مؤثر باشد. انگیزه ها خود حاصل مجموعه ای از نیازها، فشارها، خواست ها و آگاهی هاست.

ارزش های اجتماعی به عنوان اهداف مطلوب با اهمیت های متفاوت و منبعی برای درک آرزوها و اصولی برای هدایتگری جوامع، نهادها و افراد است؛ (Schwortz and Huisman,۱۹۹۵ : ۸۹)؛ لذا ارزش های اجتماعی باعث می شود مشارکت کنندگان در کنش اجتماعی ساختارمند راه یابند و بدین ترتیب به کنش آنها انسجام, صورت و شکل دهد. (اسکیدمور،۱۳۷۲: ص۱۵۴). پارسونز نیز نظام ارزشی را مرجع رفتار شناخته و ارمغان نظام ارزشی را انسجام و یک پارچگی می داند. (توسلی، ۱۳۶۹ : ص۲۴۲)؛ که

ص :۱۴

این انسجام از طریق متحد ساختن نیاز افراد با نیازهای وسیع تر جامعه صورت می گیرد.

جوامع، ارزش ها را به عنوان ابزاری برای تبدیل نیازهای افراد در مقابل نیازهای جامعه در جهت تقویت خود بسط می دهند. فرد همیشه طریقی را انتخاب می کند که خواست نظام اجتماعی در آن منظور شده است. یعنی انگیزه های فردی به طور آرمانی با ارزش های اجتماعی موجود نظام اجتماعی انطباق می یابد؛ به گونه ای که تأثیر گروهی، خواسته های فردی را آشکارا در حصر الگوهای منسجم تر قرار می دهد. این الگوها را می توان گرایش های ارزشی متعین فرهنگی نامید. (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ص۱۵۴). به علاوه اینکه ارزش ها به عنوان معیارهایی در فرآیند متقاعدسازی و نفوذ اجتماعی به کار می رود و عاملی در ارزیابی فرد به شمار می رود. هر فرد می تواند انواعی از ارزش های موجود در جهان را دریافت کند. انواع ارزش ها می تواند نظری، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی و مذهبی باشد. نظام ارزشی هر فرد شامل ترکیبی واحد با نسبت های متفاوت از شش مقوله مذکور است که مقوله اقتصادی آن شامل سودمندی، کار مفید و ثروت است. عوامل اصلی در اولویت های ارزشی افراد، کمیابی و اجتماعی شدن است، هرچند اولویت های فردی، بازتاب محیط اجتماعی ـ اقتصادی وی است؛ اما افراد برای چیزهایی با عرضه بسیار کم، ارزش بیشتری قائل اند.

عامل دیگر، اجتماعی شدن است؛ از آنجا که مناسبات میان محیط اجتماعی و اقتصادی و اولویت های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافصل نیست، بلکه با تأخر زمانی خاص در این میان رابطه دارد [زیرا ارزش های اصلی فرد تا حدود زیادی انعکاس شرایط حاکم بر سال های قبل از بلوغ وی می باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ص۷۵)]، بنابراین نیازهای فردی و

تجربیات اجتماعی، (فرآیند جامعه پذیری در طول زندگی) عامل تعیین کننده اولویت های ارزشی است.

۴. نظام ارزشی جامعه و نقش رسانه ها

۴. نظام ارزشی جامعه و نقش رسانه ها

همواره نظام ارزشی هر جامعه، انتظارات آن جامعه را تبیین می کند. در هر جامعه ای ارزش های مختلفی وجود دارد که حتی گاهی ممکن است یکی با دیگری منافات داشته باشد. انتخاب ارزش هایی از بین ارزش های بی شمار و گاه، ناسازگار، ضرورت دارد. البته نظام فرهنگی جامعه، تمامی ارزش ها را تعیین نمی کند؛ بلکه بخشی از الگوها در رابطه با سن، شخصیت و نقش اجتماعی انتخاب می شوند.

بی تردید، جوامع، محیطی برای آفرینش ارزش ها هستند. آفرینش ارزش ها، پدیده اجتماعی و تاریخی است. جهان ارزشی هر فرد نهایتاً جهانی در عین حال جمعی و فردی است، این جهان مولود پاسخ آگاهی ما به مسائل یک محیط با یک وضعیت معیّن است. (آرون، ۱۳۷۰: ص۵۵۶).

همان گونه که اشاره شد، ارزش های اجتماعی از طریق آموزش و القا در افراد، درونی می شود. قاعدتاً صدا و سیما به عنوان رسانه ای که درصدد نهادینه کردن برنامه های راهبردی جامعه است و قصد اثرگذاری بر چارچوب های شناختی، هنجاری و تنظیمی دارد، به طوری که کسب آگاهی های ضروری جامعه، وابسته به پیام های این گونه رسانه هاست. رادیو و تلویزیون به عنوان یکی از آژانس های جامعه پذیری به شمار می روند؛ بنابراین رسانه ها با تعیین اهداف خود از جمله هدف های آموزشی و اجتماعی ـ فرهنگی در جهت توان مندسازی، فراهم آوردن بسترهای مناسب برای گزینش ارزش های متناسب و به کار بستن معلومات، نقش سازنده و خطیری دارد.

ص: ۱۶

رسانه های جمعی، به ویژه صدا وسیما در حوزه توسعه باید به شناخت نیازها، توان ها و ظرفیت های گروه های هدف، برنامه ریزی نظام مند و تعیین راهبرد مطلوب و مدیریت دقیق در ترویج ارزش های اقتصادی، کار با کیفیت و مضاعف گام بردارد؛ زیرا رسانه ها می توانند با خلق ایده های نو، راه و رسم متفاوت و بهتری برای زندگی در اختیار توده ها قرار دهند.

تحقیقات متعدد نشان می دهد که باورها، نگرش ها و قضاوت های تماشاگران پرمصرف تلویزیون با جهت گیری نمایش داده شده در تلویزیون سازگاری دارد. (مهدی زاده، ۱۳۸۴: ص۱۹۱). تحقیق پوتر بر روی دانش آموزان امریکایی، مؤید تأثیرگذاری تلویزیون بر افکار آنهاست؛ به طوری که ارزش هایی چون کار سخت پاداش به دنبال دارد و خوبی بر بدی مستولی است، در میان بینندگان تلویزیونی ارزشمندتر محسوب می شود و معمولاً ـ کسانی که به میزان بیشتری نمایش های خانوادگی دیده اند، بیشتر باور دارند که خوشبختی مهم تر از فقط زنده ماندن است.۵۵۴ – ۸۳۸) ۱۹۹۰ , poter :).

به استناد تحقیق دیگری که در ایران بر روی خانوارهای تهرانی صورت گرفته، به نقش تلویزیون در جهت گیری ارزشی و جامعه پذیری افراد پرداخته است. طبق نتایج حاصله، طول زمان استفاده از تلویزیون بر بینش های مخاطبان مؤثر می باشد. بینندگانی که ساعات بیشتری را در روز به تماشای تلویزیون می نشینند در مقایسه با گروهی که کمتر به تماشای تلویزیون پرداخته اند بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته اند. در این تحقیق، تلویزیون یکی از عوامل پرورش نگرش نو می باشد. (مهدی زاده، ۱۳۸۴: صص۱۸۵ _ ۲۰۹).

در واقع هرگاه رسانه ها بتوانند بینش های افراد را تغییر دهند، خود به خود بر عواطف و رفتار آنها نیز تأثیر می گذارند و در نتیجه وضعیت فرهنگی _ اجتماعی نیز در راستای اهداف و ارزش های ارائه شده تغییر می کند. بنابراین رسانه ها

می تواننـد با آگاه کردن افراد جامعه از موضوعات مختلف و ترویج ارزش کار مضاعف از طریق هنر که امروزه بهترین شـکل عرضه آن بر عهـده تلویزیـون است، جـامعه را از بن بست عقب مانـدگی و وابسـتگی رهـایی بخشـند و از حیـثیت ملی و دینی جامعه دفاع کنند.

۵. کار در سرمایه داری غربی

۵. کار در سرمایه داری غربی

جامعه شناسان، پیشرفت جوامع صنعتی را مدیون ارزش های اجتماعی می دانند؛ برای نمونه در اینجا به اندیشه وِبِر(۱) در زمینه تأثیر ارزش های مذهبی بر توسعه اقتصادی در غرب اشاره می شود.

وِبِر، ظهور جـامعه سـرمایه داری در غرب را بـا ظهور شـیوه هـای جدیـد انگیزش کـار مرتبـط می دانـد. اساساً الگوهای کار بر حسب نیازهـای انسـانی که ساخته و پرداخته جامعه هسـتند، تعیین می شونـد و به صورت بهنجار درمی آینـد. (گرینت، ۱۳۸۲: صص ۱۵۳ _ ۱۵۵).

به زعم وِبِر، سرمایه داری مبتنی بر نوعی بنگاه های تولیدی بود که رسیدن به حداکثر سود، هدف آن و سازمان عقلانی کار و تولیـد، وسـیله آن بود. همین پیونـد، میل به سود و انضـباط عقلانی است که از لحاظ تاریخی، وجه تمایز خاص سـرمایه داری غربی را ترسـیم می کنـد. در واقع، انسان های حریص و پول پرست در همه نقاط جهان وجود داشـته اند؛ ولی در موارد نادر و احتمالاًـ یگـانه، وجود این گرایشـات که میـل به پول پرستی نه از طریق فتوحـات، سوداگری و مـاجراجویی، بلکه از راه گردن نهادن به انضـباط و استفاده از علم ارضا می شود. بنگاه تولیدی سرمایه داری، بنگاهی است که هدفش رسیدن به حداکثر سود از طریق سازماندهی عقلانی تولید است. نکته قابل ذکر اینکه

۱- Max Weber.

عنصر سازنده سرمایه داری، حداکثر سود به معنای واقعی نیست؛ بلکه تراکم بی انتهای سرمایه است. (آرون، ۱۳۷۰ : ص۵۷۴).

وِبِر، روحیه سرمایه داری را مظهر ایستاری می داند که بطور عقلانی و سیستماتیک به دنبال سود است. از یک سو این ایستار ذهنی، مناسب ترین تجلی را در سرمایه داری دارد و از سوی دیگر، مناسب ترین انگیزه را از روحیه سرمایه داری گرفته است و سرمنشأ این روحیه در ریاضت دنیای اخلاقی پروتستانی نهفته است. وِبِر با ذکر اصل مشیت الهی ـ که می گوید: خداوند، افراد خاصی را برای سعادت اخروی برمی گزینند که نشانه آن سعادت و موفقیت در امور دنیوی است؛ بنابراین هر مؤمنی جهت حصول اطمینان از منتخب بودن، بایستی تمام تلاش خود را در جهت موفقیت این دنیایی به کار گیرد، ـ تأکید می کند که چنین تلاشی در واقع اجابت اصل تکلیف به عنوان دومین اصل اخلاقی پروتستانی است. مفهوم تکلیف، به این ایده اشاره دارد که عالی ترین شکل تعهد اخلاقی، انجام وظیفه در امور دنیوی می باشد. یعنی هر فرد مؤمن بنا به سرنوشت خود، تکلیفی از سوی خداوند بر دوش دارد که انجام آن از طریق زندگی روزمره صورت می پذیرد. (وبر، ۱۳۷۴: صص ۲۱ و ۲۲).

بنابراین از دیدگاه وِبِر، ثروتمند شدن افراد حاکی از لطف و رضایت خدا و نشانگر کار خوب و پسندیده افراد بود؛ ولی آموزه دینی دیگری نیز وجود داشت که بر اساس آن فرد نباید ثروت خود را مصرف کند؛ بلکه باید برای وظایف کار دیگر، سرمایه گذاری کند. (جلایی پور و دیگران، ۱۳۸۷ : ص۶۳). به عبارتی، در مجموعه اعتقادی پروتستان نه تنها ریاضت رابطه خاصی با فعالیت اقتصادی داشت، بلکه رابطه خاصی نیز با بهره بردن از حاصل دسترنج فردی دارد؛ به گونه ای که در چارچوب این اعتقاد، ثروت

نبایـد در راه لذت جویی به کار رود. به نظر وِبِر وقتی زهد در مصـرف با اعتقاد به کار و تلاش بی وقفه که سـمبل بارز و دلیل روشن ایمان واقعی بود تلفیق گردد، تکاثر سرمایه حاصل می شود. در نتیجه چنین تکاثری از نظر هدف، غیرعقلایی است؛ گر چه ابزار آن عقلا‌یی انتخاب شـده انـد. (وبر، ۱۳۷۴: ص۲۱). جهت حصول اطمینـان از منتخب الهی بودن دریـافت حـدی از اعتماد به نفس، کار خستگی ناپذیر در یک شغل به عنوان بهترین وسیله، رسماً توصیه شده بود. از این دیدگاه، کار و تنها کار بود که تردید مذهبی در آن زایل می شد و تعیین رحمت حق را در مؤمن پدید می آورد .

البته وِبِر یـادآوری می کنـد که گر چه خوی سـرمایه داری در مقطع آغـازین عصـر نوین، نقش مؤثری در جهت گیری تـاریخ اقتصـادی ـ اجتماعی غرب داشـته است. اما امروزه دیگر جایی در نظام اقتصادی نـدارد. در عوض، سـرنوشت سـرمایه داری و عقلانیت با نظام بوروکراتیک جدید همساز شده است. (وبر، ۱۳۷۴: ص ۲۲).

بنابراین، خصـلت سـرمایه داری ناشـی از آموزه های دینی پروتسـتان و مذهب کالون درباره زهد همراه با ریاضت در مصرف، تلاش و کار مضاعف دنیوی و سـرمایه گـذاری مجدد، تحول فرهنگی بی نظیری را پدید آورد. به عبارتی، جهان بینی معین از یک سو و سبک خاصی از فعالیت اقتصادی از سوی دیگر با هم پیوند معنوی یافتند.

به طور کلی در دین مسـیحیت کـار، نتیجه مسـتقیم گنـاه انسان بود و وسـیله ای برای پرهیز از وسوسه شـیطانی و خواهش های جسمانی و همچنین ابزاری برای توبه و بخشایش قلمداد می شد. راه واقعی رستگاری مسیحیان، معنویت بود؛ نه کار، و بعداً در زمان لوتری ها و به ویژه کالونیست ها، کار را عامل نجات روح دانستند. یعنی با یک استحاله کامل اعتقادی، کار از یک

هماهنگی ضروری به یک وظیفه اخلاقی بـدل شد. در مذهب کالون، قانون ابدی پروردگار مبتنی بر این بود که ثروت تنها از طریق کـار و زحمت حاصـل و نـان بایـد بـا کـدّ یمین و عرق جبین کسب شود، محور ارزش هـای اجتمـاعی و دینی آنهـا قرار گرفت. پس انـداز، صـرفه جویی و میانه روی به الزامات اجتماعی بـدل شد و با بوق و کرنای گیج کننده به بهانه بهبود اوضاع اجتمـاعی از طریق تمام وسایل ارتباط جمعی شـناخته شـده به مغز طبقه کارگر جدیـد القا شـده و در آیین ناهمنوایی و موعظه گری انجیلی مورد تقدیس قرار می گرفت. (گرینت، ۱۳۸۲: صص ۳۱ و ۳۲).

وِبِر در تبیین خاسـتگاه نظـام سـرمایه داری فقط به یک علیت اکتفا نمی کنـد. آنچه که وی می خواست نشان دهـد، طرز تلقی اقتصـادی از دسـتگاه اعتقـادی است. در جریـان تاریخی و شـرایط معینی ممکن است انگیزش های مابعـدالطبیعی یا مـذهبی بر توسعه اقتصادی حاکم و روند پیشرفت تسریع شود. (آرون، ۱۳۷۰: ص ۵۸۵).

روشن است که در هر جـامعه ای مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بر کار حکمفرماست. همانگونه که رفتارهای انسان در قالب الگوی سازمان یافته ای از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی معنا می یابند، کار نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مسلّم است که در هر فرهنگ، عوامل مساعد و ارزش های مثبتی وجود دارد که قادر است در جهت رشد و توسعه مؤثر باشد؛ هر چند عناصری هم وجود دارد که برای توسعه و تعالی جامعه تنگنا ایجاد می کند، اما ارزش ها و افکار ارزشمندی نیز هستند کـه در طی قرون، مکـدر شـده و مســتلزم سـنجش و ارزشـیابی هوشـمندانه و عالمـانه از افکـار و زیر بنـای عقیـدتی رفتارهـا و کردارهاست؛ در واقع در گام نخست، ارزش ها هستند که جوهر فرهنگ را

تشکیل می دهند و فرهنگ نیز روح هر جامعه و تمدن است. فرهنگ، اعضای جامعه را به درک بهتر شیوه های رفتار هدایت می کند. رشد فرهنگی در گرو تلاش ها و کوشش های فراوانی است که در قالب فرهنگ پویا، منجر به نوآوری، خلاقیت و تحول می شود. (توسلی، ۱۳۸۰ : صص ۱۷۵ _۱۷۶).

۶. کار در فرهنگ دینی

۶. کار در فرهنگ دینی

همواره ادیان در جوامع بشری به عنوان منشأ ارزش ها به شمار می روند و دریافت متناسب از آموزه های دینی به سطح فرهنگ هر جامعه بستگی دارد؛ چنانکه ایران پس از ظهور اسلام به علت غنای فرهنگی خود، باعث گسترش اسلام و آموزه های آن شد. بنابراین، درک و تفسیر اندیشه دینی در ایران عمیق و از ارزش های مأخوذه، استنباط می گردد. بدین سان در اندیشه های اسلامی مواردی همانند کار، تا حد جهاد برای خدا اهمیت می یابد و کار و کوشش، یکی از ارکان سعادت بشری در این جهان و جهان آینده محسوب می شود. از طرفی مبارزه با بی کاری، سستی، تنبلی و بطالت، مورد تأکید است؛ بزرگان دین از جمله حضرت علی علیه السلام فقر و تنگدستی را مرگ بسیار بزرگی می دانند. (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: ص۱۱۶۶). یا در زمینه کار و کوشش می فرمایند: هر آنچه بجویی در صورت داشتن توانایی و استعداد، آن را خواهی یافت. (فیض السلام، ۱۳۵۱: ص۱۲۷۰). حضرت امام علی النقی علیه السلام نیز فقر را مایه طمع و نومیدی می داند (حجازی،

۱۳۶۰ : ص۲۰۶). و همچنین در مورد صرفه جویی و استفاده مناسب از اموال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: «در صورت زیاده روی در صرف اموال، نعمت از دست خواهد رفت.» (حجازی، ۱۳۶۰: ص۱۵۴). افزون بر این، درباره استقلال اقتصادی فرد نیز حدیثی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام با مضمون دست نیاز به پیش خلق بردن موجب خواری در زندگی است، وجود دارد. (حجازی، ۱۳۶۰: ص۸۶). پر واضح است که مضامین مذهبی، آیات و روایات متعدد و قابل تاملی در دست ماست که کار و تلاش و صرفه جویی را ترویج می کنند. اما برجسته شدن این ارزش ها توسط نخبگان دینی و سیاسی در جامعه ایران که کم کاری و کار با کیفیت پایین به عنوان مسئله اجتماعی آن مطرح است، می تواند در بهبودی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و امر توسعه و پیشرفت با توجه به مقوله های فرهنگی، مثمر ثمر واقع شود.

بنابراین، در جامعه دینی ایران نیز می توان ارزش هایی چون ترویج کار پویا و باکیفیت، کار مضاعف، حذف تجمل گرایی و گرایش به ساده زیستی در مقابل مصرف گرایی بی حد وحصر، به اشکال مختلف با منشأ دینی مورد توجه قرار داد.

سرانجام، رسانه های جمعی در شناخت ارزش های دینی عام، جهانی و انسانی بایستی همت کنند و با شیوه های متعدد هنرمندانه، طیف وسیعی از مخاطبان خود را با ارزش های کار، صرفه جویی و خلاقیت همنوا سازند. بدین ترتیب، رسانه های جمعی، به ویژه تلویزیون با قدرت تأثیر گذاری و خلاقیت بدیع می توانند ارزش های مطروحه را ترویج و اشاعه دهند.

۷. کار مضاعف و تئوری نقش ها

۷. کار مضاعف و تئوری نقش ها

از مباحث دیگری که می توان در راستای کار مضاعف از آن سود جست، تئوری نقش هاست. برخی از اندیشمندان، داشتن نقش های متعدد را که خود، حاکی از کار چندگانه و به تعبیری کار مضاعف است، برای انسان در ابعاد اجتماعی و فردی نامطلوب تلقی می کنند؛ به گونه ای که در این راستا از مفاهیم گرانبار نقش، تعارض نقش و اضافه باری نقش در ابعاد منفی یاد می شود؛ در حالی که برخی به تعدد نقش ها از جنبه مثبت آن توجه دارند. قابل ذکر است که نقش، مفهومی گسترده تر نسبت به کار دارد. به فرض اینکه

فردی کاری مضاعف داشته و مجبور به انجام کار در زمان های مختلف باشد، در این شرایط کاری گاه بایستی، نقش متفاوت بر عهـده بگیرد یـا بـا انتظـارات متفـاوتی مواجه باشـد. به عبارتی، در مواردی نیز فرد برای انجام کار مضاعف به نقش متفاوتی نسبت به شغل یا کار اصلی خود می پردازد. به طور کلی هر فرد در زندگی اجتماعی خود دارای نقش های متفاوتی است که می توان در سطحی کلی، به پدیده نقش ها ــ از منظر مثبت ــ پرداخت.

اساساً نقش، نقطه اتصال فرد و جامعه است؛ از این رو برای درک نظری چگونگی شکل گیری انگاره های سازمان اجتماعی، پایـداری، تفسیر و فروپاشـی نظـام اجتماعی، توجه به نقش ضـرورت می یابـد. آفریننـدگان نظریه نقش ها، دنیای اجتماعی را شبکه ای از موقعیت ها یا منزلت ها می دانند که به گونه های مختلف به یکدیگر مربوطند و در آن افراد به اجرای نقش ها می پردازنـد. برای هر موقعیت و همچنین برای گروه ها و طبقات، انواع مختلفی از انتظارات در مورد چگونگی رفتار متصدیان می توان تشخیص داد. در نهایت از دید این نظریه پردازان، سازمان اجتماعی مرکب از شبکه های مختلفی از منزلت ها و انتظارات است که این شـبکه بر حسب متغیرهـایی چـون انـدازه، درجه تمـایز پـذیری و پیچیـدگی، مورد تحلیـل قرار می گیرد. همچنین نظریه نقش هـا به این مسـئله که چگونه زمینه هـای اجتمـاعی خـاص، موجب تغییراتی در عمـل فردی می شود توجه می کنـد. (ترنر،۱۳۷۳: صص ۲۱۹ و ۲۲۰). تأکید نظریه های نقش ها بر ساختارهای خرد جامعه اجتناب ناپذیر است. اگرچه سازمان های اجتماعی کلان تأمین کننده بیشتر نظم برای اجرا و عملکرد نقش ها هسـتند؛ اما جامعه را نمی توان مستقل از فرد فرد متصدیان و عملکرد آنهـا، مفهوم بنـدی کرد. (ترنر، ۱۳۷۳ : ص۲۲۲). بنـابراین، انتظـاراتی که فرد در جریـان انجام نقش خود در محیط اجتماعی دارد، برای بسیاری از

ص :۲۴

موقعیت های اجتماعی، هنجارهایی است که چگونه کار کردن فرد را مشخص می کند. در این راستا، درجه منظم شدن فعالیت ها به وسیله هنجارها در شرایط مختلف متفاوت است. شرایطی که هنجارها بر حسب متغیرهایی چون دامنه، قدرت اثربخشی، صراحت و درجه تضاد با یکدیگر متفاوت هستند. نظریه نقش ها بر روابط اجتماعی تأکید دارد و تقاضای نقش ها در یک کنش متقابل بررسی می شود. در نتیجه تقاضای نقش ها از طریق حرکات و اشارات فرد دیگر تفسیر می شود و این یکی از مهم ترین نیروهایی است که عمل انسانی را شکل می دهد. (ترنر، ۱۳۷۳: صص ۲۲۱ و ۲۲۲). یکی از قلمروهای اصلی تئوری نقش ها، نقش های شغلی است که غالباً به پدیده تعدد نقشی با پی آمد های مثبت و منفی توجه می کند. یکی از مفروضات مهم نظریه نقش های اجتماعی این است که تعدد روابط با دیگران، منبع فشار روانی و ناپایداری اجتماعی است. (sieber ،۱۹۷۴: ۵۶۷ و ۵۶۸).

به این اعتبار، تا مدت های مدیدی چنین پنداشته می شد که فشار و تعارض نقش، پی آمدهای عادی نقش ها و هویت های چند گانه اند و اغلب از گرانباری و تعارض نقش ها سخن می رفت. انباشتگی نقش نیز دارای پی آمد های مثبتی است که می توان کار مضاعف را نشانی از تعدد نقشی نیز لحاظ کرد؛ زیرا فردی که موظف به انجام کار در یک شیفت یا یک مؤسسه است، به محض اینکه کاری اضافه انجام دهد، صاحب نقش های چندگانه می شود. بنابراین، در اینجا به تئوری انباشتگی نقش که پی آمد های مثبت آن بررسی شده، پرداخته می شود. سایبر، مارکز و توئتیس، ترکیب نقش ها را از جنبه مثبت مورد بررسی قرار داده اند. انباشت نقش ها دارای پی آمد و منافع مثبت برای فرد و نظام نقش های کنشگر به همراه دارد و به ویژه در امنیت وجودی فرد، کاملاً مؤثر است. هر اندازه، شمار نقش های فرد بیشتر باشد،

حس موجودیت معنادار و رفتار به سامان که لازمه سلامت روانی فرد و نظم اجتماعی پایـدار است تقویت شـده و حتی نظامی از نقش های هم پوشاننـده، به رغم تعدد نقش ها می تواند به کاهش فشار و تعارض فرد یاری رساند (۱۷۵ : Thotis,۱۹۸۳) ؛ به طوری که در تحقیقـاتی که به جنبه هـای مثبت حاصل از نقش های چنـدگانه پرداخته شـده، افراد به منافعی نظیر احترام به خود، خود مختاری، احساس کنترل و سلامت کلی اشاره کرده اند.

بـدین ترتیب، هر چنـد بـا رویکرد انباشـتگی نقش می توان اذعـان داشت که نقش های چنـدگانه، می توانـد فرد را در معرض فشار و تنش های اضافی قرار دهد، اما این نقش ها برای افراد منابع جایگزینی فراهم می سازد که نسبت به آن تنش ها مهم تر و سنگین تر است و به کـاهش آثـار اضـطراب آور و هیجـانی تنش هـا نیز کمک می کنـد. این رویکرد، بیشتر بر پاداش های مثبت پیوسـته با نقش های متعدد متمرکز است. ایفای نقش های چندگانه، افراد را در تماس با منابع اقتصادی و عاطفی بیشتری قرار داده و مسـئولیت های متعارض آنها را تعدیل می کند. کسانی که که نقش های بیشتری برعهده می گیرند، خروجی های بیشتری برای آزاد ساختن و تخلیه تنش و فشار در اختیار دارنـد و همچنین به منابع بیشتری برای حمایت در مقابله با این فشارها دسترسی می یابند. بدین ترتیب، احتمال می رود که مشـکلی که در یک نقش بروز می کند، به وسیله رضایت از نقش دیگر جبران شود.) ۶۴۰ _ ۶۳۴: Barnet۱۹۹۲, (.

نقش هـای چنـدگانه می تواننـد اختصاص تمام انرژی عاطفی بر نقش واحـد را از بین برده و فرد را از حیث روانی و اجتماعی محـافظت کننـد. وجود نقش هـای جـایگزین می توانـد همچنین احسـاس قـدرت انتخـاب و رضـایت فرد را بالاـ برده و منجربه تقـویت حس احـترام به خود، منزلت اجتمـاعی و هویت اجتمـاعی فرد شود. تعـدد نقش هـا به افزایش پیوسـتگی اجتمـاعی نیز کمک کرده و افزایش در قدرت، منزلت و رضایت عاطفی افراد

ص :۲۶

را پدید می آورد و در نهایت، به بازشناسی اجتماعی و احساس بسط یافته ای از هویت افراد منجر می شود.

نکته قابل ذکر اینکه عوامل فردی نظیر ویژگی های شخصی فرد، سطح مهارت و سلامت یا نقص و بیماری جسمی می تواند بر روابط نقش های چندگانه و با فشار مثبت یا منفی تأثیر گذارد. عوامل ساختاری اجتماعی نظیر پایگاه یا منزلت اجتماعی یا شغلی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، وضعیت مالی، میزان مسئولیت های کاری و خانوادگی و خصایص خانوادگی، در چرخه زندگی شغلی در ایفای چند نقش متفاوت مؤثرند. بنابراین، یک راه برای افزایش شناخت تأثیر نقش های متعدد بر فشارهای اجتماعی و روانی این است که آنها را در زمینه ای که در آن رخ می دهند، بررسی کرد و به محتوای نقش، کیفیت و ترکیب نقش ها و شرایطی که تحت تأثیر آن شکل می گیرند، توجه شود. این شرایط، شامل: شرایط ساختاری عینی (در زمان و فعالیت های مربوط به نقش)؛ شرایط روانی و ذهنی (واکنش های ذهنی بر نقش ها) و شرایط ساختاری عینی بر تقاضاها و منابع پیوسته با نقش ها می باشد؛ در حالی که شرایط ذهنی و روانی ادراک ذهنی و تجربه نقش ها را در بر می گیرند. به استناد نظریه هویت، نقش ها یا هویت های افراد در یک نظم سلسله مراتبی و به لحاظ اهمیتی که در خودپنداره شخص دارند مرتب می شوند. اهمیت موضوع برجستگی هویت ها و نقش ها در این است که کنش را در حمایت از هویت بر می انگیزاند و چون مطابق با یک اصل دیگر از تئوری هویت که افراد برای ایجاد و حفظ هویت های دلخواه و مطلوب خود زمان و انرژی قابل ملاحظه ای اختصاص می دهند، افراد می توانند با سازمان دادن نقش ها و هویت ها در سلسله مراتبی از برجستگی و یا اختصاص زمان و انرژی متناسب با میزان اهمیت هر هویت یا نقش، چندین نقش را اداره کنند.

سایبر اذعان می کند که انباشت نقش، به دور از اضافه باری و تعارض نقشی نیست. او مدعی است که می خواهد با توجه دادن اذهان به پاداش ها و فواید حاصل از انباشت نقش، از اینکه فقط اختلالات حاصل از تعدد نقش ها دنبال و مطرح می شوند، ممانعت کند. از نظر سایبر، نتایج مطلوب تعدد نقش بر پاداش های چندگانه ای استوار است؛ از قبیل: امتیازات نقش، امنیت پایگاه عمومی، تدارک منابع لازم برای ارتقای پایگاهی و تقویت شخصیت و کامروایی شخصی. وی معتقد است که این پاداش ها بر کاهش فشار، اضافه بار و تعارض نقش ها اثر تعیین کننده ای دارد؛ به طوری که هر چه امتیازات نقش افزایش یابد و از آن طریق حقوق، سریع تر از وظایف انباشته شود، فشاری که شخص در ایفای نقش ها و وظیفه اش احساس می کند کمتر خواهد بود.(Thotis, ۱۹۸۳ : ۱۷۶ - ۱۷۸).

مارکز(۱) نیز با بیان تئوری توازن نقش، به توانایی افراد برای اکتساب نقش های چندگانه اشاره می کند. وی معتقد است که افراد قادرند چندین نقش را بر عهده گیرند و در عین حال فشار و تعارض کمتری نیز داشته باشند. مشروط بر اینکه از نظام متوازنی از تعهدات نقش برخوردار باشند. در برداشت مارکز انرژی و زمان لازم برای ایفای توقعات نقش های چندگانه به طور اجتماعی بنا می شود. بدین معنا که برای هر نقشی که فرد نسبت به آن تعهد بالایی داشته باشد و احساس کند که باید به طور جدی تر انجام دهد، انرژی فراوانی یافت خواهد شد. بدین ترتیب، افراد می توانند تعهد زیادی به نقش های مختلف داشته باشند و تقریباً ظرفیت بسیار زیادی برای درگیری های متنوع و متعدد از خود نشان دهند. افراد برای انجام رفتارهای

۱- Marks.

مربوط به نقش خاصی که به آنها متعهدانـد، وقت می سازنـد و انرژی تولیـد می کننـد. گرانباری نقش ها و احساس تعارض نقش هـا ناشـی از الزامـات حاکم بر نقش ها نیست؛ بلکه حاصل تعهـد روانی افراد به نقش های اجتماعی شان است. آنچه که تعیین کننـده میزان تعهـدات فرد به نقش هـاست، اهمیت ذهنی مربوط به یـک نقش یـا هویت می باشـد و میزان زمان و انرژی سرمایه گذاری شده را تعیین می کند. تعهدات ذهنی و روانی نسبت به یک نقش یا هویت نیز تابعی از میزان چهار عنصر لذت خود به خود از ایفای نقش (کسب ثروت، قـدرت، حیثیت، همدلی، تحسـین، خودپنداره مطلوب)، یا ممانعت از مجازات (نظیر بـدنامی، سـرزنش، از دست دادن پایگـاه، از دست دادن پـاداش هـا و امتیازات) به واسـطه ایفای یک نقش می باشـد. همچنین وجود یـک جو عاطفی و همـدلانه نیرومنـد در روابط اجتماعی می توانـد انرژی بیشتری تولیـد کنـد. (Thoits,۱۹۸۳: ۱۷۷ -۱۸۵).

از نظر مـارکز، افراد، بـالقوه منابع فراوان و همواره در حال تجدیـدی از انرژی را در اختیار دارنـد که تحت شـرایط اجتماعی ـ فرهنگی می تواند آزاد شود. برخی بر این عقیده اند که حتی اگر انرژی انسان انعطاف پذیر و قابل افزایش باشد، زمان محدود و به شـدت ثابت است و تنها ساعت های محـدودی در طول روز وجود دارد که به کار اختصاص می یابد. اما مارکز برخلاف این تفکر معتقـد است که زمان پیش از آنکه طبیعتاً کمیاب باشـد، امری فرهنگی و حاصل کارکرد توافق هاست. به هر حال از نظر مـارکز انرژی و زمـان به عنوان پدیـده هـای اجتماعی و فرهنگی تابعی از تعهـدات و ویژگی های فرد در روابط و زنـدگی اجتماعی است.

در اینجـا رسانه های جمعی، به ویژه صداوسـیما می توانـد با الگوسازی نقش های متعـدد موفق، روحیه کار مضاعف را تبلیغ و ترویج کند. البته نکته

تأمل برانگیز در جامعه ایران کمبود منابع شغلی است که داشتن چند شغل و نقش اقتصادی می تواند آسیب زا باشد. به نظر می رسد می توان با نگاهی انتقادی در شرایط اجتماعی ایران به آن پرداخت.

۸. نتیجه گیری

۸. نتیجه گیری

در جامعه شناسی اگر چه کار در سطح فردی وسیله ای برای تأمین معاش به عنوان یکی از نیازهای اساسی به شمار می رود، ولی در سطح اجتماعی، کار یکی از اشکال عمل اجتماعی محسوب می گردد. کار در کلیه فرآیند های اجتماعی تأثیر گذار و از سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه ها، تأثیر پذیر می باشد.

برای رهایی از عقب ماندگی و حفظ استقلال و هویت دینی، چاره ای جز گسترش دامنه کار و فعالیت های مضاعف در ابعاد اقتصادی، علمی و اجتماعی با برنامه های اساسی و درازمدت در راه پیشرفت برای نسل آینده نخواهد بود. بدین منظور، بایستی به بازشناسی ارزش های اصیل ملی و اسلامی بازگشت. اعتقاد به بهره مندی از منابع با کار مضاعف، وابسته به عرصه فرهنگی جامعه است. گسترش فرهنگ کار مضاعف، در دست سازمان ها و نهادهای اشاعه دهنده و القاکننده ارزش هاست که این خود مستلزم درک درست از موقعیت های اجتماعی، بهره گیری متناسب از اقشار روشنفکر و آگاه جامعه، نویسندگان و هنرمندان، صاحبان فکر، قلم و اندیشه است. در غیر این صورت، آسیب های اجتماعی مرتبط به حوزه اقتصادی و شغلی از جمله اختلاس، رشوه خواری، سودجودیی، تجاوز به حقوق دیگران، کم کاری، بی کاری پنهان و... شکل غالب مناسبات اجتماعی خواهد بود.

بدین ترتیب، اگر فضای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی جامعه به طور هماهنگ سالم سازی شود و دستگاه های ارشادی، تبلیغاتی و سازنده افکار عمومی نظیر صداوسیما با توجه به نیازها و زمان سامان

یابنـد و برنامه های هدفمنـدی ارائه کننـد، جو متناسب روانی و فرهنگی برای فعالیت و رشد ظرفیت ها و اسـتعدادها در پیشبرد اهداف اقتصادی در جامعه به طور غیرمسـتقیم ایجاد می شود؛ زیرا رسانه ها، به ویژه صدا و سیما می تواند با ظرایف هنرمندانه و در قالب برنامه های متعدد و سرگرمی ها، توجه مخاطبان خود را در زمینه فرهنگ کار مضاعف، کار باکیفیت، کار خلاق و صرفه جویی جلب کند.

بدیهی است، حل مشـکلات و مسائل در همه ابعاد زندگی اجتماعی و به ویژه در عرصه فرهنگی، در گرو فراهم ساختن فضای مناسب و سالم فرهنگی، روانی جامعه است که تحقق آن مسـتلزم درونی شـدن ارزش هاست. حال اگر موانع روانی ـ فرهنگی بر سـر فعـالیت هـا و پیشـرفت جـامعه باشـد، اعضـای جامعه آمادگی مشارکت و فعالیت کمتری خواهنـد داشت و به دنبال آن، نومیـدی و سـرخوردگی و کـار ضـعیف و بی مقـدار افزایش می یابـد. درصورتی که ارزش هـایی چون کـار مضاعف، صـرفه جویی در زمینه هـای مختلف فرهنگی و اقتصـادی برای مردم جـامعه درونی شود، مردم را برای کـار و فعالیت آماده می سازد. سپس به دنبال این شـرایط وظیفه شناسـی، انضـباط کاری، اعتماد متقابل، تشویق کارهای دسـته جمعی، تولیدی و هدف دار با اولویت منافع ملی به جای منافع شخصی، خانوادگی و حزبی به وجود خواهد آمد.

رسانه های جمعی باید فرهنگ کار، ابتکار و وظیفه شناسـی را تشویق نمایند و پول پرستی، خودمحوری، شـخص پرستی، عدم احسـاس مسـئولیت و زورمـداری را مـذموم بدارنـد. صـدا و سـیما برای مخاطبان خود نه تنها بایـد ابزاری برای پر کردن اوقات فراغت باشد؛ بلکه باید بتواند نقش خود را در آموزش و استقرار ارزش ها به خوبی ایفا کند.

ص :۳۱

به هرحال، با توجه به ارزش های قابل تأمل در اندیشه دینی که در سخنان و سیره بزرگان دین وجود دارد و به تناسب، فضای فرهنگی دینی جامعه، این ارزش ها می توانـد توسط نخبگان مـذهبی و سیاسـی در طیف وسیعی به کار گرفته شود و با ترویج آن، به تدریـج برای عـامه مردم درونی شـده، جزئی از شخصـیت آنهـا شود. ایجـاد چنین محیـط فرهنگی است که جامعه را از درون، آمـاده فعـالیت و کـار باکیفیت و مضاعف خواهـد کرد. بنابراین، نظام کار و تولیـد به بستر فرهنگی مناسب و کامل نیاز دارد که فضای فرهنگی جامعه نیز مسـتقل از شرایط سیاسی و اجتماعی نمی باشد. بخشی از آماده سازی این بستر فرهنگی، در دست رسانه های جمعی به ویژه صـدا و سـیما به عنوان پرمخاطب ترین رسانه می باشد. قاعدتاً برای تحقق این مهم باید تمامی بخش های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بسیج شده و هدفمند و با برنامه اصولی اقدام کنند.

همواره یک سیسـتم تعادل بخش هماننـد صـدا وسـیما برای ایفای نقش مثبت خود با بی طرفی به آگاه سازی جامعه پرداخته و مقـدمات احیای فرآینـد ارتقای انـدیشه و تفکر را در جامعه فراهم خواهـد ساخت. رسانه های جمعی با اسـتفاده از عرصه های هنری و فرهنگی، برنامه ها، فیلم و سـریال، انیمیشن سازی، کرسـی های هم اندیشـی و... می توانـد ارزش های کار را برجسـته سازد و به ترویج آن همت گمارد.

سرمایه اجتماعی و حرکت رو به جلو: کار و تلاش مضاعف از منظر تقویت سرمایه اجتماعی

اشاره

سرمایه اجتماعی و حرکت رو به جلو: کار و تلاش مضاعف از منظر تقویت سرمایه اجتماعی

فرحناز توکلی(۱)

ص: ۳۲

۱- دکترای جامعه شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

منابع

۱.آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ،۱۳۷۰.

۲.اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه: علی محمد حاضری و دیگران، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۲.

۳.اینگهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۳.

۴.ترنر، جاناتان اچ، ساخت نظریه جامعه شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسائی زاده، شیراز، انتشارات نوید شیراز،۱۳۷۳.

۵.توسلی، غلامعباس، جستارهایی در جامعه شناسی معاصر، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان،۱۳۸۰.

۶.توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۹.

۷.توکلی خمینی، نیره، جامعه شناسی صنعتی، بی جا، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.

۸.جلائی پور، حمید و محمدی، جمال، نظریه های متأخر جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.

۹.حجازی، محمد حسین، چهل سخن، شرح کوتاهی از زندگی پیغمبر اکرم و ائمه معصومین: و چهل سخن برگزیده از هر کدام، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.

۱۰.روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.

۱۱.ریتزر، جورج، نظریه های جامعه شناسی، ترجمه: احمد غروی زاد، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)،۱۳۷۳.

۱۲.ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات،۱۳۸۲.

۱۳.سیترز، ریچارد ام. و پورتر، سیمان دبلیو، انگیزش و رفتار در کار(جلد اول)، ترجمه: سید امین الله علوی، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.

۱۴.فیض الاسلام، علی النقی، نهج البلاغه، خطبه ها، نامه ها، سخنان کوتاه امیرالمؤمنین۷، بی جا، انتشارات چاپ افست،۱۳۵۱.

۱۵.گرینت، کیت، زمینه جامعه شناسی کار، ترجمه: پرویز صالحی، تهران، انتشارات مازیار،۱۳۸۲.

۱۶.گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳.

۱۷.لنسکی، گرهارد و لنسکی، جین، سیر جوامع بشری، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۶۹.

۱۸.مهدی زاده، شراره، تلویزیون، مخاطب و نگرش نو، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۸۴، صص ۲۱۱- ۱۸۵.

۱۹.وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه: عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عماد زاده، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۴.

۲۰. Barnett , Marshall and singer. (۱۹۹۲). JOB experiences over time , multiple roles , and wommen's mental healt :A longitudinal stady , journal of personality and social psychology , V.۶۲. N.۴ : ۶۳۴ – ۶۴۴.

۲۱. Potter,w.J,(۱۹۹۰). Adolescent's perseptions of the primary values of television programming,journalism- quarterly,V.۶۷. N. ۴ : ۸۴۳ -۸۵۱.

۲۲. Schwartz, shalom. H, Huismans sipke , (۱۹۹۵),value priorities and religiosity in four western religions social psycology quarterly.vol.۵۸, NO.۲: ۸۷ -۱۰۷.

۲۳. Sieber , AS.MD (۱۹۷۴), To ward a theory of role accumulation bureau of applied social research columbia university,american socialogical,review,V.۳۹ ,(A gust): ۵۶۷ – ۵۶۸.

۲۴. Thoits peggy.A.(۱۹۸۳). Multiple identities and psycological well-being : A reformulation and test of the social isolation hypothesis, American socialogical

.review.vol. ۴۸.N. ۲ : ۱۷۴ - ۱۸۷

ص :۳۴

سرمایه اجتماعی و حرکت رو به جلو: کار و تلاش مضاعف از منظر تقویت سرمایه اجتماعی

فرحناز توکلی

مقدمه

مقدمه

صحبت از کـار و تلاش مضاعف به معنای مفروض داشـتن ویژگی کار و تلاش انسان در زنـدگی فردی و جمعی است. انسان چه به عنوان یـک موجود فردی و چه به عنوان عضوی از جامعه دارای سلسـله مراتبی از نیازمنـدی هاست که ارضای آنها او را به کار و تلاش وا می دارد.

زنـدگی جمعی انسان، تلاش های فردی وی را به اجتماع پیوند می زند و آثار و پی آمدهای اجتماعی بر آن بار می کند. پس در اولین سـطح، نیازهـای انسانی را می توان منبع انگیزه های فردی برای کار و تلاش دانست. غیر از نیازهای فردی، پیونـدهای اجتمـاعی و زنـدگی جمعی نیز موجـد تلاـش و حرکت اعضـای جـامعه برای رشـد و تعـالی جـامعه خـود است. در نظـام هـای اجتمـاعی مـدرن، اهـداف و برنامه هایی برای پیشـرفت جامعه تعریف می شود و سـعی می گردد کلیه منابع و امکانات مادی و فیزیکی و انسـانی در راه تحقق آنهـا به کـار گرفته شود. کـارگزاران هر حکومت با تعریف جایگاه افراد، گروه ها و نهادها در تحقق اهداف جامعه، فرصت هایی را برای بهره مندی آنها

ص: ۳۵

از امکانات و تسهیلات اجتماعی و عرضه توانایی ها و قابلیت هایشان در این مسیر فراهم می کنند.

در جوامع دینی، جدا از تعاریف خشک و قراردادی اهداف و برنامه ها، با ترویج مفاهیم اعتقادی مثل عدالت، سعی می شود، کوشش گروه های جامعه در مسیری عادلانه به سمت شکوفایی و اعتلای مادی و معنوی جامعه جهت داده شود.

بر این اساس، کار و تلاش مضاعف نیازمند تقویت مضاعف انگیزه های فردی و جمعی و حس مسئولیت پذیری و تعهد مدنی در افراد جامعه است، به نحوی که با درونی کردن ارزش ها و هنجارهای مشترک و ملی در جهت منافع عمومی حرکت کنند. این مهم نیز تنها از طریق تقویت شبکه های ارتباطی، انسجام گروهی و اعتماد جمعی که از نمادگرهای سرمایه اجتماعی یک جامعه است، میسور می گردد.

این مقاله سعی می کند با به کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی، به نقش دولت و گروه ها در ایجاد روحیه و انگیزه کار و تلاش مضاعف در جامعه بپردازد.

۱. سرمایه اجتماعی و اهمیت آن از دیدگاه نظریه پردازان

۱. سرمایه اجتماعی و اهمیت آن از دیدگاه نظریه پردازان

مفهوم سرمایه معادل مفهوم دارایی است و اصطلاحی است که از علوم اقتصادی به عاریت گرفته شده است. وقتی از سرمایه فردی صحبت می شود، بلافاصله دارایی ها یعنی سرمایه های اقتصادی وی تداعی می شود. سرمایه اجتماعی نیز بر وجود نوعی دارایی غیرملموس و غیراقتصادی دلالت می کند که ریشه در روابط اجتماعی افراد، گروه ها و سازمان ها دارد. در واقع، کیفیت و کمیت همین روابط اجتماعی است که دارایی و سرمایه اجتماعی افراد را تشکیل می دهد. سرمایه دارترین، افراد و جوامع آنهایی هستند که از بیشترین سطح روابط اجتماعی پایدار و مؤثر و ارتباطات شبکه ای در جهت دست یابی

به پیشرفت برخوردارند. در تعریف سرمایه اجتماعی، به کارها و نوشته های سه دانشمند و متفکر مؤثر در این حوزه یعنی پیر بوردیو، رابرت پاتنام و جیمز کلمن اشاره می شود.

از دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی عبارت است از:

مجموعه منابع مادی یا معنوی که به یک فرد یا گروه اجازه می دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده برای آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد. (بوردیو و ککوانت،۱۹۹۲ در نیلد، ۱۳۸۶، ص ۳۱؛ بوردیو در تاج بخش، ۱۳۸۴: ص۱۴۷).

در این تعریف، شبکه پایداری از روابط نهادینه شده که برای آشنایی و شناخت متقابل افراد با یکدیگر و با گروه های اجتماعی حاصل می شود، سرمایه اجتماعی فرد یا گروه می باشد. سرمایه ای که از نظر بوردیو، متأثر از جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و سرمایه های اقتصادی و فرهنگی و نمادین آنها شکل می گیرد و توسعه می یابد. سرمایه اجتماعی نیز همانند سایر انواع سرمایه های یک فرد می تواند زمینه ساز و بیانگر جایگاه برتر اجتماعی وی و نیز وسیله ای برای حفظ برتری او باشد. (فیلد، ۱۳۸۶: ص ۳۸).

بوردیو در مورد حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد می نویسد:

[این حجم] به اندازه شبکه پیوند میانی بستگی دارد که او می تواند به طرز مؤثری بسیج کند و مضافاً وابسته است به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی یا نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است. (بوردیو در تاج بخش، ۱۳۸۴: ص۱۴۸).

به این ترتیب، حجم سرمایه اجتماعی یک فرد هم متأثر از سرمایه های (اقتصادی و فرهنگی) خود او و هم سرمایه های مورد تملک دیگران است که با آنها در تعامل و رابطه پایدار قرار می گیرد. نتیجه و پی آمد این تعامل و روابط، ایجاد هم بستگی گروهی است که خود به حصول منفعت های فردی منجر می شود. (همان).

این مفهوم پس از تفکیک میان انواع سرمایه های پولی، فیزیکی و انسانی در اندیشه های اقتصادی، به طرز خاصی از دهه ۸۰ میلادی به بعد، از طریق کارهای سه دانشمند و نظریه پرداز اصلی آن یعنی پیر بوردیو، جیمز کلمن و رابرت پاتنام وارد عرصه مباحث اجتماعی شد. هر سه دانشمند بر این باورند که سرمایه اجتماعی از پیوندهای شخصی و تعامل بین شخصی همراه با مجموعه ای از روش های مشترک تشکیل شده است که با این تماس ها مرتبطند. (فیلد، ۱۳۸۶: ص ۲۸).

پیر بوردیو، جامعه شناس اروپایی بود که فعالیت های فکری خود را حول موضوعات نابرابر اجتماعی و پایداری طبقه اجتماعی دنبال می کرد. او در کارهای خود از سه نوع سرمایه نام می برد: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی (سرمایه نمادین) و سرمایه اجتماعی. (بوردیو در تاج بخش، ۱۳۸۴: ص۱۳۶). از دیدگاه او «سرمایه اقتصادی، ریشه دیگر انواع سرمایه است.» (فیلد، ۱۳۸۶: ص۳۱). ریشه این نوع تفکر را باید در تأثیرپذیری عمیق او از جامعه شناسی مارکسیستی جست وجو کرد. او در تعریف و تشریح ابعاد هر یک از این انواع سرمایه ها به دنبال چگونگی اثرگذاری آنها بر پایداری ساختار طبقاتی جامعه و نابرابری های اجتماعی است. به نظر وی، میزان و کیفیت موجودی هریک از این سرمایه ها در دست افراد و گروه ها بیانگر جایگاه اجتماعی آنها در سلسله مراتب اجتماعی است. بنابراین، افراد سعی دارند با افزودن بر میزان سرمایه های مختلف خود، از جایگاه و قدرت اجتماعی برتری برخوردار شوند و رقابت برای کسب سرمایه افزایش می یابد. (همان: ص ۲۹)

سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن نیز بر پایه روابطی شکل می گیرد که میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) برقرار می شود:

سرمایه اجتماعی از تغییراتی در روابط میان اشخاص حاصل می شود که منش را تسهیل می کند. اگر سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و اگر سرمایه

انسانی کمتر ملموس است و در دانش ها و مهارت های اخذ شده به وسیله فرد حضور دارد، سرمایه اجتماعی به مراتب ناملموس تر است؛ زیرا در روابطی که در بین اشخاص برقرار است، یافت می شود و مولّد است. (کلمن در تاج بخش، ۱۳۸۴: ص۵۵).

کلمن در مباحث خود درباره سرمایه اجتماعی، از مفهوم اعتماد به عنوان برگ اعتباری در تعاملات میان اشخاص نام می برد که به طور کامل مشابه سرمایه مالی عمل خواهند کرد؛ (کلمن در تاج بخش، ص۵۷). یعنی فرد می تواند انتظار داشته باشد که اگر کاری را برای دیگری انجام داد، او در آینده جبران خواهد کرد. بنابراین، افراد دارای تعدادی دیون تسویه نشده هستند که می توانند در هر زمان که امکان داشته باشد، روی نقد کردن آنها حساب کنند.

مفهوم سرمایه اجتماعی در تعاریف بوردیو و کلمن، بیشتر به سطح روابط بین فردی و گروهی (سطح خرد) اشاره دارد، اما آنها با ذکر مثا ل هایی، اثرگذاری سرمایه اجتماعی در سطوح کلان تر مثل رابطه میان نهادها و ساختارهای سیاسی را نیز مدنظر قرار داده اند. به اعتقاد کلمن، «در محیط های سیاسی از قبیل مجالس قانون گذاری، یک قانون گذار برخوردار از موقعیتی توأم با امکانات فوق العاده (مثل رئیس مجلس یا فراکسیون) می تواند با استفاده مؤثر از امکانات فرد، سلسله دیونی برای سایر نمایندگان ایجاد کند که به او امکان به تصویب رساندن یک قانون را بدهد». (همان، ص ۶۰)

نظریه پرداز دیگری که تأثیر بسیار عمیقی بر پردازش و تعمیم مفهوم سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی داشته، رابرت پاتنام است. او که در قیاس با کلمن و بوردیوی جامعه شناس، بیشتر دارای پیش زمینه های فکری در علوم سیاسی است، با تحقیقات و مطالعات عمیق خود در این حوزه، اثری ماندگار بر مباحث جامعه شناختی درباره مفهوم سرمایه اجتماعی به جای گذاشت. پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می نویسد:

سرمایه اجتماعی در اینجا به ویژگی هایی از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد در هنجارها و شبکه ها اشاره دارد که قادرند کارآیی جامعه را با تسهیل کنش های تعاونی بهبود بخشند. (پاتنام، ۱۹۹۳در: فیلد، ۱۳۸۶: ص۵۴).

در این تعریف، پاتنام، سرمایه اجتماعی را بر اساس سه جزء اصلی آن یعنی اعتماد، هنجار ها و شبکه و نیز بر مبنای کارکرد این اجزا؛ یعنی تسهیل کنش های تصادفی در جامعه تعریف می کند. وی در تعریف بعدی خود، سرمایه اجتماعی را بر مبنای همین سه عنصر تشکیل دهنده آن در جهت تعقیب مؤثرتر اهداف مشترک توسط مشارکت کنندگان تعریف می کند. (پاتنام، ۱۹۹۶، ص ۵۶).

پاتنام برخلاف دو متفکر دیگر که «رویکردهای خود را بر سرمایه اجتماعی در سطح افراد و خانواده ها متمرکز کرده اند ، به بررسی این مفهوم در مقیاس کلان می پردازد. مطالعه اصلی و بنیادی او در باب سرمایه اجتماعی با نام «فعال کردن دموکراسی (۱۹۹۳)» به بررسی تطبیقی کارآمدی دولت در ایتالیا می پردازد. (جمعی از نویسندگان در: باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۴۰).

او میان دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل می شود: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (جامع) و سرمایه اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). اولی افراد متعلق به گروه های اجتماعی متنوع را گرد هم می آورد و دومی به ایجاد همگنی و تقویت هویت های انحصاری کمک می کند. هریک از این دو شکل سرمایه اجتماعی، دارای کارکردهای خاص خود هستند. سرمایه اجتماعی درون گروهی با ایجاد و انتقال هم بستگی های گروهی به حفظ وفاداری های درون گروهی قومی و تقویت هویت های مشخص منجر می شود و سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده برای اتصال به ابزارها، انتشار اطلاعات و در نهایت فراهم آوردن زمینه تعاملات وسیع تر بین گروهی، مفید واقع می شود. (پاتنام در فیلد، ۱۳۸۴: ص۵۶).

ص :۴۰

با توجه به اهمیت دیدگاه پاتنام و رویکرد کلان نگر وی به مفهوم سرمایه اجتماعی، در این مقاله، بر مبنای رویکرد نظری وی به بررسی رابطه و نقش سرمایه اجتماعی در پیشبرد جامعه و برقراری عدالت می پردازیم و برای روشن تر شدن حیطه مباحث، پاسخ گویی به سؤالات زیر را مدنظر قرار می دهیم:

رابطه سرمایه اجتماعی با رونق اقتصادی چگونه است؟ اجزا و عناصر سرمایه اجتماعی کدامند و چه نقشی در پیشبرد جامعه دارند؟ مکانیسم های اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر پیشرفت جامعه کدامند؟ نقش دولت و نهادهای رسمی در تقویت سرمایه اجتماعی چیست؟ چگونه می توان به کمک سرمایه اجتماعی، زمینه کار و تلاش مضاعف را در جامعه فراهم کرد؟ سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلامی چه ابعادی دارد؟

۲. اجزا و عناصر سرمایه اجتماعی

۲. اجزا و عناصر سرمایه اجتماعی

بر اساس تعریفی که پاتنام از سرمایه اجتماعی ارائه داده است و دیدگاه های نظری وی در این مورد، اجزا و عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از: شبکه ها، مشارکت، ارزش های مشترک و اعتماد. (فیلد، ۱۳۸۶: ص۶۷). منظور از شبکه ها، شبکه روابط و تعاملات موجود در سطح فردی میان افراد، در سطح گروهی میان گروه ها، در سطح اجتماعی بین گروه ها و در سطح ملی میان گروه ها با یکدیگر، نهادهای رسمی و غیررسمی با یکدیگر و میان تمامی گروه ها و نهادهای غیر رسمی با دولت است. از نظر پاتنام، شبکه ها در کنار سایر عناصر سرمایه اجتماعی می توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآمدی جامعه را افزایش دهند. (تونکیس، ۱۳۸۷: ص ۹۸).

ص :۴۱

شکل گیری شبکه ها و اثرگذاری آنها بر زندگی افراد و گروه ها تنها از طریق مشارکت اجتماعی تحقق می یابد. این مشارکت اجتماعی در دیدگاه پاتنام به صورت تعهد مدنی و از طریق کنش جمعی، نقش خود را در ثبات سیاسی و رونق اقتصادی بازی می کند. او در این باره می نویسد:

چگونه سرمایه اجتماعی، حکومت شایسته و پیشرفت اقتصادی را تقویت می کند که تحت شبکه های مشارکت مدنی، هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می کنند. (پاتنام در تاج بخش، ۱۳۸۴: ص ۹۸).

تحقق مشارکت مدنی در درون شبکه ها مستلزم وجود ارزش های مشترک و پای بندی و اعتقاد افراد و اعضای گروه ها به این ارزش های مشترک است. از نظر پاتنام، این شبکه های مشارکت مدنی، «تجسم همکاری های موفقیت آمیز گذشته هستند که می تواند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری های آتی عمل کند». (همان، ص ۹۹)

اعتماد نیز یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی است که بدون آن، رابطه ها منجر به نتیجه مطلوب نخواهد شد. پاتنام، پیوندهای اجتماعی متراکم را از بنیادهای ضروری اعتماد در جوامع پیچیده می داند. اعتماد از جمله ذخایر سرمایه اجتماعی است که در کنار هنجارها و شبکه ها، ضامن حسن اجرای خود است و از خصلت انباشته شدن برخوردار است. (پاتنام تاج بخش، ۱۳۸۴، ص۹۹)

اعتماد، عنصری است که در تمامی تعاریف از سرمایه اجتماعی حضور دارد. (تونیکس، ۱۳۸۷: ص ۹۸) فوکویاما، اعتماد را انتظاری می داند که در یک اجتماع از رفتار منظم، صادقانه و همکاری جویانه مبتنی بر هنجارهای مشترک برمی خیزد. (همان: ص۱۰۳) بنابراین، اعتماد تنها جزیی از عناصر سرمایه اجتماعی نیست، بلکه پیش شرطی برای شکل گیری آن نیز هست. کارآمدی و تداوم رابطه ها و شبکه ها بستگی به وجود عنصر اعتماد در میان اعضای آنها دارد. تنها در صورت وجود اعتماد است که یک رابطه و تعامل

تبدیل به یک برگه اعتباری قابل خرج کردن در آینده می شود. در واقع، از نظر فوکویاما، «اعتماد»، امری حیاتی برای کارآیی سازمان (و در معنایی وسیع تر کارایی اقتصادی) است. (فوکویاما (۱۹۹۶) در: تونکیس، ۱۳۸۷: ص۱۱۳) به این ترتیب، اعتماد، عنصری است که در تمامی سطوح سرمایه اجتماعی (چه سرمایه اجتماعی بین فردی، بین گروهی و بین سازمانی) حضور دارد و شرط کارآمدی رابطه هاست.

۳. سرمایه اجتماعی و مکانیسم های اثرگذاری بر پیشرفت اجتماعی و رونق اقتصادی

۳. سرمایه اجتماعی و مکانیسم های اثرگذاری بر پیشرفت اجتماعی و رونق اقتصادی

در نظریه های اقتصادی جدید بر نقش تعیین کننده شبکه ها و هنجارها در عملکرد اقتصادی جوامع تأکید می شود. (فوکویاما: ۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی یعنی شبکه های انجمنی، ارزش های جمعی و هنجارهای فرهنگی را عنصر کلیدی تعیین کننده عملکرد اقتصادی در سطح کلان می داند. (تونکیس، ۱۳۸۷: ص۱۱۳)

در این دیدگاه، تفاوت رشد در میان ملت ها و مناطق مختلف تنها در نتیجه تابعی از تفاوت های موجود میان آنها از نظر توانایی های فنی یا سرمایه های مادی نیست، بلکه در نتیجه تفاوت در برخورداری از سرمایه انسانی (منابع دانش و مهارت) نیز هست که سرمایه اجتماعی نیز جزیی مرتبط با آن تلقی می شود. به عبارت دیگر، رونق و موفقیت اقتصادی یک جامعه در ارتباط مستقیم با شبکه های اجتماعی موجود (انجمن های داوطلبانه، مشارکت و تعهد مدنی، اعتماد و هنجارهای مشترک) در نظر گرفته می شود. پس می توان انتظار داشت که هرچه ارتباطات اجتماعی (سطوح خرد و کلان) جامعه به خصوص ارتباطات بین گروهی بیشتر و منسجم تر باشد و در نتیجه آن، اعتماد میان گروه های اجتماعی با هم و با حکومت (و دولت) بیشتر بر پایه ارزش ها و هنجارهای مشترک شکل بگیرد، با پیشرفت جامعه و حرکت

ص: ۴۳

به سـمت عدالت و رونق اقتصادی بیشتری مواجه باشیم. این نتیجه ای است که هم پاتنام و هم فوکویاما در مباحث خود درباره سرمایه اجتماعی مطرح کرده اند. (همان، صص۱۱۳ و ۱۱۴).

دربـاره چگونگی اثرگـذاری سـرمایه اجتمـاعی بر توسـعه اقتصادی، چهار دیـدگاه مطرح شـده است که هر یک دارای مزایا و معایب خاص خود هسـتند. از آنجا که هدف این مقاله، تشریح این دیدگاه ها نیست، به ذکر خلاصه ای از اصلی ترین خطوط شناسه هر دیدگاه بسنده می کنیم و سپس به بحث خود بازمی گردیم.

۴. دیدگاه اجتماع گرایی

۴. دیدگاه اجتماع گرایی

در این دیدگاه، سـرمایه اجتماعی با سازمان های محلی چون باشـگاه ها، انجمن ها و گروه های مدنی برابر انگاشته می شود و این اعتقـاد وجود دارد که سـرمایه اجتماعی ذاتاً امری مثبت است و هرچه بیشتر باشـد، بهتر است و اثری مثبت بر رفاه اجتماعی دارد. مکانیسم اثرگذاری سـرمایه اجتماعی بر رونق اقتصادی از این دیدگاه، از طریق ایجاد سـطوح بالای هم بسـتگی اجتماعی در میـان گروه هـای غیررسـمی است که به هم یـاری و همکـاری عمومی و در نتیجه، رفـاه اقتصادی می انجامـد. برخلاف این دیـدگاه، محققان متعـددی با ذکر مثال هایی از مناطق مختلف جهان، فرضـیه اصـلی این رویکرد را نفی کرده انـد. (ولکاک و نارایان در: تاج بخش، ۱۳۸۴: صص ۵۳۵ _ ۵۳۷)

۵. دیدگاه شبکه ای

۵. دیدگاه شبکه ای

در این دیـدگاه سـعی می شود هر دو جنبه مثبت و منفی سـرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود و به اهمیت پیونـدهای عمودی و افقی در بین مردم و روابـط درونی و بین گروهی سازمـان هـای مختلف اجتمـاعی توجه می شود. این پیونـدها به خـانواده ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می دهد و آنها را

ص: ۴۴

برای تلاش و فعالیت مشترك در جهت رفاه عمومی به حرکت درمی آورد. به این ترتیب، مکانیسم اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رفاه اقتصادی از نظر این دیدگاه از طریق سازوکاری است که به افراد اجازه می دهد ابتدا از مزیت عضویت اجتماعی خود بهره مند شوند و سپس به آنها امکان می دهد که مهارت ها و منابع لازم برای مشارکت در شبکه های عمومی تر را که از اجتماع آنها فراتر می رود، اخذ کنند و به تدریج، به بدنه و جریان اصلی اقتصاد بپیوندند. (همان: صص ۵۳۷ و ۵۳۸)

۶. دیدگاه نهادی

۶. دیدگاه نهادی

این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه های اجتماعی اغلب محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. یعنی سرمایه اجتماعی را متغیر وابسته ای می داند که در آن، ظرفیت گروه ها برای عمل کردن در جهت نفع عمومی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت آنها قرار دارند. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، به نقش دولت در شکوفایی جامعه مدنی (شبکه ها و سرمایه اجتماعی) توجه می شود. (همان: صص ۵۴۵ _ ۵۴۷)

۷. دیدگاه هم یاری

۷. دیدگاه هم یاری

این دیدگاه سعی در ادغام دو دیدگاه شبکه ای و نهادی دارد و تأکید اصلی آن بر رابطه هم یاری (مکمل بودن و اتکا) میان دولت و جامعه (گروه های اجتماعی) است. منظور از مکمل بودن، روابط حمایتی دوطرفه میان کنش گران بخش دولتی و خصوصی است و مقصود از اتکا، ماهیت و گستره پیوندهایی است که در بین شهروندان و مقامات دولتی برقرار می شود.

به عبارت دیگر، «در جوامعی که از حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی بین گروهی بهره دارند، دولت و جامعه، مکمل یکدیگرند و موفقیت اقتصادی و نظم اجتماعی محتمل الوقوع است». (همان: ص۵۵۱).

بنـابراین، مکـانیسم اثرگـذاری سـرمایه اجتمـاعی بر رونق اقتصادی و پیشـرفت اجتماعی در این دیـدگاه، از طریق ایجاد مجامع مشترک میان دولت، بخش خصوصـی و جامعه مـدنی است، به طوری که از طریق آن بتوانند اهداف مشترک را پس بگیرند و توسعه را جامه عمل بپوشانند. در این شـرایط، سرمایه اجتماعی نقش یک متغیر واسط را دارد که در درون بخش خصوصی و مدنی شکل گرفته است و در تعامل با دولت قرار می گیرد.

به نظر می رسـد در میـان این دیـدگاه هـا، دیـدگاه چهارم (هم یاری) از قابلیت بیشتری برای نشان دادن رابطه میان بخش های مختلـف یـک جـامعه در جهت هم گرایی و تلاش مجـدانه و مضـاعف برای پیشـبرد اهـداف جـامعه و دست یـابی به عـدالت برخوردار است. بر اسـاس این دیـدگاه، سه وظیفه محوری برای نظریه پردازان، محققـان و سـیاست گـذاران پیشـنهاد می شود: شناسـایی مـاهیت و گستره روابـط اجتمـاعی یـک جـامعه؛ تعریف راهبرد نهادی مبتنی بر این روابط و تعیین اینکه مظاهر مثبت سرمایه اجتماعی ــ یعنی همکاری، اعتماد و کارآیی نهادی ــ چگونه می تواننـد بر فرقه گرایی، انزواطلبی و فساد (که از موانع پیشرفت جامعه هستند) غالب آیند. (همان: ص۵۵۴).

۸. نقش دولت و نهادهای رسمی در تقویت سرمایه اجتماعی

۸. نقش دولت و نهادهای رسمی در تقویت سرمایه اجتماعی

سرمـایه اجتمـاعی ارتبـاط دهنـده (بیـن گروهی) از جملـه عوامـل مهـم در جهت حرکت یـک جـامعه به سـمت رشـد و تعـالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (معنوی) است. به همان اندازه که سـرمایه اجتماعی درون گروهی با ایجاد انحصارهای خاص و روابط درون گروهی می تواند دارای آثار منفی برای توزیع امکانات و فرصت ها برای گروه های مختلف اجتماعی و در نتیجه دارای آثار مخرب برای رشد و پیشرفت جامعه باشد، تقویت سرمایه

اجتماعی ارتباط دهنده می تواند از طریق ایجاد تعهد مدنی، مشارکت اجتماعی و ارزش های مشترک، دارای آثار مثبت در جهت رشد و ترقی جامعه باشد.

نباید از نظر دور داشت که سرمایه اجتماعی درون گروهی نیز در وجه مثبت خود، به صورت های مستقیم و اغلب غیرمستقیم، در جهت رشد و تعالی جامعه عمل می کند. بهره گیری افراد و گروه ها از شبکه های ارتباطی خود و منفعت یابی از سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یکدیگر در جهت ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود آنها به طور غیرمستقیم، به حرکت چرخ های اقتصادی و اجتماعی جامعه در جهت حرکت رو به جلو کمک می کند، زیرا شرایط رقابت اقتصادی و اجتماعی بین فردی و گروهی تا جایی که در جهت تخریب نیروهای یکدیگر نباشد؛ ضمن نفع رسانی به عاملان فردی، باعث بهره مندی کلیت جامعه و اقتصاد از این تلاش ها و فعالیت های فردی می شود. (فیلد، ۱۳۸۶ ، صص۸۷ و ۸۸) ازآنجاکه درون گرایی شدید می تواند همراه با رقابت ناسالم برای کسب جایگاه های برتر از طریق تخریب دیگری یا دیگران باشد، تشویق سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده که منجر به تولید هنجارها و ارزش های مشترک ملی و نیز رقابت سالم میان گروه های اجتماعی در جهت منافع ملی می شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به نتایج تحقیقات و مطالعات متعددی که در کشورهای مختلف غربی و شرقی در مورد تأثیرات سرمایه اجتماعی بر پیشرفت های اقتصادی صورت گرفته است، پاتنام این ادعا را مطرح کرده است که « عملکرد اقتصادی در جوامع کاملاً به هم پیوسته، بهتر از جوامعی با اتصالات (ارتباطات) ضعیف است». (پاتنام در: فیلد، ۱۳۸۶: ص۸۴).

بر این اساس، در جوامعی که دولت نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور دارد و کنترل بخش های مهمی از اقتصاد جامعه در دست اوست (مانند کشور ما ایران)، می توان وظایف خطیری را برای دولت در جهت تشویق سرمایه اجتماعی ملی (بین گروهی) برشمرد. در واقع، حکومت باید از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی سازمانی و تسهیل شرایط همکاری نهادی دستگاه ها با یکدیگر و ممانعت از گسستگی ارتباطات سازمانی گروه ها و نهادهای اجتماعی با یکدیگر و با حکومت، وظیفه ایجاد انگیزه بیشتر برای کار و تلاش سازنده و حرکت به سمت عدالت در جامعه را به عهده بگیرد و در این راه، از تمامی ظرفیت های اجتماعی برای تحقق اهداف ملی بهره ببرد.

اکنون با توجه به مبانی نظری این بحث، نقش و وظایف حکومت در پیشبرد جامعه و رسیدن به عدالت را (اهدافی که مقام معظم رهبری برای سال ۸۹ ترسیم کردند) از طریق تقویت سرمایه اجتماعی با تفصیل بیشتری تشریح می کنیم.

در تعریف سرمایه اجتماعی گفته شد عناصر سازنده این مفهوم عبارت از شبکه های اجتماعی، هنجارها و ارزش های مشترک مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل هستند. حال با توجه به هر یک از این عناصر می توان به نقش دولت و حکومت در افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه، ایجاد کارآیی بیشتر (مضاعف) برای دست یابی به اهداف ملی توسعه و عدالت یا به عبارت دیگر، «نیل به منفعت همگانی و نتایج سودمند برای اجتماع» اشاره کرد. (باغینی، ۱۳۸۷: ص۱۴) شبکه های اجتماعی به عنوان منابع اصلی سرمایه اجتماعی (در سطوح خرد و کلان) شناخته می شوند. این شبکه های اجتماعی به خصوص در سطوح مدنی و در بخش های خصوصی، اغلب بر اساس روابط و منافع بین گروهی اعضای آنها شکل می گیرند و تداوم می یابند.
نقش

دولت در این زمینه نباید در جهت ایجاد این گونه شبکه ها باشد، بلکه برعکس باید با شناسایی شبکه های موجود و کارآیی آنها، از طریق ایجاد هماهنگی میان آنها و ایجاد زمینه مشارکت و همکاری متقابل با یکدیگر و با دولت، از توانایی های بالفعل و بالقوه آنها در جهت پیشبرد اهداف جامعه استفاده کند.

اگر سرمایه اجتماعی را عبارت از «تأثیر اقتصادی حاصل از تسهیلاتی که شبکه های اعتماد و مؤلفه های فرهنگی در یک سیستم اجتماعی به وجود می آورند، بدانیم»، (میرزایی مقدم، ۱۳۸۶: اینترنت) در این صورت تقویت شبکه های اعتماد میان سازمان ها و نهادها علاوه بر کاهش هزینه های مدیریتی موجب می شود زمان و سرمایه بیشتری به فعالیت های اصلی اختصاص پیدا کند و علاوه بر آن، موجب انتقال دانش اعضای گروه ها به یکدیگر می شود و از این طریق به کاهش هزینه های مدیریتی و توسعه اجتماعی و سازمانی مؤثر کمک می کند.

اعتماد، یکی از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی است که به خصوص در سطوح اجتماعی، حضور و قوت آن در میان مردم، اقشار و گروه های اجتماعی و نیز میان مردم و حکومت، عامل ثبات اجتماعی و سیاسی و حرکت رو به جلو در عرصه های اقتصادی است. بدون وجود اعتماد اجتماعی (چه در سطح خرد و چه در سطح کلان)، امکان پیشبرد اهداف فردی و جمعی ممکن نیست. ثبات و کارآمدی حکومت ها در عرصه های سیاسی نیز به وجود اعتماد اجتماعی میان مردم و حاکمان و کارگزاران سیاسی و اقتصادی کشور بستگی دارد.

سرمایه اجتماعی در بحران ها و شرایط خاص اجتماعی برانگیخته می شود و تبلور اجتماعی بیشتری می یابد، اما در شرایطی غیر از مواقع اضطراری یا

خاص، سرمایه اجتماعی در جامعه ایران کم رنگ است حتی در بسیاری از موارد دیده نمی شود. سطح اعتماد اجتماعی نیز در جامعه ایران، پایین است و مفهوم همکاری گروهی در روابط اجتماعی شناخته شده نیست. (علاقه بند، ۱۳۸۴، اینترنت) مطالعاتی که درباره میزان حضور اعتماد اجتماعی در اقشار مختلف مردم شده است، نشان می دهد مردم به اعضای خانواده و دوستان و اقوام خود، بیش از دولت و نهادها اعتماد دارند. نتایج سنجش اعتماد اجتماعی با دو معرّف «اعتماد به مردم» و «اعتماد به مسئولان» نیز بیان گر میزان بالای اعتماد به مردم (۸/۶۷٪) و میزان کمتری از اعتماد به مسئولان (۲/۴۴٪) است. (رفیع پور، ۱۳۷۳)

بحران ها و شرایط اجتماعی سیاسی کشور نیز می تواند در افزایش یا کاهش سطح اعتماد اجتماعی مؤثر واقع شود. بنابراین، نقش مهم دولت و سیاست گذاران در این عرصه آن است که به منظور افزایش انگیزه های عمومی و اجتماعی مردم، گروه ها و نهادهای خصوصی برای کار و تلاش مضاعف در سال جاری، اعتمادسازی را به عنوان یک برنامه در دستور کار قرار دهند و برای اشاعه آن، در سطوح مختلف نهادی و اجتماعی اقدام کنند. بدیهی است گام اول تقویت زمینه های اعتماد میان مردم، نهادها وحکومت است. دولت باید برای اجرای برنامه های مهمی که در پیش دارد، به تقویت سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (پیش گروهی) روی آورد و به موارد زیر که مورد توجه محققان سایر کشورها نیز بوده است، توجه کند:

۱. ایجاد و تقویت فرآیندهای مشارکتی در تصمیم گیری های مؤثر بر زندگی عامه (به ویژه در سطح محلی)؛

۲. رفع شکاف های اجتماعی میان گروه های اجتماعی و حکومت از طریق تقویت وفاق و اعتماد اجتماعی؛

ص :۵۰

۳. شفافیت در افشای اطلاعات مربوط به سیاست ها (به عنوان مثال، طرح های اصلاح اقتصادی کشور) و تشویق شهروندی آگاهانه و مسئولیت پذیر؛

۴. توجه به شبکه های ارتباطی و سرمایه اجتماعی گروه ها و اقشار کم درآمد و بهره گیری مثبت از آنها در جهت پیشبرد اهداف توسعه ای؛

۵. توجه به سرمایه اجتماعی در همه پروژه های توسعه و مشارکت دادن گروه های اجتماعی در اجرای آنها؛

۶. جلوگیری از شکل گیری شبکه های ارتباطی درون گروهی و انحصاری در ساختارهای دولتی و ایجاد فرصت های برابر برای تمامی گروه ها در جهت بهره مندی از امکانات و ارائه توانایی های بالفعل و بالقوه؛ (ولکاک و نارایان در: تاج بخش، ۱۳۸۴: صص ۵۶۲ _ ۵۶۵)

۷. توسعه سیاست هایی برای حمایت از تعهد (اجتماعی) و ارتقای عمل داوطلبانه (به عنوان مثال، همکاری با سازمان های داوطلبانه). (فیلد، ۱۳۸۴: ص ۲۱۴)

مهم ترین اهداف برنامه های توسعه، اغلب در حوزه های اقتصادی، بهداشت و سلامت جامعه و آموزش و پرورش تعریف می شوند که در ارتقای وضعیت آنها سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می کند. به عنوان مثال، در حوزه اقتصاد، سرمایه اجتماعی در سطح خرد به کاریابی و اشتغال افراد کمک می کند و در سطح کلان، شبکه های ارتباطی در موفقیت های تجاری، کاهش هزینه های معاملاتی، تبادل نوآوری میان شرکت ها، رونق کشاورزی و انعطاف پذیری و ایجاد زمینه مشارکت همگان مؤثر واقع می شوند. در حوزه آموزش، بهداشت و سلامتی جامعه نیز، تقویت شبکه های ارتباطی باعث افزایش سلامت روانی و آرامش جامعه، کاهش مرگ ومیر و افزایش طول عمر و سلامتی افراد می شود. در آموزش و پرورش نیز شبکه های ارتباطی سازنده سرمایه اجتماعی در پیشبرد آموزش افراد نقش دارد.

به این ترتیب، سیاست دولت بایـد «در جهت سـاخت سـرمایه اجتماعی به عنوان یک خیر عمومی و نه یک خیر گروهی سوق داده شود و تمرکز ویژه ای بر ایجاد سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده داشته باشد تا این سرمایه بر تمام تقسیمات اجتماعی، قومی، دینی و سایر تقسـیمات فایق آیـد.» (فیلد، ۱۳۸۴: ص ۲۱۲) همچنین «برای تقویت اعتمـاد اجتماعی و حرکت به سـمت عـدالت لازم است که پیونـدهای عمودی میـان گروه هـا کـاهش داده شود و بر پیونـدهای افقی افزوده گردد. به عبـارت دیگر، وجود شبکه های پایدار، عمیق و غنی از روابط می توانند باعث تسهیل کسب اعتماد و خودباوری گردند». (کمپل، ۱۸۶، ۲۰۰۰)

بـا وجود تمـام تأکیـدی که بر نقش سـرمایه اجتماعی در توسـعه می شود، محققان مختلف دریافته انـد که سـرمایه اجتماعی از طریق ترکیب با سایر عوامل، اثرگذاری بیشتری خواهد داشت و به تنهایی، شرط کافی نیست.

۹. گروه های اجتماعی و تلاش و کار مضاعف

۹. گروه های اجتماعی و تلاش و کار مضاعف

به کـارگیری مکانیسم های مناسب برای تقویت سـرمایه اجتماعی ارتباط دهنـده (بین گروهی) در سـطح کلان جامعه اغلب به عهـده دولت و کارگزاران حکومت، و نیازمنـد سیاست گـذاری ها و برنامه ریزی های کل نگر است. سـرمایه اجتماعی درون گروهی (در سـطح خرد، میان افراد و گروه ها) حاصل شـبکه های ارتباطی اعضای گروه های اجتماعی (اقشار، اقوام، نهادها و انجمن هـای مـدنی و پیروان ادیـان) بـا یکـدیگر است که به طور عمومی دارای ارزش ها و هنجارهای خاص خود نیز هسـتند. ایجـاد انگیزه برای کار و تلاش مضاعف، وظیفه ای است که توسط این شـبکه های ارتباطی بایـد محقق گردد. به خصوص در سطح انجمن های داوطلبانه، گروه های قومی و دینی که دارای مرکزیتی برای هدایت امور هستند، تلاش برای ایجاد هم دلی و هم سویی

ص: ۵۲

بیشتر با اهداف ملی و کار و تلاش مضاعف برای پیشبرد جامعه و اهداف توسعه ای آن نیازمند برنامه ریزی هدفمند است.

۱۰. نقش سرمایه اجتماعی در توسعه از دیدگاه اسلامی

۱۰. نقش سرمایه اجتماعی در توسعه از دیدگاه اسلامی

ترویج فرهنگ کار و تلاش در اسلام یک اصل است. اساس زندگی بر کار و تلاش استوار است و سلامت روح و جسم افراد و اجتماع نیز در گرو معاش و اقتصاد سالم است. بنابراین، در یک اجتماع سالم، هریک از افراد، به سهم خود در تولید کالا و خدمات نقش قابل قبولی دارند.

هر چه روحیه کار و تلاش در جامعه بالاتر باشد، زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه، رشد اقتصادی بیشتر فراهم می شود. ایجاد روحیه کار و تلاش نیازمند دو پیش زمینه فردی و اجتماعی است. (کاویانی، ۱۳۸۸: ص ۶) در سطح فردی، سلسله مراتب نیازهای افراد (از خوراک و پوشاک گرفته تا منزلت اجتماعی) به وجودآورنده انگیزه کار و تلاش اجتماعی و اقتصادی هستند. ایمان و اعتقادات فرد نیز عامل محرک وی برای کار و کوشش هستند و او را به تلاش برای کسب خیر فردی و در نهایت خیر جمعی (عمومی) وامی دارند. در سطح اجتماعی نیز وجود فضای رقابت برای کسب درآمد، جایگاه و برتری اجتماعی و اقتصادی و اشاعه ارزش ها و مبناهای دینی مبتنی بر همکاری و مشارکت در ساختن جامعه ای بالنده، از سوی مسئولان و فرهنگ سازان جامعه، به ایجاد و تقویت روحیه کار و تلاش جمعی می انجامد.

در قواعد اجتماعی اسلام، تکالیف و توصیه های متعددی به آحاد مؤمنین و مسلمانان شده است تا از تنبلی و سستی بپرهیزند و کار و تلاش را پیشه خود سازند. (طوبی، ۱۳۸۴: اینترنت) توصیه های اخلاقی در خصوص رعایت حقوق دیگران، پرهیز از ظلم و فساد به افراد جامعه، درستی و صداقت در

روابط اجتماعی و اقتصادی، پرهیز از عیب جویی و تمسخر، رعایت حقوق دیگران (عامه مردم)، رعایت انصاف و حرمت انسان ها، جبران محبت دیگران، بی اعتنا نبودن نسبت به سرنوشت جامعه و اعضای آن، رعایت قواعد معاشرت با دیگران، همگی بر توجه دین مبین اسلام به اهمیت ارتباطات سالم اجتماعی (شبکه های ارتباطی) دلالت دارند. همه این دستورها در جهت افزایش ارتباطات، ایجاد اعتماد و پای بندی به مبانی و ارزش های مشترک (یعنی عناصر و مؤلفه های سازنده سرمایه اجتماعی) هستند. (برامکی، ۱۳۸۸: صص ۷ _ ۹) به این ترتیب، احکام و آداب اسلامی در سطح فردی، با ترغیب افراد به کار و تلاش و برقراری رابطه سالم با جامعه و رعایت حقوق دیگران و در سطح اجتماعی، با ترغیب مسئولان جامعه به رعایت حقوق مردم و ایفای نقش الگوی نمونه برای آنها و توصیه به رعایت عدالت و تلاش برای توزیع عادلانه امکانات جامعه میان گروه های اجتماعی، یعنی با ترغیب ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت، فرد و جامعه را به حرکت در جهت پیشبرد اهداف مادی (رشد و توسعه اقتصادی جامعه) و معنوی (تعالی و کمال جامعه در حرکت به سوی ارزش های الهی) جامعه تشویق می کنند.

احکام اسلامی بر عدالت، هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی تأکید دارند و پیوند میان مسئولیت فردی و اجتماعی برای تحقق عدالت، از همین گذرگاه میسر می شود. فرد طبق روایت «کُلُّکُمْ راعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ» درباره سلامت اجتماعی، مسئول است. در مقابل این مسئولیت، جامعه و گروه افراد هم نسبت به فرد، مسئولیت دارند و موظف به تأمین نیازهای وی هستند. (پگاه حوزه، ۱۳۸۵: ش ۱۸۰) این رابطه متقابل مسئولیت و تکلیف در اسلام، فرد و جامعه را به هم پیوند می دهد و انسجام اجتماعی را محقق می سازد. در دیدگاه اسلامی، عدالت، وسیله ای برای دادن فرصت و رسیدن به

کمال انسان هاست و از یک حس فردی آغاز می شود. این حس فردی به کوشش تبدیل می شود و در پیوند با کوشش جمعی در نهایت، عدالت را در جامعه انسانی رشد مضاعف می دهد. حرکت عدالت از درجه فردی تا درجه اجتماعی، مراحل مختلفی از همکاری، گذشت و قربانی شدن (ایثار) را به خاطر منافع جمعی به دنبال دارد. (همان)

از دیدگاه اسلامی، تلاش و کوشش فرد، ابتدا از درون ایده های معنوی و ایمانی وی ریشه می گیرد و سپس به جامعه پیوند می خورد و کمال و تعالی جامعه را در ابعاد مختلف دنبال می کند. پیوند میان دولت اسلامی نیز با توجه به فریضه ای که در هدایت و اداره امور جامعه و اقامه عدل و دادگری و اشاعه ارزش های اسلامی در میان مردم دارد، به شکل گیری و تقویت نظام اعتماد در جامعه اسلامی کمک می کند. تأکید بر روح برادری و تعاون در جامعه اسلامی از سوی دولت و تسهیل اسباب آن، انسجام اجتماعی را به همراه خواهد داشت. (نظرپور، ۱۳۸۸: خلاصه مقاله) بنابراین، دولت اسلامی به بسترسازی برای تولید، بازتولید و تثبیت مؤلفه های سرمایه اجتماعی می پردازد و به کمک آن، زمینه توسعه اقتصادی را فراهم می آورد. عدالت اجتماعی و اقتصادی در اسلام، در دل عبادات ریشه دارد و از اصول عقیده و ایمان مذهبی مسلمانان است.

۱۱. نتیجه گیری

۱۱. نتیجه گیری

تولید، بازتولید و به کارگیری سرمایه اجتماعی یکی از راهکارهای ایجاد انگیزه فعالیت و تلاش مضاعف در کشور است. اکنون نظریه پردازان و عمل گرایان اقتصادی و اجتماعی دریافته اند که وجود انواع سرمایه های اقتصادی (پول و اعتبار اقتصادی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) به تنهایی و بدون وجود انگیزه های فردی و جمعی و بدون وجود شبکه روابط انسانی که از آن به «سرمایه اجتماعی» تعبیر می شود، برای دست یابی به رشد و توسعه اقتصادی کافی نیست. شکل گیری هر نوع شبکه روابط انسانی

به وجودآورنده اعتماد بین فردی (و جمعی) در میان گروه های اجتماعی و میان افراد است که این اعتماد، انگیزه و اشتیاق لازم برای فعالیت اجتماعی را افزایش می دهد.

در پس هر فعالیت اجتماعی، انگیزه هایی نهفته است که فرد و جمع را به کوشش وامی دارد. منبع این انگیزه ها گاه در درون فرد و ناشی از ایمان و اعتقاد فردی و گاه ناشی از نوعی تعهد اخلاقی به جمع و تصمیمات جمعی است که خود نیز در آن شریک و سهیم است. مشارکت اجتماعی در سطح جامعه و برای تحقق اهداف کلان اجتماعی و ملی، نیازمند وجود سرمایه های اجتماعی قوی در سطوح بین گروهی و ملی است که منجر به شکل گیری سرمایه اعتماد اجتماعی و ملی برای پیشبرد اهداف جامعه است. بخشی از این سرمایه اجتماعی در سطح خرد اجتماعی یعنی در درون گروه های اجتماعی کوچک و بزرگ وجود دارد و آنها را حول اهداف گروهی گرد هم آورده است. برای به کارگیری این سرمایه های اجتماعی درون گروهی در جهت اهداف ملی باید به سمت ایجاد هم دلی و اعتماد اجتماعی ارتباط دهنده (اتصالی) میان گروه های اجتماعی با یکدیگر و با دولت بود تا مشارکت اجتماعی گسترده و سازنده شکل گیرد و همه آحاد و گروه های اجتماعی با همت و تلاشی مضاعف به تحقق اهداف توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی کمک رسانند.

در واقع، در سایه تقویت تعهد ملی و اجتماعی در سطح جامعه می توان به تقویت انگیزه های فردی و جمعی که منبع تلاش و کار (مضاعف) است، دست یافت. این مهم تحقق نمی یابد مگر در سایه تلاش مضاعف دولت برای

ایجاد هم دلی اجتماعی و تقویت اعتماد ملی میان تمامی آحاد و گروه های اجتماعی. البته نقش دولت بیش از آنکه دست کاری در سرمایه های اجتماعی از پیش موجود باشد، این است که به دنبال شناسایی ظرفیت های موجود سرمایه اجتماعی در سطوح درون گروهی و بین گروهی و سپس ایجاد همدلی و هماهنگی میان آنها باشد.

وظیفه دیگر دولت آن است که با توجه به وجوه منفی سرمایه اجتماعی انحصاری (درون گروهی) در سطح برخی گروه های اجتماعی که باعث جذب و نگه داری فرصت ها و امکانات در درون برخی گروه ها و طرد سایرین می شود، به توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در میان همه گروه های اجتماعی توجه داشته باشد و با جلوگیری از انحصارگرایی مانع تضعیف اعتماد اجتماعی و ملی گردد.

وجود ارزش ها و هنجارهای مشترک، و درونی کردن آنها توسط همه مردم به خصوص فعالان اجتماعی، پیش نیاز تعهد مدنی و مشارکت اجتماعی است. پس وظیفه دیگر دولت و نیز گروه های اجتماعی آن است که با تأکید بر ارزش های اسلامی کار و تلاش و مسئولیت پذیری، یا به عبارت دیگر، با تقویت ایمان مذهبی مردم، آنها را به سمت کار و تلاش مضاعف سوق دهند تا اهدافی که توسط مقام معظم رهبری برای سال ۱۳۸۹ ترسیم شده است (پیشرفت و رسیدن به عدالت از راه تقویت علم و ایمان)، تحقق یابند.

ص :۵۷

منابع

منابع

تـاج بخش، کیان، سـرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسـی و توسـعه، ترجمه: افشـین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشـر شـیرازه، ۱۳۸۴.

تونکیس، فران، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۷.

رفیع پور، فرامرز، اعتماد و آنومی: آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، ۱۳۷۳.

شجاعی باغینی، مهدی و همکاران، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۷.

بی نا، عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام، قم، پگاه حوزه، شماره ۱۸۰، ۱۳۸۵.

علاقه بنـد، مهـدی، «در آمـدی بر سـرمایه اجتمـاعی»، مجلـه علـوم اجتمـاعی فصـل نـو، مقـاله منتشـره در سـایت تابناک:.۱۳۸۴، www.fasleno.com.

فیلد، جان، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلام رضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۶.

کاویانی، مهرداد، «ترویج فرهنگ کار و تلاش در اسلام»، تهران، روزنامه کیهان، ۱۰ /۴/ ۱۳۸۸، ص ۶.

میرزایی مقـدم، داوود، «انقلاب اسـلامی و سـرمایه اجتمـاعی»، مقـاله منتشـره در: -www. Basgah.net/ pages ۱۳۸۶، ۱۵۱۳۳.html.

نظرپور، محمدتقی، «جایگاه دولت اسـلامی در نظریه سـرمایه اجتماعی از منظر اسلامی و نقش آن در توسعه»، مقاله ارایه شده در همایش اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۸.

Campbell,c. (۲۰۰۰).social capital and health ,social capital : critical perspectives.oxford university press ,pp ۹۶-۱۸۲.

فرهنگ کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

فرهنگ کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

حمید قلندری بردسیری

بشر برای ادامه حیات و استواری زندگانی خود، باید اهل کار و تلاش باشد. از نخستین روز آفرینش و هبوط حضرت آدم علیه السلام به زمین، تلاش او برای زیستن آغاز شد. اهمیت کار در زندگی بشر روشن است و راز خوشبختی و کامیابی انسان در تلاش و همت نهفته است.

خداوند بزرگ در قرآن کریم به این نکته مهم اشاره های فراوانی دارد، از جمله: «لَیْسَ لِلْاءِنْسانِ إِلاّـ ما سَعی؛ برای انسان چیزی جز تلاش او نیست». (نجم: ۳۹)

در این مختصر رهنمودهای فرهنگ کارآفرینی را در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بررسی می کنیم.

۱. مفهوم شناسی کار و تلاش

۱. مفهوم شناسی کار و تلاش

به طور کلی کار هر نوع حرکتی عمدی را شامل می شود، ولی منظور ما در این گفتار فعالیت هایی است که انسان برای رفع نیازهای مادی و دنیوی به آن می پردازد.

در بررسی موضوع کار و تولید، به واژه های متعددی در قرآن و روایات برمی خوریم که به صورت کوتاه و فشرده به آنها اشاره می کنیم.

ص :۵۹

الف) «حِرْفَه»، «حِرْفَ»، «الْمُحتَرِف»

«حِرْفَه»: به معنای صنعت کسب و پیشه است.

«احتراف»: به معنای انتخاب حرفه است.

«محترف»: به صاحب حرفه و صنعت گفته می شود.

ب) کَدْح

بر اساس نظر راغب، «کَدْح» به معنای تلاش و رنج و سختی است که اسم فاعل آن، کادِح به معنای تلاش کننده است.(۱)

ج) کَسب

کسب به معنای فراهم آوردن چیزی است که در آن منفعت یا بهره ای باشد، مانند کسب مال. فرق کسب و اکتساب، این است که «کسب» در مورد به دست آوردن چیزی برای خود و دیگری، و «اکتساب» تنها در مورد منفعت شخصی به کار می رود.(۲)

د) سعی

بر اساس بیان راغب، واژه «سعی» به معنای تند راه رفتن است که برای تلاش در کار اعم از خیر یا شر به کار می رود.(۳)

پروردگار در آیه ۳۹ سوره نجم چنین می فرماید: «لَیْسَ لِلْاِءِنْسانِ إِلاّ ما سَعی».

ه_) صُنع

«صُنع» به معنای خوب کار کردن است. پس درباره حیوانات و جامدات به کار نمی رود، بلکه کاربرد آن تنها درباره خدا و انسان است.(۴)

۲. اهمیت کار و تلاش در دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۲. اهمیت کار و تلاش در دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

الف) ارزشمندی کار و کارگر

ب) شایسته سالاری

ج) کار یک وظیفه اجتماعی

الف) ارزشمندی کار و کارگر

الف) ارزشمندی کار و کارگر

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله برای کار ارزش بسیاری قائل بود و به مردم تلاشگر عنایت ویژه ای داشت چنان که می فرماید:

ص: ۶۰

۱- راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، حرف ك، چاپ افست قدیم.

۲- مفردات، حرف ص.

۳- نجم: ۳۹.

۴- همان.

روز قیامت سایه عرش الهی بر سر آن مردی قرار می گیرد که برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده اش از خانه خارج شود و با تکیه بر عنایت و فضل الهی در زمین به جست وجوی کار بپردازد و تلاش کند.(۱)

انسان همواره باید در اندیشه کار و تلاش باشد تا افزون بر تأمین نیازمندی هایش، دیگران را نیز از دست رنج خود بهره مند سازد.

بر اساس گفته رسول گرامی اسلام، کسی که از حاصل تلاش و دست رنج خود مخارج زندگی و خانواده اش را تأمین کند، با پیامبران الهی محشور خواهد شد. این همه پاداش که خداوند بزرگ برای ارزش کار و کارگری در نظر گرفته شایسته تفکر و تأمل است. پیامبر اسلام می فرماید:

هرکس از همت و دست رنج خویش، مخارج زندگی را تأمین کند، روز قیامت در صف پیامبران قرار می گیرد و از عنایاتی که شامل پیامبران می شود، بهره مند می گردد.(۲)

آن حضرت با آن مقام و مرتبه والاے در نهایت فروتنی دست کارگر را می بوسید و فرهنگ قدردانی از کارگران و زحمت کشان را به همگان می آموخت. انس بن مالک نقل می کند:

پس از آنکه رسول گرامی اسلام از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و با رسول خدا صلی الله علیه و آله دست داد. پیامبر به او فرمود: «چه آسیبی به دستت رسیده است که چنین زبر و خشن شده است؟» سعد گفت: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، با طناب و بیل کار می کنم و برای گذران زندگی خود و خانواده ام درآمدی به دست می آورم. به همین جهت، دستم خشن و زبر شده است. آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست سعد را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش دوزخ با آن تماس نمی یابد.(۳)

ص: ۶۱

۱- ابن حنیفه النعمال، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵.

۲- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳- همان، ج ۲، صص ۲۶۹ و ۴۰۵.

همه بایـد از این برخورد کریمـانه حضـرت درس بگیریم، به ویژه کارفرمایـان بایـد شـیوه درست و انسانی برخورد با کارگران زیردست خود را بیاموزند و در نهایت مهربانی و ادب با آنها برخورد کنند.

ب) شایسته سالاری

ب) شایسته سالاری

در سـیره نبوی، شایسته سالاری در گزینش مناسب افراد برای گرفتن مسئولیت ها امری مهم است. از منظر پیامبر گرامی اسلام، تنها بزرگی و برتری شـخص، معیار نیست، بلکه آن حضرت در کنار ایمان و تقوا و تعهد، مهارت و تخصص را نیز در نظر می گرفت و همواره در گزینش مسـئولیت ها، افراد شایسـته و کاردان را برمی گزید. برای نمونه، هنگام گزینش عتاب بن اسـیر به فرمانداری مکه، به او گفت:

لَوْ اَعْلَمُ لَهُمْ خَیْرا مِنْکَ اسْتَعْمَلْتُه عَلَیْهِمْ.(۱)

اگر برای اداره مکه، بهتر از تو کسی را می شناختم، او را بر می گزیدم.

این فرمایش گهربار، از یک سو، از دقت ایشان در گزینش فرد شایسـته حکایت دارد و از سوی دیگر، توجه خاص پیامبر خـدا به جوانان را نشان می دهد. این الگوی مناسبی است برای کارآفرینان تا با تکیه بر این اصل، جوانان شایسته، خلاق و پرتحرک را جای گزین افراد کم توان یا مسن کنند و جوانان را از مشکل بی کاری نجات دهند.

ج) کار یک وظیفه اجتماعی

ج) کار یک وظیفه اجتماعی

کـار کردن از وظایف اصـلی فردی و اجتماعی است و هیـچ کس نبایـد از زیر بار آن شانه خالی کنـد؛ زیرا همه افراد جامعه از دست رنـج یکـدیگر بهره می برنـد. همـان گونه که ما از حاصل تلاش دیگران سود می جوییم، بایـد در برابر دیگران احساس مسئولیت داشته باشیم و گوشه ای از بار اجتماع را

۱- عزالدین ابی الحسن، اُسْدُالغابه، ج ۳، ص ۳۵۸.

برداریم و در حد توان و استعدادمان، جامعه را در تأمین نیازمندی هایش یاری کنیم؛ هم در حوزه علم و هم در عمل.

این نکته از نظر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بسیار مهم است تا آنجا که درباره افراد بی کار می فرماید:

سنگینی او روی دوش دیگران است، بدون اینکه کوچک ترین سنگینی از دیگران را به دوش گرفته باشد که چنین کسی از رحمت خدا دور است.(۱)

پیروان راستین آن حضرت باید تلاشگر و کوشا باشند و برای پیشرفت جامعه اسلامی گام بردارند.

۳. آثار و نتایج کار و تلاش در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۳. آثار و نتایج کار و تلاش در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

الف) کار از عوامل مهم مالکیت انسان

یکی از آثار مهم کار و تلاش، مالکیت انسان بر کار خویش است. به تعبیر دیگر کار و تلاش، مالکیت انسان بر تولید و محصول خویش را فراهم می آورد.

حضرت خاتم الانبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید:

هر کس نهالی را بنشاند یا نهری را حفر کند یا زمین مرده ای را احیا کند، اگر دیگری در آبادی بر او سبقت نگرفته باشد، پس به حکم خدا و رسولش برای اوست.(۲)

با نگاهی به فرمایش حضرت، به نکته های ارزشمندی پی می بریم:

نکته اول _ ایجاد مالکیت برای انجام دهنده کار.

نکته دوم _ تشویق غیرمستقیم به کار و تلاش که با ایجاد مالکیت موجب کارآفرینی می شود. در اینجا به حکایت پدر پیری اشاره می کنیم که هنگام مرگ، پسران خود را که هیچ یک اهل تلاش نبودند، جمع کرد و به آنها گفت که در فلان نقطه از زمین گنجی پنهان است. آنها پس از مرگ پدر به طمع

۱- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۱۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷.

گنج، زمین را شخم می زنند و چون گنجی نمی یابند، روی زمین بذر می پاشند و در نهایت، پس از برداشت محصول، متوجه منظور پدر می شوند.(۱)

نکته سوم ــ رعایت مالکیت موجب کارآفرینی خواهد شد، ولی باید به حقوق دیگران هم توجه کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید: «اگر کسی قبل از شما، در عمران و آبادی زمین سبقت نگرفته باشد، آن گاه به حکم خدا و رسولش آن زمین برای شماست».

ب) سعادت اُخروی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نگرش ویژه ای نسبت به مقوله کار داشت. ایشان بر این باور بود که بهترین پاداش ها نصیب زحمت کشان می شود. پس دراین باره می فرمود: «هر کس از دست رنج حلال خویش بخورد، درهای بهشت برایش گشوده می شود که از هر دری می خواهد وارد شود».(۲)

ج) دور ماندن از لعن خداوند

درباره بی کاران و تن پروران می فرمود: «بر آن کس که سنگینی معاش خود را بر دوش دیگران می اندازد و خودش از کار شانه خالی می کند، لعن شده است».(۳)

د) بی نیازی، عزت اجتماعی و دوری از گناه

بسیاری از گناهان بر اثر بی کاری و نداشتن تمرکز ذهنی انسان روی می دهد. از نتایج بسیار سودمند و معنوی کار این است که سبب تمرکز و کنترل قوه خیال می شود و انسان را از خطاها و لغزش ها در امان می دارد.

همچنین، کار زمینه بی نیازی مادی فرد را فراهم می کند. روشن است کسی که به دنبال کار و کسب باشد و از این راه معیشت خود و خانواده اش را تأمین کند، بی نیاز از دیگران می شود و هیچ گاه دست نیاز به سوی آنان دراز نمی کند.

۱- نک: همان.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۵.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۷۲.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کار را بهترین کمک در مسیر تقوا می دانـد؛ زیرا در پی تأمین معاش و نیازهای مادی، از فقر که سبب زدودن معنویت و کم رنگ شدن مسائل دینی می شود، دور می مانیم. بسیاری از گناهان اعم از فردی و اجتماعی بر اثر فقر پدید می آید. بی گمان، انسان هنگام فقر ممکن است دست به هر کاری ناشایستی بزند که نتیجه آن، دوری از معنویت است، کار، انسان را از فقر و فلاکت و بدبختی نجات می دهد و دین او را حفظ می کند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلی تَقْوَی اللّهِ الْغِنی؛ بی نیازی، چه کمک خوبی برای پرهیزگاری است».(۱)

ه_) لذت و نشاط زندگی

کار کردن یعنی همراهی با تمام جهان هستی، چه اینکه در این عالم تمامی پدیده ها و تمامی ذرات هر یک سرگرم حرکت و کاری هستند. ازاین رو، کار کردن و همراهی با این نظام آفرینش، موجب سرزندگی و نشاط آدمی است.

۴. لوازم و آداب کار در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۴. لوازم و آداب کار در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

الف) دانش و آگاهی درباره کار

ب) محکم کاری و رعایت وجدان کاری

ج) سحرخیزی و آغاز کردن روز با نام و یاد رازق متعال

الف) دانش و آگاهی درباره کار

الف) دانش و آگاهی درباره کار

دانایی و آگاهی درباره کار از اصول اولیه و مهم در عرصه کار و تلاش است.

کسانی که آگاهانه و ماهرانه، کاری را انجام می دهند، نتیجه خوبی می گیرند و همواره انسان هایی موفق هستند. با بررسی سیره نبوی، توجه خاص آن حضرت را به این نکته مهم درمی یابیم. ایشان با صراحت به ابن مسعود می فرماید:

ای ابن مسعود! هنگامی که برای انجام کاری خود را آماده می کنی، آن را با دانش و اندیشه انجام بده و بپرهیز از اینکه کاری را بدون دقت و آگاهی انجام دهی.(۲)

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰.

۲- علامه محمدحسین طباطبایی، سنن النبی صلی الله علیه و آله ، کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷.

در نقطه مقابل آن هم می فرمود: «کسی که بدون آگاهی و دانش لازم کاری را انجام دهد، فسادش از صلاحش بیشتر خواهد بود».(۱)

ب) محکم کاری و رعایت وجدان کاری

ب) محکم کاری و رعایت وجدان کاری

توجه به چگونگی انجام کار، از دید اسلام و قرآن، اهمیت ویژه ای دارد.

در سیره نبوی به محکم کاری توجه و تأکید بسیار شده است و همه کارها باید در نهایت دقت انجام شود. ایشان در این زمینه فرمود:

اِذا عَمِلَ اَحَدُکُمْ عَمَلاً فَلْیُتْقِنْ.(۲)

هر کاری می کنید، آن را محکم انجام دهید و در اتقان و استحکام آن بکوشید.

برای آشنایی مخاطبان با میزان اهمیت این موضوع در نگاه رسول رحمت، به این ماجرا اشاره می کنیم. هنگامی که پیامبر، پسرش، ابراهیم را به خاک می سپرد، با دست مبارک خود، ناهمواری های قبر را اصلاح و قبر فرزندش را در نهایت دقت بنا کرد. سپس فرمود: «هر کاری که می کنید، آن را محکم انجام دهید».(۳)

شاید تصور شود چون زندگی ما در دنیا کوتاه و گذراست، لزومی ندارد که این قدر در ساختن خانه و کاشانه و دیگر کارها جدی باشیم. این در حالی است که چنین نگرش هایی در بینش اسلامی جایگاهی ندارد. در دین اسلام، دنیا و آخرت، به هم گره خورده اند. توجه به دنیا نباید انسان را از آخرت دور کند و مسائل اخروی نباید آدمی را از آینده نگری باز دارد. در روایتی چنین آمده است:

۱- همان.

۲- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۷؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۲۸.

۳- همان.

برای دنیـای خود آن گونه کـار کن که گویـا تا ابـد زنـده خواهی مانـد و برای آخرت آن گونه کار کن که گویا فردا خواهی مُرد.(۱)

دقت در انجـام کارهـا و محکم کـاری در امور، همراه بـا توکل به پروردگار بی همتا، آدمی را به موفقیت می رسانـد و بـدون دقت و توکل نمی توان کاری از پیش برد و به نتیجه ای مطلوب دست یافت. انس بن مالک می گوید:

مردی محضـر پیامبر گرامی اسـلام مشرّف شد و از ایشان پرسید: یا رسول الله! پای شتر خود را با ریسمان ببندم و توکل بر خدا کنم یا اینکه به بیابان رهایش سازم و آن گاه بر خدا توکل کنم؟ پیامبر خدا فرمود: پای شتر را ببند و توکل کن.(۲)

پیامبر بزرگ اسلام همواره به خردورزی و دقت و استحکام در انجام کار توجه داشت، هر چند توکل به خدا و یاری جستن از او بسیار راه گشاست.

همچنین وجدان بیدار و آگاه سبب از بین رفتن کم کاری می شود. بیشتر آسیب های اجتماعی، بر اثر کم کاری و نبود وجدان کاری پدید می آیند. نداشـتن وجدان کاری، افزون بر شبهه در روزی و پایمال شدن حقوق افراد، به چرخه کار اجتماع آسیب می رساند و آن را از حرکت می اندازد. ما اهمیت این موضوع را در روایت زیر درمی یابیم:

روزی امام علی علیه السـلام از کنار حجره خیاطی می گـذشت که نسـبت به کارش سـستی و کوتاهی می کرد. ایشان با چهره ای ناخرسند به خیاط فرمود:

ای خیـاط! مـادرت به عزایت بنشـیند، نـخ ها را سـفت و محکم کن و درزها را کوچک بگیر. کوک ها را نزدیک به هم بزن؛ زیرا من از پیامبر خدا شنیدم

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹ و ج ۶، ص ۲.

۲- عیسـی بن محمد بن عیسـی بن سـعد، سنن الترمذی، ج ۹، ص ۳۲؛ محمـد محمدی ری شـهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۸۵.

که فرمود: خداوند در روز واپسین، خیاط خیانت پیشه را در حالی محشور می کند که لباسی که خودش آن را دوخته و در آن خیانت روا داشته، بر تن کرده است. اضافه های پارچه را برندارید؛ زیرا حقِ صاحب لباس است و دست به آن آلوده می شود که سبب مجازات الهی خواهد شد.(۱)

ج) سحرخیزی و آغاز کردن روز با نام و یاد رازق متعال

ج) سحرخیزی و آغاز کردن روز با نام و یاد رازق متعال

سحرخیزی به منظور جست وجوی کار و تلاش برای روزی خانواده، از اموری است که امامان معصوم علیهم السلام به ویژه نبی مکرم اسلام توجه ویژه ای به آن دارند. پیامبر دراین باره می فرماید: «صبحگاهان در جست وجوی روزی و تأمین نیازمندی های زندگی به پاخیزید؛ زیرا برکت و موفقیت در صبحگاه نهفته است».(۲)

همچنین فرزند برومند ایشان، حضرت امام محمدباقر علیه السلام ، شکافنده علوم دراین باره می فرماید:

کانَ رَسولُ اللّه، یَخْرُجُ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ.(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از طلوع آفتاب از منزل خارج می شد.

افزون بر آن، آغاز کردن روز با یاد و نام خدا، برای به دست آوردن روزی حلال بسیار اثرگذار است. در روایات چنین آمده است: «هر کاری که بدون نام خدا و بِسم اللّه الرحمن الرحیم آغاز شود، آن کار نافرجام می ماند و برکتی در چنین کاری نیست».(۴)

طبعاً اگر فرد هنگام بیرون آمدن از خانه، نام خدا را بر زبان آورد و آیاتی از سوره های کوچک قرآن، از جمله سوره مبارکه توحید و معوذتین را بخواند، توکل او بیشتر می شود و از غیرخدا قطع امید می کند و در نتیجه با عشق و امید و نشاط بیشتری برای به دست آوردن روزی می کوشد.

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹.

۲- متقی هندی، کنزالعمال، ج ۴، ص ۴۸.

۳- المیزان، ج ۶، ص ۳۰۵.

۴- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۰.

۵. کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۵. کارآفرینی در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

الف) جست وجوی کار

ب) اصرار نداشتن بر کار در محل زندگی

ج) بلندهمتی

الف) جست وجوی کار

الف) جست وجوی کار

گرچه مسئولان و کارآفرینان باید زمینه را برای کاریابی فراهم کنند اما حرکت برای جستن کاری ارزشمند، برای عموم نوعی عبادت است. معصومان علیهم السلام به ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به این نکته مهم تأکید کرده اند که کاریابی و جست وجوی کار، برترین بخش عبادت است.

اَلْعِبادَهُ سَبْعُونَ جُزْءاً أَفْضَلُها طَلَبُ الْحَلالِ.(۱)

عبادت هفتاد بخش دارد که برترین بخش آن، جست وجوی روزی حلال است.

با توجه به این سخن گهربار رسول خدا صلی الله علیه و آله به اهمیت کار مناسب برای به دست آوردن روزی حلال پی می بریم. در روایت دیگری چنین آمده است: «دنبال کسب و کار رفتن، پس از فریضه واجب از واجبات است».(۲)

مکتب اسلام برای کار و تلاش اهمیت ویژه ای قائل است. ازاین رو، جوانان باید همواره به این نکته ها توجه داشته باشند:

یک ـ جست وجوی کار؛

دو ـ تلاش برای کسب روزی حلال و پرهیز از بی کاری؛

سه ـ داشتن پشتکار و پرهیز از بی حوصلگی و کوتاهی؛

چهار ـ بهره گیری از وقت و عمر گران بها و پرهیز از کارهای بی ارزش.

ب) اصرار نداشتن بر کار در محل زندگی

ب) اصرار نداشتن بر کار در محل زندگی

برخی افراد با اینکه توانا و مستعدند، مقیدند در همان شـهری که زندگی می کنند، کاری بیابند و حاضر نیستند سختی بکشند و برای یافتن کار به شهری دیگر بروند.

ص :۶۹

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۳.

به همین دلیل، عمر گران بهای آنها هدر می رود و نمی توانند در زندگی پیشرفت کنند و از تخصص و توانایی خود بهره ببرند. پس از چندی نیز به اجبار، به کاری مشغول می شوند که در آن هیچ مهارتی ندارند. همواره باید در نظر داشته باشیم که انسان برای کار باید به هر شهر و دیاری که به صلاح او و جامعه است، هجرت کند و از دوره ارزشمند جوانی سود بجوید. پیامبر بزرگوار اسلام در این زمینه می فرماید:

أَلْبِلادُ بلاد اللّهِ وَ الْعِبادُ عِبادُ اللّه فَحَیْثُما اَصَبْتَ خَیْرَاً فَاَقِمْ.(1)

شهرها، شهرهای خدا و مردم، بندگان خدا هستند. پس در هر کجا خیری می بینی، همان جا رحل اقامت افکن.

ج) بلندهمتی

ج) بلندهمتی

بلندهمتی و داشتن اهداف بزرگ و عالی همواره مورد تأکید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولیای الهی بوده است و ایشان مردم را از تنبلی، کسالت، و اهداف پایین و بی ارزش پرهیز می داد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «اِنَّ الله تعالی یحِبُ مَعالی الامور و اَشرافَها و یکْرَهُ سَفسافها؛ خداوند متعال کارهای والا و شریف را دوست دارد و کارهای پست و حقیر را خوش ندارد».(2)

۶. کار و تلاش در امامان

اشاره

۶. کار و تلاش در امامان

بنا بر احادیث و رهنمودهای دیگر معصومین علیهم السلام نیز روشن خواهد شد که در انجام کارها بایستی همت های بلند داشت، از سختی ها نهراسید و از سستی و اکتفا به اهداف کوچک و حداقل پرهیز کرد. هر قدر تلاش و همت انسان بالاتر باشد ارزش آن انسان بیشتر و نتایج کارش درخشان تر خواهد بود. طبیعی است که در موارد بسیاری کمبود کار و یا بی کاری نتیجه دون همتی و رهاساختن کارها به دلیل موانع و سختی های آن است.

۱- نهج الفصاحه، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۵۵۷، ح ۵۵۷۲.

۲- کنزل العمال.

الف) خودداری از کارهای حرام

الف) خودداری از کارهای حرام

دین اسلام در همه زمینه ها، پیروان خود را به بهترین مسیر هدایت می کند و از هر گونه کار ناپسند باز می دارد. اسلام، روزی حلال و پاکیزه را امر مهمی می شمارد و به مسلمانان درباره روزی حرام و شبهه ناک هشدار می دهد. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این اصل مهم چنین اشاره شده است: «از آنچه بیش از هر چیز برای امت خود احساس نگرانی و دلهره می کنم، شغل های حرام و انحراف عیاشانه پنهانی و رباخواری است».(۱)

نکته دیگر، اشاره آن حضرت به پرهیز از رباخواری است که متأسفانه برخی مردم با بی دقتی، گرفتار آن شده اند. ازاین رو، مسؤلان باید با بسترسازی های مناسب، کارهایی در شأن شهروندان جامعه اسلامی و جوانان برومند فراهم آورند و با مبارزه همه جانبه، جدی و پیگیر، ربا و رباخواری را ریشه کن کنند.

در این میان، باید بانک ها نخستین گام را در این جهت بردارند و برنامه مناسبی برای سودهای بانکی در نظر بگیرند. به دلیل تحقق نیافتن این امر، برای بسیاری از مردم و حتی برخی مراجع شبهه شرعی نبودن این سودها وجود دارد. در مضاربه ای که در فقه اسلامی مطرح شده، طرفین معامله در سود و زیان با هم شریک هستند. این در حالی است که بانک ها تنها در سود شریکند و هرگز در زیان شراکت ندارند و اگر فرد متضرر شد یا از وام بانکی سودی نبرد، بانک هیچ مسئولیتی را نمی پذیرد و سودش را به هر قیمتی که شده است، می گیرد و این مسئله با مضاربه فقهی سازگار نیست.

ب) پرداخت حق کارگر

ب) پرداخت حق کارگر

تأکید دین مبین اسلام بر پرداخت حق و حقوق دیگران بسیار اهمیت دارد. پیامبر در آخرین خطبه خود در شهر مدینه فرمود:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۲.

کسی که به کارگری ستم روا دارد و مزدی که شایسته کارگر و کار کارگر نباشد، به او پرداخت کند، خداوند متعال عمل او (صاحب کار) را تباه می کند و بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال به مشام می رسد، بر او حرام می کند.(۱)

همچنین، پرداخت به موقع حقوق کارگران در روحیه کاری آنان بسیار مؤثر و مهم است، چنان که امام رضا علیه السلام می فرماید: «تا عرق کارگر خشک نشده است، مزد او را بپردازید».(۲)

رسانه ملی با تبدیل این گفتارهای رسول رحمت و الگوی خلقت به فیلم های کوتاه، نمایش نامه، برنامه های مستند و نشست ها و گفت وگوهای علمی، می تواند گام های بسیار بلند و اثرگذاری در احیای سنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، بردارد.

با نهایت تأسف، در اداره های کار و دادگاه های مربوط به پرونده های کارگری، کارگران فراوانی را می بینیم که به دلیل پایمال شدن حق و حقوقشان شاکی اند.

ج) خیانت در کار

ج) خیانت در کار

کارگر، همواره باید کاری را که به او سپرده شده است، با نهایت صداقت و حفظ امانت انجام دهد. کارفرما نیز باید در پرداخت حقوق کارگر، دقت داشته باشد و حقوق کارگر را با توجه به میزان کار و زحمت او مشخص و پرداخت کند. کارگر باید پس از اینکه میزان مزد او مشخص و معیّن شد، ضمن نگهداری همه مصالح و وسایل کارفرما، در جهت هدف های مشخص شده کارفرما، کار کند.

۱- احمد بن علی شیخ صدوق، عقاب الاعمال، ص ۳۳۱.

۲- حمید قلندری بردسیری، هشتمین امام علیه السلام .

۷. پیوند کار و معنویت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۷. پیوند کار و معنویت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

از آنجا که در دین اسلام و سیره نبوی کار بخشی از نظام بندگی است پیوندی ناگسستنی بین کار و مسائل معنوی برقرار است و گذشته از اینکه کـار آثـار معنوی چشم گیری را به همراه دارد بـایستی در یافتن کار و نتیجه بخش بودن آن خداونـد را یاد کرده و از او استمداد طلبید و تنها او را در این زمینه مؤثر دانست. برای نمونه به برخی احادیث و ادعیه اشاره می کنیم.

الف) دعای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فشارهای مالی و اقتصادی

الف) دعای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فشارهای مالی و اقتصادی

نـبی مکرم اسـلام همواره به این امر توجه داشت که اگر کسـی گرفتـار فقر مـالی و اقتصـادی باشـد، فقر به باورهـای دینی وی آسیب می رساند.

پیامبر اسلام به ما می آموزد که در شرایط ناگوار دست به دعا برداریم. ایشان همواره هنگام بحران ها این دعا را می خواند:

أَللّهُمَّ بارِکْ لَنا فِی الْخُبْزِ وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُ فَلَوْلاَ الْخُبْزِ ما صَلَّیْنا وَ لا صُمْنا وَ لا أَدَّیْنا فَرائِضَ رَبَّنا.(۱)

خداونـدا به اقتصـاد ما برکت عنایت کن و ما را در فقر اقتصادی گرفتار مکن؛ زیرا اگر نان تأمین نشود، مردم نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به فرایض الهی بی اعتنا می شوند.

ب) احادیث سفارش شده برای افزایش روزی

ب) احادیث سفارش شده برای افزایش روزی

در این قسمت، چهارده حدیث از پیامبر درباره روزی نقل می کنیم.

حدیث اول ــ روزی در طلب بنده

اِنَّ الرِّزْقَ لَیُطالِبُ الْعَبْدَ أَکْثَرَ مِمّا یَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.(۲)

روزی همواره بنده را می جوید، بیشتر از آنکه اجل او را می جوید.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰، ح ۶.

٢- نهج الفصاحه، ص ٣٠٥، ح ٢٩٦٥.

حدیث دوم ـ کم شدن روزی با خواب صبحگاهی

اِنَّ الصُّبْحَهَ تَمْنَعُ بَعْضَ الرِّزقِ.(۱)

خواب صبحگاهی مانع قسمتی از روزی می شود.

حدیث سوم ـ کفایت روزی به دست خداوند متعال

اِنَّ اللّهَ تعالی اِذا أَحَبَّ عَبْدَاً جَعَلَ رِزْقَهُ کَفافاً.(۲)

خداوند بزرگ، بنده ای را که دوست داشته باشد، روزی اش را به قدر کفایت دنیا به او می دهد.

حدیث چهارم ـ سحرخیزی مایه برکت و توفیق

باکِرُوا فِی طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الْحَوائِجِ فَاِنَّ الْغُدُوَّ بَرَکَهٌ وَ نَجاحٌ.(۳)

طلب روزی را از صبح آغاز کنید و در پی نیازهایتان بروید که سحرخیزی مایه برکت و توفیق است.

حدیث پنجم ـ دو عامل مهم برکت و کم شدن روزی

أَلدُّعا یَرُدُّ الْقَضاءَ و اِنَّ الْبِّر یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ اِنَّ الْعَبْدَ لَیُحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ یُصِیبُهُ.(۴)

دعا، قضا را رد می کند و نیکوکاری، روزی را برکت می دهد. گاه بنده گناه می کند و از روزی اش محروم می شود.

حدیث ششم ـ روزی مقدّر

لا تُکْثِرْ هَمَّکَ ما قُدِّرَ یَکُنْ وَ ما تُرْزَقُ یَأْتِکَ.(۵)

غم بسیار مخور که آنچه مقدّر است، می رسد و آنچه روزی ات است، به سوی تو می آید.

۱- همان، ص ۳۰۷، ح ۲۹۸۷.

۲-

۳-

۴- همان، ص ۳۰۶، ح ۲۹۷۷.

۵- همان، ص ۳۰۵، ح ۲۹۶۲.

حدیث هفتم ــ پرهیز از کار حرام در طلب روزی

لاـ تَسْتَبْطِؤُا الرِّزقَ فَاِنَّهُ لَمْ یَکُنْ عَبْدٌ لِیَمُوتَ حَتّی یَبْلُغَهُ آخِرُ رِزْقٍ هُوَ لَهُ فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَجْمِلُوا فِی الطَّلَبِ: اَخْذِ الْحَلالِ وَ تَرْكِ الْحَرامِ.(۱)

در طلب روزی سستی نکنید. هیچ بنده ای از دنیا نمی رود، مگر آنکه آخرین سهمش به او برسد. تقوای الهی داشته باشید و دنبال روزی پاکیزه باشید و روزی پاکیزه؛ یعنی گرفتن حلال و رها کردن حرام.

حدیث هشتم ــ رسیدن روزی از ناحیه رازق کریم

أَبَی اللّهَ اَنْ یَرْزُقَ عَبْدَه المؤمِنَ اِلّا مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ.(۲)

خداوند مهربان روزی بنده مؤمن خویش را از جایی می رساند که او انتظار ندارد.

حدیث نهم ــ راضی شدن به روزی اندك

اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّهِ عِبادَةٌ وَ مَنْ رَضِی بِالْقَلِیلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِی اللّهَ تَعالی مِنْهُ بالْقَلِیلِ مِنَ الْعَمَلِ.(۳)

انتظار گشایش از خدا عبادت است و هر کس به روزی اندك قناعت ورزد، خداوند به عبادت اندك او راضی می شود.

حدیث دهم ــ سخاوتمندی باعث جلب روزی

أَلرِّزْقُ إِلی بَیْتٍ فِیهِ سَخاءٌ اَسْرَعُ مِنَ الشَّفْرَهِ إِلی سَنامِ الْبَعِیر.(۴)

روزی به خانه ای که سخاوت در آن است، سریع تر می رسد از کارد به کوهان شتر.

حدیث یازدهم ــ افزایش روزی با ازدواج

اِلْتَمِسُوا الرِّزْقَ بالنِّکَاحِ.(۵)

روزی را با ازدواج جست وجو کنید.

۱- همان، ص ۲۰۷، ح ۲۹۹۲.
۲- همان، ص ۳۰۶، ح ۲۹۸۲.
۳- همان، ص ۳۰۷، ح ۲۹۸۳.
۴- همان، ص ۳۰۶، ح ۲۹۷۴.

۵- همان، ح ۲۹۷۱.

حدیث دوازدهم ـ جستن روزی در دل زمین

أُطْلُبُوا الرِّزْقَ فِی خَبایَا الْأَرْضِ.(۱)٠

روزی را در نهان گاه های زمین جست وجو کنید.

حدیث سیزدهم ـ برکت روزی در هم نشینی با تنگ دستان

أَبْغُونِی الضُّعَفاءَ فَإِنَّما تُرْزَقُونَ و تُنْصَرُونَ بِضُعَفائِکُمْ.(۲)٠

تنگ دستان را نزد من آورید. زیرا شما به برکت آنان روزی می خورید و یاری می شوید.

۱۲. همان، ح ۲۹۶۷.

۱۳. همان، ح ۲۹۶۶.

۸. برداشت کلی

۸. برداشت کلی

مروری بر گفتار یاد شده چند نکته مهم را برای بهره برداری در جامعه خصوصاً برای مبنا قرار دادن تلاش های رسانه ای خاطر نشان می سازد.

۱. کار در فرهنگ اسلامی نه تنها جدا از مسئله دین داری نیست بلکه بخشی بسیار ارزشمند از متن دین داری و وظایف الهی است و به علاوه بر آثار و بهره مندی های این جهان، مستوجب پاداش های بسیار بزرگ اخروی است.

۲. کار همچون سایر شئون زندگی و عبادات دینی، دارای اصول، بنیادها و ضوابط خاص خود است و رعایت اصولی مانند ذکر نام و یاد خداوند در انجام کار، امانت داری، محکم کاری، وجدان کاری، آگاهی و تخصص و... به عنوان جان مایه سلامت کار و توفیق در آن ضروری است.

۳. کار در فرهنگ اسلامی و سیره رسول اعظم صلی الله علیه و آله از لوازم ضروری رشد و کمال انسان است و حامل آثار و نتایج ارزشمندی در برخورداری های فردی و اجتماعی و نیز آرامش روحی و روانی فرد و جامعه و کسب سجایای پسندیده اخلاقی و روحی است.

۱-

-٢

۴. رسانه ملی از ابعاد گوناگون و با استفاده از رویکردهای متنوع مانند تبلیغ و تشویق، آموزش و روش های ترویجی می تواند در گسترش فرهنگ کار و تلاش، سخت کوشی در زندگی برای اهداف عالیه و راه های دست یابی به موفقیت اثرهای تعیین کننده برجا گذارد.

طرح کار و تلاش و همت های والا به عنوان ارزشی قابل احترام در جامعه از طریق روش هایی مانند الگودهی ها، تبلیغ های مستقیم و غیرمستقیم، افزایش آگاهی و اطلاع رسانی، و نیز آموزش های مربوط به نحوه به کارگیری استعدادها و ظرفیت ها توسط مدیران و... از جمله مهم ترین محورهایی است که توجه به آنها در رسانه ضروری است.

منابع

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۲. ابن حنیفه، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد، دعائم السلام (ذکر الحلال والحرام)، دارالمعارف، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۳. ابی القاسم، حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ هـ. ق.

۴. انصاریان، علی، الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، انتشارات مفید، ۱۳۵۷.

۵. ترمذی، عیسی محمد بن عیسی بن سعده، سنن ترمذی، بیروت (لبنان)، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق.

۶. تفسیر نور الثقلین، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۸. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۹. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت.

۱۰. شهید ثانی، حسن بن زین الدین، معالم الاصول، نشر انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

۱۱. شیخ صدوق، احمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، طوبی، چاپ اول.

۱۲. ____________________، من لا یحضر الفقیه.

۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱.

۱۴. ____________________، سنن النبی.

۱۵. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم الفهرس لالفاظ القرآن کریم، انتشارات جهان، ۱۳۶۴.

۱۶. عزالدین، ابی الحسن علی بن محمد بن عبدالکریم، اُسْدُ الغابه فی معرفه الاصحابه، تهران، چاپ افست، قدیم.

۱۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارت امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۶۱.

۱۸. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸.

۱۹. فیض کاشانی، محمدمحسن، محجه البیضاء، قاهره، چاپ افست.

۲۰. قلندری بردسیری، حمید، رساله حقوق پیامبر اعظم، فراگفت، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۲۱. ________________، هشتمین امام علیه السلام ، فراگفت، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

۲۲. کلانتری، الیاس، دلیل المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۵۰.

۲۴. ________________، فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه.

۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی.

۲۶. محافظ، ابن عمر یوسف بن عبداللّه ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، هند، دائره المعارف، چاپ دوم، ۱۳۳۶ هـ.ق.

۲۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲.

۲۸. مرعشی، ندیم، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۳۰. مصطفوی، سیدجواد، الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.

۳۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، انتشارات الزهرا، چاپ هفتم، ۱۳۶۶.

۳۲. ________________، مسئله حجاب، انجمن اسلامی پزشکان، ۱۳۵۳.

۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

۳۵. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه القضا، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۳۶. موسوی خمینی، روح اللّه ، رساله توضیح المسائل، کانون انتشارات محراب، ۱۳۶۶.

۳۷. ________________، صحیفه نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

۳۸. نوری، محدث، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ. ق.

مفاهیم، رهیافت و مؤلفه های همت و کار مضاعف

اشاره

مفاهیم، رهیافت و مؤلفه های همت و کار مضاعف

محمد منصورنژاد(۱)

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

واضح است که اگر همه شرایط برای عزم جدی و تلاش بر اساس وجدان کاری در این سامان فراهم بود، لازم نبود تا سالی به نام «همت و کار مضاعف» نام گذاری شود. مسئله، مشکل و معضلی هست که اهتمام جدی تر و انجام کار بیشتر را ضروری می کند. درباره اینکه مسائل مربوط به کار در این سامان مطلوب نیست، سخن بسیار است؛ از میزان بهره وری در ساعات کاری گرفته تا وضعیت اشتغال. بد نیست به عنوان شاهد مثال، به یکی از مشکلات کشور در زمینه شیوه فعالیت اقتصادی اشاره شود.

بنا به گزارش سایت «دنیای اقتصاد»، تازه ترین گزارش بانک جهانی از اوضاع کسب و کار در کشورهای مختلف جهان، حاکی از بهبود پنج رتبه ای ایران از نظر تسهیل فعالیت های اقتصادی است، اما در عین حال نشان می دهد که کشور ما در بین ۱۸۳ کشور جهان، در رتبه ۱۳۷ قرار گرفته است که این

۱- دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران.

رتبه تقریباً با رتبه دو سال پیش ایران که ۱۳۸ بود، هم سطح است.

بانـک جهانی در این گزارش خبر داده که فضای کسب و کار در ۱۳۱ کشور جهان بهتر شده است. سنگاپور، نیوزیلند، هنگ کنـگ، امریکـا، انگلیس، دانمارک، ایرلنـد، کانادا، استرالیا و نروژ به ترتیب ده رتبه نخست بهترین فضاهای کسب و کار را به خود اختصاص داده انـد. در این رتبه بنـدی، کشور امارات رتبه۳۳، بحرین رتبه ۲۰، چین رتبه ۸۹، مالزی رتبه ۲۳، آذربایجان ۳۸ و ترکیـه رتبه ۷۳ را به خود اختصـاص داده انـد. همچنین سوریه در رتبه ۱۴۳، عراق در رتبه ۱۵۳ و افغانسـتان در رتبه ۱۶۰ قرار گرفته اند.(۱)

با این وصف، بایـد دیـد وضـعیت اشـتغال در ایران آیا مناسب است که حال از شاغلین بخواهیم همت بلنـد داشـته و کار بیشتر کنند؟ اطلاعات آمار فوق حکایت از آن دارد که وضـعیت ما نه در قیاس با کشورهای پیشرفته، بلکه با امارات و بحرین نیز در زمینه شـرایط کـاری مطلوب نیست. آیـا بـدون تغییر در برنامه، همت و تلاش، امکان ساختن کشور به عنوان الگوی کشورهای اسلامی و دینی و رسیدن به افق چشم انداز بیست ساله وجود دارد؟

مـا خواه نـاخواه بـا دیگران در رقـابت هستیم. حـال اگر مـا حتی شانه به شانه رقبا کار کنیم، آنها از هم اکنون در ابعاد علمی و عملی، نظریه پردازی و محصولات و مصـنوعات سخت افزاری و نرم افزاری فرسنگ ها از ما جلوتر هستند. اگر این گونه پیش برویم، ایران تا ابـد باید هم در علوم انسانی و هم غیر انسانی و در محصولات و مصـنوعات، مصـرف کننده باشد. اگر بخواهیم از حکومت جمهوری اسـلامی، مدل مناسبی معرفی کنیم و بگوییم که مسـتقل از دیگران و بی نیاز از آنها هستیم، برنامه ریزی عادی برای ایران، پاسخ گوی این

۱- http://www.donya_e_eqtesad.com/Default_view.asp?@=۱۷۴۰۹۷.

تصمیم نخواهد بود و از همین جاست که به همت و کار مضاعف می رسیم.

۲. تأملی تحلیلی در معنا و ابعاد مفاهیم

۲. تأملی تحلیلی در معنا و ابعاد مفاهیم

در قسمت دوم بحث، مفاهیم کلیدی بررسی می شوند.

یک: در نام گذاری سال به «همت مضاعف و کار مضاعف»، مفهوم و کلمه مهم و کلیدی، «مضاعف» است. در ادبیات عرب بحث دقیقی درباره نقش مضاف و مضاف الیه مطرح است که کلمه «مضاف الیه»، مبین و مفسر مضاف است. ظاهراً چنین قاعده ای در ادبیات فارسی هم کاربرد دارد، به ویژه آنکه بسیاری از کلمات عربی در ادبیات فارسی مستحیل و مستعمل شده اند. مثلاً ـ در کلمه علوم انسانی، مفهوم «انسانی» که مضاف الیه است، اهمیت دارد و بیانگر این است که در کلام گوینده، نه علوم تجربی و نه علوم ریاضی و بلکه فقط علوم انسانی، مراد است. اگر مضاف الیه، مفسر مضاف است، در مفاهیم نام گذاری سال هم کلمه «مضاعف»، مهم، مفسر و مبین «همت و کار» است و واژه کلیدی به شمار می رود.

معادل مفهوم انگلیسی واژه «مضاعف»، کلمه دوبل (double) است و در فرهنگ دهخدا، هم برای مضاعف، معانی «دو چند»، «دوچندان»؛ «دو برابر» آمده است. در ریاضی هم اگر عددی دو برابر شود، گویند که مضاعف شده است. در ادبیات عرب نیز دو کلمه ای که دو حرف اصلی آنها مثل هم و درکنار هم باشند، افعال ثلاثی مضاعف گویند. مثل مد (مد الارض: رعد، ۳) که از ریشه «مدد» است و یا در بحث تربیت گویند اگر تربیت از ریشه «ربب» گرفته شده باشد، مضاعف است.(۱) و در رباعی وجود دو کلمه مشابه در ماده اصلی مثل زلزل را مضاعف نامند.

ص: ۸۳

۱- البته برخی گویند ریشه اصلی کلمه تربیت، ماده ربو است. (تفصیل بحث در: منصورنژاد، ۱۳۸۹: ص ۲۶).

در قرآن مجید، معادل فارسی «دوچندان»، کلمه «ضعفین» است که سه بار، یک بار با بار معنایی مثبت. (بقره: ۲۶۵؛ و برای مزد دو برابر کسانی که در راه خدا انفاق می کنند) و دو بار با بار معنی منفی (احزاب: ۳۰ و ۶۸) منعکس شده است.

واژه مضاعف در نام گذاری سال ضمن اینکه مرتبط با معانی لغوی یاد شده است، اما در آن حد و حدود محصور نمی ماند و به نوعی افزایش و تکثر نظر دارد. به عبارت دیگر، مقصود از همت و کار مضاعف لزوماً آن نیست که فعالیت های سال های قبل اندازه گیری شود و سپس در سال جدید دقیقاً دو برابر آن میزان فعالیت و تلاش داشته باشیم، بلکه مراد آن است که بر عزم و تلاش خود، نه تنها در سال جدید، بلکه برای همیشه بیفزاییم و با اهتمامی بیشتر نقش ها و تکالیف را به انجام برسانیم.

دو: واژه همت را نیز دهخدا در همان منبع، به معانی: اراده، آرزو، خواهش، عزم و خواستن آورده است. (البته معانی دیگری نیز برای همت از جمله: شجاعت، دلیری، وسعت نظر، بلندنظری و بلندطبعی آورده است.) اهمیت نقش همت در معنای اراده و عزم تا آنجاست که می توان با استفاده از آن به عنوان معیاری وزن شخصیت افراد را سنجید. ازاین رو، در گفتمان علوی، بنا بر حکمت ۴۷ نهج البلاغه: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَی قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش هر مرد به قدر همت اوست».

این مفهوم در شعر فارسی پرکاربرد است و بسیار هم زیبا به کار گرفته شده است. مثلاً آنجا که حافظ می سراید:

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

در نام گذاری سال ۸۹ به همت و کار مضاعف نیز مراد از همت، اراده و خواستن است.

ص :۸۴

سه: واژه بعدی کار است. به تعبیر آلن بیرو هیچ تعریف کاملاً رضایت بخشی از کار وجود ندارد؛ زیرا تعاریف متکی به جهان بینی افراد تعریف کننده اند و با جهان بینی ها نیز همسان نیستند. (بیرو، ۱۳۶۶: ص ۴۵۱) در عین حال، تعریف اولیه این منبع از کار به شکل زیر است:

کار عمل انسانی است که با تمامی وجودش و به جهت توانایی ناشی از پیش نگری که به کمک عقل به او تفویض شده است، طبیعت را در آن جهت که به خدمت اهدافش درآید و به او امکان فعلیت یافتن استعدادهایش را دهد، منقاد می سازد. (همان، ص ۴۵۱).

و کارگر کسی است که کار می کند. در اصطلاح جامعه شناسان، کارگر تعریف خاصی دارد. از نگاه غرب، کسانی که در کارخانه های صنعتی بر روی موادی کار و در ازای آن مزد دریافت می کنند، کارگرند. یعنی کشاورز که کشاورزی و دهقان که دامداری می کنند (نه فعالیت روی مواد) را دیگر کارگر نمی نامند. پس در فضای مدرن و علم جامعه شناسی، کار و کارگر معنای متلازمی دارند. یکی از طبقات اجتماعی (طبقه پایین مدرن اجتماعی در مقابل طبقه پایین سنتی که دهقانانند) را «کارگر» نام گذاری کرده اند. در فرهنگ اسلامی، هر کس که کار و فعالیتی انجام می دهد، کارگر است، چه کار یدی باشد و چه کار فکری.(۱) کشاورز و نویسنده، هر دو از نگاه فرهنگ اسلامی کارگرند، همچنان که هر کس در عرصه صنعتی کار یدی می کند، کارگر است.

لازم به ذکر است، «کاری» که در این نام گذاری آورده شده، در مورد افراد بی کار صدق نمی کند. یعنی کار مضاعف در مقابل بی کاری نیست. اگر مخاطب ما بی کار یا بی کاران باشند، باید به آنها گفت:

برو کار می کن، مگو چیست کار

که سرمایه جاودانی است کار

۱- در عین حال در گفتمان علوم اجتماعی تذکر داده شده است که: در تمدن صنعتی و فنی، جدایی بین کار یدی و فکری کاهش می یابد. چون بسیاری از کارهای واسط، بین این دو نوع کارند. مثلاً وجود کارگران ماهر، سرکارگران در کارهای اداری، کارکنان مشاغل علمی و... .(بیرو، ۱۳۶۶: ص۴۵۳)

مفهوم کار مضاعف برای کسانی است که کار می کنند، ولی گفته می شود کار شما با کم و کیف فعلی مطلوب نیست و باید در عزم و تلاش دست به تغییر زد. حاصل آنکه کار مضاعف در مقابل کار عادی است، نه بی کاری.

پس در فرهنگ اسلامی، اولاً نباید بی کار بود؛ چون این گونه زیستن با ارزش های دینی ناسازگار است. ثانیاً نباید به بهانه انجام کار، دست به هرگونه تلاشی زد؛ زیرا مثلاً گرچه یک فرد «رباخوار» هم مشغول فعالیت است و چه بسا کار مضاعف می کند، اما در فرهنگ دینی چنین شخصی با خدا سر جنگ دارد. ازاین رو، در اسلام، مکاسب محرمه یا کسب های حرام (چون: قمار، شعبده، هیپنوتیزم و....) داریم که در فقه شیعی، مباحث بسیار مستوفایی را نیز به خود اختصاص داده است. (مثل بحث مکاسب محرمه در کتاب مکاسب شیخ انصاری) پس صرف کار، موضوعیت ندارد، ماهیت کار مهم است. کار شخصیت ساز است، هر چند به قول استاد شهید مطهری، سازندگی کار برای شخصیت انسان ها اعدادی باشد.(1) ازاین رو، به تعبیر استاد در کار باید منفعت محلله مقصوده وجود داشته باشد. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۳) و ثالثاً در شرایط ویژه ای ضرورت دارد که متدینان به کار مضاعف دست بزنند.

چهار: نکته دیگر آنکه همت و کار مضاعف در دو عرصه با هم قابل تفکیکند: یکی، در عرصه اندیشه و نظر و دیگری، در عرصه عمل و رفتار. پس همت و کار

ص :۸۶

۱- به تعبیر استاد کار منشأ اندیشه و در همان حال اندیشه منشأ کار است. کار معیار اندیشه و در همان حال اندیشه معیار کار است، و این دور، دور محال نیست. شرافت انسان به دانش و ایمان و عزت و کرامت نفس اوست و کار از آن جهت مایه شرافت است که وسیله تأمین این کرامت ها و شرافت هاست. انسان، هم سازنده کار است و هم ساخته شده او، و این امتیاز، خاص انسان است که هیچ موجودی دیگر با او در این جهت شریک نیست _ و از نوع خاص آفرینش الهی او سرچشمه می گیرد. ولی سازندگی انسان نسبت به کار، سازندگی ایجادی و ایجابی است، اما سازندگی کار نسبت به انسان سازندگی اعدادی است، یعنی انسان واقعاً کار خویش را خلق می کند، اما کار واقعاً انسان را خلق نمی کند، بلکه کار و ممارست و تکرار عمل زمینه خلق شدن انسان را از درون فراهم می کند. (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۱۰۲)

می تواند هم در حیطه اندیشه باشد و هم در حیطه عمل. در حیطه اندیشه، همت و کار مضاعف چگونه خود را بروز می دهد؟ از این بعد، مسئله آن است که در نظریه پردازی کم کار کرده ایم و مشکل داریم. یعنی در بحث تولید علم روال خوبی نداشته ایم و عزم ها و تلاش ها باید مضاعف شود. برنامه ریزی نظام باید به سمتی برود که با ایجاد جنبش نرم افزاری، تولید علم مناسب و درخوری داشته باشیم.

از دو سطح عملی و نظری همت و کار مضاعف، از نگاه ما بخش اندیشه ای مهم تر است؛ زیرا امام صادق علیه السلام فرموده اند: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق لا یزید سرعه السیر الا بعدا؛ عمل کننده ای که بصیرت ندارد، در مسیر گمراهی قرار دارد، هر چه تندتر برود، بیشتر منحرف می شود.»(۱) پس کار یدی مضاعف هم کافی نیست. پشتوانه کار عملی باید جهان بینی، دکترین، نظریه و استراتژی داشته باشد تا به نتیجه مطلوب برسد. مثلاً فرض کنید در زمان های قدیم شخصی سوار بر الاغ دو ساعت راه را اشتباه طی می کرد و بعد از دو ساعت که متوجه اشتباه می شد، این رونده مسیر زیادی را به انحراف، طی نکرده بود و جبران خطا آسان بود. فرض کنید امروزه خلبانی با هواپیمایی، مسیری را چند ساعت اشتباه برود، حال ببینید که چقدر به کج راهه رفته است. ممکن است از یک قاره که کشور مقصد در آنجا بوده، به قاره دیگر منحرف شده و چندین کشور از مسیر اصلی در انحراف افتد و دچار حوادث جدّی شود. یعنی هنگامی که سرعت حرکت بالا باشد، در صورت فقدان بینش، دانش و بصیرت، مسیر بیشتری را اشتباه می رویم.

شایسته است امسال نظام در حیطه عمل و نظر، تکلیف خود را ابتدا با مباحث نظری مشخص کند. راه حل تولید علم، دکترین و استراتژی است. البته در مرحله بعد و پس از روشن شدن مسیر، باید به حیطه عمل نیز پرداخت.

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

پنجم: مفهوم دیگری که با کار، آن هم کار مضاعف در معنای کیفی اش مرتبط است، اصطلاح «کارآمدی» (Effectiveness) است. کارآمدی، مفهومی «نسبی» است که در علوم مختلف (مدیریت، اقتصاد، سیاست و....) تعاریف کاملاً همسانی ندارد. در «علوم سیاسی» نیز چون با علت غایی گره خورده و به اصطلاح به انجام رساندن چیزهای خوب است، (As Doing the Right Thing)، نه انجام درست امور که معادل کارآیی (Efficiency) است، به حسب اهداف و غایات حکومتی تعریف و تحدید می گردد. ممکن است در حکومتی، اگر غایات مادی عمدتاً به سرانجام برسد، مجریان دولتی را کارآمد معرفی کنند، حال آنکه در رژیم ها و نظام های ارزشی، صرف توفیق در مقاصد مادی به معنای کارآمدی دولت قلمداد نمی گردد. در قسمت بعدی، تفاوت رهیافت مادی و غیر مادی با تعابیر دیگر مورد تجزیه و تحلیل مبسوط تر قرار می گیرد.

۳. الگوی نظری

اشاره

۳. الگوی نظری

برای ارایه دقیق تر و منظم تر بحث، لازم است تا موضوع مورد سخن در قالب های شناخته شده تر در «علوم انسانی»، نزدیک و برابر آنها تنظیم گردد. در علوم انسانی، مجموعه نگرش های ارایه شده را در یک تقسیم بندی کلی به دو رهیافت «رفتارگرایان» و «غیررفتارگرایان» می توان تقسیم کرد.

الف) رهیافت رفتارگرایانه

الف) رهیافت رفتارگرایانه

جنبش رفتارگرایی(Behaviorism)(۱) با نگرش در گام های آغازین علم در

ص: ۸۸

۱- رفتارگرایی مفهومی است که اولین بار به وسیله جان.بی. واتسون(John B. Watson)به کار گرفته شد. علت نام گذاری این بود که گرایش ذهنی کلی این مکتب فکری به سوی روان شناسی بود. در واقع، بانیان این نگرش علم را به عنوان اشتغال فکری مشاهده ای یا علم ناشی از مطالعه رفتار مشهود انسانی محسوب می داشتند. از لحاظ روشی، استنتاج رفتارگرایی بر تعمیم مشاهده از طریق روش های صریح تجربی و عمدتاً استقرایی مبتنی است. کاربرد ریاضیات و آمار جهت قانونمند کردن رفتارها از اهمیت بسیار برخوردار است. تأکید رفتارگرایان بیشتر بر پژوهش روی توزیع متغیرهای تکرار شونده، مداوم و پایدار است. (سیف زاده، ۱۳۸۱: صص ۲۱۱ _ ۲۱۲) و نیز نک: (مارش _ استوکر، ۱۳۸۴: صص ۱۰۷ _ ۱۱۴).

گفتمان جدید مطرح شده و در اغلب رشته های دانش در علوم انسانی (روان شناسی، جامعه شناسی، روابط بین الملل و علوم سیاسی، مدیریت و...) بر اساس ویژگی هایی چون کمیت گرایی، نظم پذیری، دقت و... بازشناسی شده است. موضوعات انسانی در این رهیافت همچون پروژه ای محسوب می شوند که آغاز و انجامی تعریف شده دارند و ورودی ها و خروجی های آن قابل کنترل و اندازه گیری است و ایجاد تغییر در رفتار فردی یا جمعی برای محقق آسان است.

ب) رهیافت غیررفتارگرایانه

اشاره

ب) رهیافت غیررفتارگرایانه

در این رهیافت که در گام های بعدی و در پختگی بیشتر فرآیند علمی در دامن تجدد جوشید و خود، دربرگیرنده طیف کثیری از اندیشه هاست، اندک اندک اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که رفتار آدمیان، پیچیده تر و متنوع تر از آن است که به راحتی بتوان آنها را براساس ظواهر بازشناسی کرد و کمیت پذیر فرض کرد و برای آن سیکل های دقیق پیش بینی شده در نظر گرفت. به عبارت دیگر، آنچه انسان را از طبیعت و حتی سایر جانداران زمینی متمایز می کند، کیفیاتی است که به تعداد انسان ها از تنوع و تطور برخوردار است. ازاین رو، سوژه های انسانی به راحتی قابل تبدیل به یک پروژه نیستند که آغاز و انجام آن قابلیت ترسیم، تنظیم و اندازه گیری داشته باشد. در یک کلام، این رهیافت برخلاف رفتارگرایان، کیفیت را در شناخت رفتار آدمی اصیل تر و متقدم تر از کمیات می بیند.

ص: ۸۹

ازاین رو، در این نوشتار گرچه اشاره ای به بحث همت و کار مضاعف براساس روش های رفتارگرایانه و کمیت گرا می شود، اما رهیافت اصلی ما، رهیافت کیفی و انسانی خواهد بود.

یک _ همت و کار مضاعف در رهیافت کمیت گرا

یک _ همت و کار مضاعف در رهیافت کمیت گرا

برابر این رهیافت، چون در نام گذاری سال، افزایش و دو برابر شدن فعالیت ها و اهتمام ها مطلوب و مقصود است. از این منظر، چون تحقق همت و کار مضاعف به عنوان یک پروژه نیاز به متولی مشخص و آغاز و پایانی دقیق دارد، لازم است برای رسیدن به این غایت، به موضوع با رویکردی سیاسی و امنیتی نگریست. با قبول این فرض، بازیگران اصلی این ایفای نقش، دولت مردان و نخبگان امنیتی نظامند. هم اینان که مستظهر به امکانات وسیع مادی و غیرمادی اند. با این وصف، مسئولیت اصلی تحقق چنین مقصودی برعهده دولت مردان است. واضح است که در این نگاه، غیردولتی ها حذف نمی شوند، اما در حاشیه می مانند.

برای رسیدن بهتر به مقصود هم لازم است ساعات کار نسبت به ساعات مقرر در سال های پیش افزایش مضاعف یابد، تعداد کارکنان در موضوعات گوناگون نسبت به سابق به دو برابر افزایش یابد و با خانه تکانی اداری تعداد مراکز، دستگاه ها و نهاد های درگیر با امور بالاتر رود.

با این نگاه، گرچه به سوی همت و کار مضاعف کشانده می شویم، ولی این حرکت و تغییر در سطح و ظاهر می ماند؛ زیرا اگر کارگران کمتر انگیزه ای برای تلاش جدّی نداشته باشند، صرف افزایش نیروها دردی را دوا نمی کند، بلکه ممکن است به سستی و رخوت بیشتر بینجامد. در این حالت، چون

نهادها و افراد متعددی برای ایفای مسئولیت وجود دارند، تمایل خواهند داشت کار را به یکدیگر واگذارند. ضمن اینکه این رهیافت امروزه نه با تجارب کاری بشری که رو به سوی تقلیل دادن ساعات کار و حضور نیروها در محل کار دارند، هماهنگ است و حتی نه لزوماً با تجویزهای دینی که به تقسیم اوقات توصیه می کنند، سازگار می افتد.(۱)

دو _ رهیافت کیفیت گرا

دو _ رهیافت کیفیت گرا

از آنجا که تحولات جامعه عمیق تر از آن است که براساس محاسبات کمی و ظاهری تفسیر پذیرد و تدبیر همه امور به سطح دولت مردان تقلیل یابد، رویکرد اصلی، توجه به کیفیت فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. به عبارت دیگر، سیاستمداران در اهتمام، عزم و تلاش بیشتر ایفای نقش می کنند، اما تحولات بنیادین در بدنه و از پایین صورت می پذیرد که لزوماً زمان مند و پیش بینی شده نیست. در این میدان، کارگزاران نهادهای مدنی و فرهنگی

۱- به عنوان شاهد بنا به گزارش سایت جهاد دانشگاهی (نظام جامع اطلاع رسانی اشتغال) درباره بررسی میزان ساعات کار در کشورهای مختلف جهان می توانیم: برابر نمودار ارایه شده ساعات کار در آلمان طی سال های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۲ به میزان حدود ۱۰۰ ساعت در سال، کاهش یافته به طوری که از میزان ۱۵۵۰ ساعت کار در سال ۱۹۹۰ (حدود ۳۰ ساعت کار در هفته: یعنی روزانه ۵ ساعت کار) به ۱۴۵۰ ساعت کار در سال ۲۰۰۲ (یعنی کمتر از ۲۸ ساعت کار در هفته و کمتر از ۵/۴ ساعت کار در روز) تقلیل یافته است. http://www.jobportal.ir/S۱/Default.aspx?ID=۹-۲-۹۳۴-۳-۷۹ از نگاه دیگر و در بعد دینی کم و بیش در روایات مختلف از معصومین آمده است که اوقاتتان را به چند قسمت تقسیم کنید. جضرت علی علیه السلام در کلمه قصار ۳۹۰ در نهج البلاغه فرمود: «مؤمن باید شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگارش؛ زمانی برای تأمین هزینه زندگی اش؛ و زمانی برای اوقات فراغت بین روح و لذت های حلال و زیبایش قرار دهد.» خردمند را نشاید، جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب و تلاش برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت های حلال. و بر اساس این حدیث، یک سوم وقت مخصوص کار است و اگر انسان بخواهد دوبرابر کار کند، باید از اوقات دیگر بکاهد تا کار دوبرابر داشته باشد. مگر آنکه بخواهیم بر اساس اصول و قواعد مربوط به شرایط عسر و حرج و اضطرار، چنین تلاشی را توجیه و تفسیر کنیم.

بازیگران اصلی ایجاد تغییراند.

از این منظر، به جای اینکه به ساعات کار بیشتر یا به افزایش نیروی انسانی و منابع غیر انسانی وسیع تر بیندیشیم، برای رسیدن به غایاتی مطلوب تر و موسع تر باید به کیفیت ها توجه کرد. به همین جهت، در این رویکرد، نقش ایجاد نشاط و انگیزه، موضوعی کلیدی و محوری خواهد بود و برای فعال تر کردن نیرو و امکانات موجود، اندیشه ورز ی های عمیق موضوعیت می یابد. به همین دلیل، در این بعد، نقش بینش ها و بصیرت ها مهم قلمداد می شوند. عالمانه و آگاهانه حرکت کردن مهم ارزیابی می شود و به نقش آموزش ها و تربیت ها و توجیه ها برای ارایه خدماتی کیفی تر زیاد بها داده می شود. آنچه اهمیت دارد، تقویت همدلی ها و هم گرایی های همکاران است که در پروسه ای قابلیت تحقق می یابد. چون نقش مفاهمه، توجیه، تبیین و تلقی نظری، نقش کلیدی را در رسیدن به همتی و کاری مضاعف دارد، نقش «رسانه های جمعی»، در انتقال پیام و ایجاد ارتباط بیشتر و تعامل عمیق تر بسیار اساسی است.

ارکان و عناصر دو رهیافت مورد بحث به صورت مقایسه ای در جدول زیر منعکس شده اند:

جدول مقایسه ای متغیرهای رهیافت کمی و کیفی برای همت و کار مضاعف

ردیف

نام متغیرها

رهیافت کمی

رهیافت کیفی

۱

رویکردها

سیاسی ــ امنیتی

فرهنگی ــ اجتماعی

۲

کارگزاران اصلی

دولت مردان

عاملان نهادهای مدنی

۳

نقش نهادها

تأسیس نهادهای تازه

بازسازی نهادهای موجود

۴

شیوه به کارگیری نیروها

افزایش تعداد نیروی کار

افزایش بهره وری نیروی کار

۵

زمان بندی

افزایش ساعات کار

مدیریت مطلوب زمان

ص :۹۲

۶

مبنای اقتدار

ابلاغ و آمریت

توجیه و تفسیر

۷

نوع تلقی از سوژه

به عنوان پروژه

به عنوان پروسه

۴. عوامل و راهکارهای تحقق همت و کار مضاعف

اشاره

۴. عوامل و راهکارهای تحقق همت و کار مضاعف

در این قسمت ضمن برشماری مؤلفه های مؤثر بر همت و کار مضاعف، برخی از راهکارهای رسانه ای موضوع را بررسی می کنیم:

الف) عوامل همت و کار مضاعف

اشاره

الف) عوامل همت و کار مضاعف

افرادی که به موضوع همت و کار مضاعف فکر و اقدام می کنند، دو دسته اند:

گروهی هستند که به اجبار و ضرورت کار اضافی می کنند. مثلاً دانش آموزی که در روز عادی دو ساعت هم درس نمی خواند، در روزهای قبل از کنکور، روزی ۱۴ ساعت درس می خواند. این پدیده را چگونه می توان تفسیر کرد؟ علت موضوع آن است که او مجبور بوده و آینده اش به این مسئله وابسته است. برخی دانشجویان در طول ترم درس نمی خوانند و وقت را بیهوده سپری می کنند، ولی در اواخر ترم و وقت امتحانات، شبانه روز به درس می پردازند.

افراد زیادی هستند که صبح سر کار می روند و ظهر خسته از کار برمی گردند، اندك غذایی می خورند و به سراغ شغل دوم

می رونـد. چرا این گونه است؟ علت این تلاش مضـاعف، مخارج زیاد و به انـدازه نبودن دخل و خرج است. چون آبروی فرد در معرض خطر قرار دارد، فشار ها سـبب کار مضاعف می گردد. پس گروهی به سبب ضرورت ها به سمت کار مضاعف می روند.

افراد دیگری هم هسـتند که بر مبنای اختیار به کار مضاعف می پردازند. با اینکه اجباری در کار نیست، اما به صورت ارادی با اهتمام جدّی در عرصه های زندگی فعالند. به نظر می رسد چند مسئله در کنار هم باعث می شود افراد به این گونه کار کردن دست بزنند.(۱) به عبارت دیگر، عوامل

۱- همـان طور که ذکر کردیم افرادی که به سوی کـار مضاعف می رونـد، دو دسـته انـد. کسانی با اراده و اختیار می رونـد و کسـانی که بـا زور کـاری را انجـام می دهنـد. کـاری که از روی اجبار و زور باشـد، در فرهنگ انسانی اگر نگوییم بی ارزش است، ارزش انـدکی دارد. مثلاً ما می توانیم از یک گاو نر در روز برای شـخم به جای ۶ ساعت ۱۲ ساعت استفاده کنیم. کار انسـانی آنجـاست که ارادی و اختیـاری باشـد. مرز جـدایی انسـان و حیوان نیز همین جـاست که انسان قـدرت تصـمیم انجام یا انتخاب کاری را داشـته باشد که دارای ارزش زیادی است. در حال حاضـر، اگر مسـئولان، مردم و نخبگان به این درک برسند که جامعه ما به کار مضاعف نیاز دارد و باید مقداری از تفریحات و مادیات کاست و با کار مضاعف به موفقیت رسـید، خوب است.

مؤثر بر همت و کار مضاعف انسانی به قرار زیرند:

یک _ توجه به استعدادها

یک _ توجه به استعدادها

شایسته و بلکه لازم است کار و شغل افراد متناسب با استعداد افراد باشد. اگر افراد متناسب با استعداد خود، به شغل و حرفه ای نپردازند، نتیجه مطلوب و دلخواه حاصل نمی شود. چنین افرادی برای انجام کار عادی (چه رسد به کار بیشتر) انگیزه لازم را ندارند و زود خسته می شوند. مثلاً برخی معلمان از کار خود راضی نیستند و بی انگیزه این کار را انجام می دهند. این بدان دلیل است که در انتخاب رشته خود با اکراه، گرایش تربیت معلم را انتخاب می کنند و با اینکه قلباً راضی نیستند، مجبورند معلمی کنند. حال این شخص قرار است به دانش آموزان شور و نشاط القا کند و روحیه دهد، در صورتی که خود او به ایجاد شور و نشاط نیاز دارد. پس اگر افراد متناسب با استعداد، علاقه و انگیزه، مشغول به کار نشوند، از آن کار نتیجه مطلوب نخواهند گرفت. حال اگر شخص متناسب با استعدادش به کار گرفته شود، با اندک تشویقی، کار مضاعف انجام می دهد.

دو _ به کارگیری اصل تقویت

دو _ به کارگیری اصل تقویت

در مرحله بعد، حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می نویسد: «نیکوکار و بدکار در نزدت مساوی نباشد. تنبیه و تشویق در کار باشد.» اگر با کسی که کار را دقیق و منظم انجام می دهد و کسی که بد کار می کند و نامنظم است، یکسان برخورد شود و هر دو از حقوق برابر

برخوردار باشند، شخص اول از خوب بودن دل سرد و بی انگیزه خواهد شد. شخص دوم نیز در انجام کار ناقص، جسور می شود. پس تشویق (کتبی، نقدی، لفظی و...) لازمه گسترش فعالیت شایسته برای افراد وظیفه شناس است.

اگر افراد احساس کنند در ازای کار مضاعف، پاداش (مادی و یا معنوی و یا هر دو) می گیرند، با انگیزه بیشتری کار خواهند کرد. در روان شناسی به این اقدام «اصل تقویت» گویند. (مثل آزمایش پاولف و شرطی شدن). این قاعده را شرطی شدن می گویند که حداقل تجویز در مسیر تربیت است.

حال آنکه تربیت اسلامی بسیار باید از این سطح، عمیق تر شود و بر مبنای معرفت باشد و به تکرار، تلقین و عادت محدود نگردد. در تربیت دینی، حفظ کرامت انسانی که خداداد و ذاتی هم هست، بسیار مهم است و ازاین رو، در اصل گزینش کار باید شرافت آدمی مورد توجه باشد. بر این اساس، مؤمن حق انجام هر کار و پذیرش هر مسئولیتی را ندارد و بر همین اساس، هرگونه تشویق و تنبیهی هم مجاز نیست، بلکه در همه این موارد باید عزت، شرف و کرامت آدمی مورد توجه قرار گیرد. از هر گونه تحقیر باید خودداری کرد و با حفظ هویت اصیل آدمی (که رنگ و بوی الهی دارد)، او را به همت بیشتر و تلاش جدی تر فراخواند.

سه _ توجه به انگیزه ها

سه _ توجه به انگیزه ها

در مباحث روان شناختی و نیز مدیریتی، بحث «انگیزش» (Motivation) بسیار حایز اهمیت است. انگیزش عبارت است از مجموعه ای از نیروها که موجب می شود اشخاص به شکل های مختلفی رفتار کنند. انگیزش با یک نیاز آغاز می شود. اشخاص راه های ارضای نیازهایشان را جست وجو و سپس متناسب با آن رفتار می کنند. (مورهد _ گریفین، ۱۳۷۴: ص۱۰۸)

نظریه های متعددی درباره این مفهوم وجود دارد که هر یک به برخی ابعاد

موضوع توجه کرده اند. به عنوان مثال، در نظریه دو عاملی «هرزبرگ»، عوامل انگیزش و نگه دارنده افراد در محیط کار در دو مرحله پیش بینی شده اند: در مرحله اول، با هدف ایجاد وضعیت عدم نارضایتی به عوامل بهداشتی توجه شده است. در مرحله بعد، برای فراهم آوردن فرصت های لازم جهت کسب موفقیت، شهرت، پیشرفت و... به عوامل انگیزشی توصیه می شود تا احساس رضایت کارکنان برانگیخته شود. عواملی را که در این نظریه مطرحند، در قالب جدول زیر می توان نشان داد:. (مورهد_ گریفین، ۱۳۷۴: صص ۱۰۰ و ۱۰۱).

عوامل انگیزشی و نگه دارنده در محیط کار

عوامل بهداشتی

عوامل انگیزشی

_ سرپرستی

_ شرایط کاری

_ روابط داخلی

_ پرداخت ها و ایمنی

_ سیاست های سازمان

_ کسب موفقیت

_ شهرت

_ نفس کار

_ مسئولیت

_ پیشرفت و رشد

نظریه های انگیزشی در عین حال که مفید و قابل توجه اند، اما متناسب با فرهنگ و نیاز ما، این نقیصه مهم را دارند که از عوامل معنوی مؤثر بر ایجاد انگیزه در افراد غفلت می کنند. در این سطح می توان پذیرفت اگر به انگیزه های افراد توجه شود، بستر بسیار مساعدی پدید می آید تا توقع کار و تلاش مضاعف از آنان داشته باشیم. اگر به فردی نقشی تحمیلی واگذار شود، حتی در انجام کار عادی توفیق ندارد، چه برسد به همت و تلاش بیشتر.

«رزمندگان اسلام» در دفاع مقدس هشت ساله نمونه بارز کسانی بودند که با انگیزه های فرامادی تلاش می کردند. حتی در

جبهه ها کاری بیشتر از «کار

ص :۹۶

مضاعف» صورت می گرفت. کسانی بودند که تا توان داشتند، در تلاش بودند. این طور نبود که در زمان محدود و خاصی کاری انجام دهند. در انجام کارها حتی کارهای سخت از هم سبقت می گرفتند. اینها نمونه کار مضاعف بودند. در عملیات ها برای شهادت و روی مین رفتن سبقت می گرفتند. به دلیل اینکه در جبهه ها انگیزه افراد بالا بود، بحث ساعت کاری مطرح نبود. با این وصف، جبهه ها و رزمنده ها مثال خوبی برای کار مضاعف هستند. این موضوع، ظرفیت نگارش مقاله ای مستقل با عنوان رزمندگان اسلام؛ مصداق کار مضاعف را دارد.

به عنوان مثال، سردار سلیمانی یکی از هم رزمان شهید «احمد کاظمی» درباره این شهید که یکی از فرماندهان موفق لشکر اسلام در عصر دفاع مقدس و یکی از مسئولان موفق سپاه پاسداران پس از جنگ بود، گفته است:

استفاده از فرصتش در تاکتیک و استراتژی همین بود. احمد وقتی آمد در نیروی زمینی، به وقت خودش شلاق می زد. من همیشه می گفتم: احمد تو چقدر کار می کنی؟ وقتی نیروی هوایی بود، شما مقطع عمر احمد را در نیروی هوایی جمع بزنید... . در نیروی زمینی در همان مقطع می دوید، مثل کسی که فرصت ندارد و باید آن را به یک نقطه برساند و نتیجه استراتژیک بگیرد. احمد در این موارد واقعاً منحصر به فرد بود. این نکته را هم بگویم که احمد فرصت ها را محدود می دانست. از نظر زمانی، چه در تاکتیک و چه در استراتژی، همیشه محدود می دانست. مثل کسی که وقت ندارد، این طوری به موضوع نگاه می کرد. (سلیمانی، یادمان شهید کاظمی، ۱۳۸۵: صص ۷۲ _ ۹۸).

چهار _ ملاحظه ظرفیت ها

چهار _ ملاحظه ظرفیت ها

واگذاری نقش ها متناسب با توان و ظرفیت افراد نیز از عوامل مناسب برای گسترش دادن میدان کار است و در صورت لحاظ نکردن این عامل ممکن است حتی مسئولیت های محدود نیز روی زمین بمانند و به انجام نرسند؛

ص: ۹۷

چون امکان انجام وظایف نیست.

البته آدمیان نیز اغلب خیلی کمتر از حد توان خود کار می کنند. توانایی که خدا در اختیار انسان قرار داده است، بسیار بیشتر از آن چیزی است که قابل استفاده قرار می گیرد. این مشکل هم مربوط به حیطه اندیشه است؛ زیرا از عقل، فکر و قوه دراکه، بسیار کمتر از حد انتظار بهره جسته می شود و هم مربوط به حیطه عمل و فعالیت های جسمی. عقل و بدن آدمی نیز به این وضعیت (کاهلی و بی فکری) عادت می کند؛ زیرا جسم و روح انسان را هرگونه که عادت دهیم، به همان نوع فعالیت خو می گیرد. برای نمونه، در نامه ۴۵ نهج البلاغه که خطاب به عثمان بن حنیف نوشته شده می خوانیم که فردی از حضرت علی علیه السلام سؤال می کند: تو که غذایت نان جوین است، خواب کم داری و... چگونه است که آن قدر قوی هستی و در مقابل شجاعان عرب ایستادگی می کنی؟ با اینکه باید ضعیف و آسیب پذیر باشی؟ حضرت فرمود: «شما سخت در اشتباه هستی، درختانی که به آن کود و آب می دهی، وجین و حرس می کنی، آن درخت ثمره و بار خود را نمی تواند نگه دارد. اما درختان بیابان که در معرض باد و بوران شدیدند، سخت، سفت، محکم و مقاوم هستند. به عبارت دیگر، ظرفیت و توان افراد قابلیت اضافه شدن را دارند. با این همه استقامت بدنی و پایداری افراد سقف مشخصی دارد که در واگذاری مسئولیت ها باید به آن توجه کرد.

پنج ـ توجه به صاحبان اندیشه

پنج ـ توجه به صاحبان اندیشه

اگر قرار است همت و کار مضاعف به درستی و به صورت کیفی به بار بنشیند، بحث اندیشه، بحث بسیار مهمی است. ممکن است در رشته ای ۵۰۰۰ دانشجو مشغول به تحصیل باشند، اما در این بین، تعداد محدودی از آنها توان تولید علم و نوآوری داشته باشند. اساتید متعددی در دانشگاه ها تدریس می کنند، اما تعداد کمی از آنها اندیشه های تازه دارند. نظام اگر برنامه ای

مـدبّرانه و پیش به سوی آینده داشـته باشد، باید افراد نخبه را شـناسایی کند و به این گونه افراد بها دهد و بر روی آنها سـرمایه گذاری کند. این افراد با بودجه ای اندک، کارهایی را انجام می دهند که صدها اسـتاد، دانشجو و طلبه نیز نمی توانند از عهده آن برآینـد. پس محیط کار و تلاش بایـد برای این گونه افراد آماده شود. در نظامی که منتسب به خدا، انبیا و معصومین است، «فرار مغزهـا» معنـایی نـدارد، بلکه بایـد مأمن مغزهای حتی کشورهای دیگر باشـد. اگر نخبگانی که تولیـد علم می کننـد، کار مضاعف کنند و حمایت مدبّرانه شوند، کشور روندی رو به جلو در پیش خواهد گرفت.

شش ـ تولید پشتوانه های دینی

شش ـ تولید پشتوانه های دینی

ایـده نو و نظریه علمی جدیـد خصوصـاً بـا رویکرد دینی برای به حرکت درآوردن افراد بسـیار مهم است. ماکس وِبِر در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری در تبیین رابطه نگرش دینی با شکل گیری غرب جدید می گوید:

وقتی در غرب، برداشت دینی جدیـدی عرضه شـد که نگـاه به دنیـای مـادی ذی ارزش است، از درون این زاویه دیـد، توسـعه جوشید.

وقتـی مـاکس وِبِر می خواهـد ایـن نکته را که چرا غرب به توسـعه رسـید، تـبیین کنـد به نگرش پروتسـتان هـا و خصوصـاً فرقه «پیوریتن» ها می پردازد و از کتاب فرهنگ مسیحی «باکستر» که کامل ترین مجموعه اخلاقی این فرقه است، نقل می کند:

چون آرامش جاودانی قـدیسان در دنیای دیگر است، انسان در این دنیا باید از فیض الهی یقین حاصل کند و مشـیت الهی را تا فرصت باقی است، انجام دهد. بر طبق تجلیات مسلّم اراده الهی فقط کار و فعالیت و نه تفریح و عیاشی، عظمت الهی را افزایش می دهد. بنابراین، اتلاف وقت و بطالت، مهلک ترین گناهان است... وقت، بی اندازه گران بهاست؛ زیرا اتلاف هر ساعت آن، اتلاف وقت برای تجلیل از عظمت پروردگار است.... «کار»، تا

آن جایی که مشیت الهی است، به عنوان «هدف زندگی»(۱) تلقی می شود... عدم علاقه به کار یا حرفه، نشانه ای از محرومیت از فیض پروردگار است. (وبر، ۱۳۷۴: صص ۱۳۵ _ ۱۳۷)

همچنین باکستر کار را در قالب حرفه (کار حرفه ای) قرین با توفیق می داند، نه کارگر ساده. او می نویسد:

خارج از حوزه یک تکلیف کاملاً مشخص، موفقیت های فردی موقتی و غیر منظم است و چنین فردی وقت بیشتری را به بطالت می گذراند تا به کار کردن... فرد بدون حرفه فاقد خصلت اسلوبی و انضباط است که این خصلت لازمه ریاضت گرایی دنیوی است. (همان منبع: ص ۱۳۹)

زمانی که این فرهنگ در ذهن غربی ها جای گرفت، تصمیم جدّی گرفتند و تلاش زایدالوصف کردند. به عبارت دیگر، کاری که باید متدینین، حوزویان و کسانی که تولید اندیشه دینی می کنند، انجام بدهند، آن است که برای جامعه توضیح دهند کار کردن در این زمان و این محیط چقدر مقدس و لازم است و از نصوص مناسب بهره کافی گیرند. در کلامی از حضرت امام حسن علیه السلام می خوانیم: «کن لدنیا کانک تعیش ابدا و کن لاخرتک کانک تموت غدا؛ برای دنیا جوری زندگی کن که گویی هیچ وقت نمی میری و برای آخرتت جوری زندگی کن که گویی فردا قرار است که بمیری.»(۲) انسان باید از طرفی محاسبه و مراقبه داشته باشد و از طرفی دنیا را نیز فراموش نکند.

۱- بحث هدف زندگی از مباحث بسیار مهمی است که در علوم مختلف (کلام، عرفان و اخلاق، علوم تربیتی، روان شناسی و....) درباره آن سخن به میان آمده و متدینان دو پرسش اساسی هدف خالق از خلقت و هدف مخلوق در زندگی را باید پاسخگو باشند. در این نگرش پیوریتن ها در بیان اینکه کار هدف زندگی است جای تأمل دارد. (محمد منصورنژاد، نیچه، فرانکل و نگاه اسلامی درباره هدف و معنای زندگی، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۶. نک در: محمد منصورنژاد،(۱۳۸۵) نقش مبانی اعتقادی در توسعه دانش: بازخوانی نظریه ماکس وبر در اخلاق پروتستان، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۵).
۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۵.

هفت _ احساس مالکیت

هفت _ احساس مالکیت

یکی از راهکارهای بسیار مؤثر برای افزایش بهره وری کار و دلگرمی در تلاش و بالا بردن کیفیت فعالیت ها، احساس مالکیت کارکنان نسبت به موضوع کار است. اگر راننده ای احساس کند که وسیله نقلیه ای که در اختیار دارد، متعلق به خود اوست و در محصول کار هم سهیم است، هم در حفظ امکانات اهتمام بیشتر می ورزد و هم برای تعطیل کردن کار عجله ای ندارد، حال آنکه اگر وسیله نقلیه متعلق به دیگری باشد، چنین حسی ندارد.

اگر در شیوه تدبیر نظام، آحاد جامعه احساس کنند که این مملکت و امکانات موجود در آن متعلق به آنهاست و در تدبیر نظام هم منافع آنها نقش کلیدی دارد و هم دیدگاه و مطالبات آنها منظور می گردد، (مردم سالاری دینی به معنای درست) آنگاه شرط مهمی برای تحقق همت و کار مضاعف فراهم آمده است. برای تحقق این عامل مهم باید توجه و اهتمام بسیاری صورت پذیرد تا عوامل مؤثر بر شکاف حاکمیتی (شکاف دولت _ مردم) شناسایی، آسیب شناسی، پیش گیری و در مراحل حاد درمان شوند.

اینجاست که باید تدابیری هم در سطح حاکمیتی و هم در سطح اداری برای رضایت مردم اندیشیده شود، روابط باید به گونه ای تعریف شود تا کارکنان و کارگران را برای اقدامات کیفی سر شوق آورد. (مثل اعمال مدیریت مشارکتی به جای مدیریت متمرکز)

هشت _ اصالت توجیه، تبیین و تربیت

هشت _ اصالت توجیه، تبیین و تربیت

برای افزایش بهره وری در کار فکری و غیرفکری، متوسل شدن به راه های خشونت آمیز، ابلاغی و آمرانه نه تنها سبب ساز نیست؛ بلکه سبب سوز است؛ زیرا آدمیان در میان موجودات زمینی، استعداد بروز خلاقیت و نوآوری را دارند. این ظرفیت خدادادی همانند سایر ویژگی های فطری تنها با بسترسازی

مناسب و مساعد شکوفا می شود. سخت گیری و اعمال خشونت همان گونه که در سایر مباحث تربیتی به درستی گفته می شود، اگر درست به کار گرفته شود، ممکن است در جلوگیری از کج روی ها مفید باشد، اما هرگز عاملی برای شکوفایی استعدادها نیست. ازاین رو، برای تحریک عزم و اراده و تقویت روحیه تلاش و کوشش، راه ابتدایی، توجیه و تبیین مسئله برای مخاطبان است که در این سطح نقش رسانه ها بسیار تعیین کننده است. در مرحله بعد، تربیت نیروها کاری بیش از آموزش می طلبد. در اینجا نقش شیوه های آموزش برای کارهای کیفی و کارآ بسیار اهمیت دارد.

به همین دلیل، در مقدمه و بحث رهیافت اشاره شد که بازیگران اصلی در رهیافت کیفی برای گسترش فرهنگ کار، نخبگان فرهنگی و مدنی اند (حوزویان و دانشگاهیان) و نقش دولت (که بر اساس قدرت تعریف و تحدید می گردد)، در این رابطه جنبه طفیلی می یابد.

با برشماری برخی از مؤلفه های مؤثر بر همت و کار مضاعف که با رهیافتی کیفیت گرا برشماری شدند، با توجه به غایت نوشتار حاضر، در ادامه چند راهکار رسانه ای را برای این مقصود بیان می کنیم.

ب) همت و کار مضاعف در رسانه ها

ب) همت و کار مضاعف در رسانه ها

رسانه های ارتباط جمعی می توانند متناسب با پیام سال، دست به اقدامات زیر بزنند:

یک _ گفته شد که همت و کار مضاعف یا محصول شرایط اضطرار است یا نتیجه انتخاب و اختیار. رسانه های جمعی برای هر دو قسم می توانند تلاش و برنامه ریزی کنند:

اول _ همت و کار مضاعف جبری نیز دو خاستگاه کاملاً متفاوت دارد:

۱. محصول تنبلی ها و مسئولیت ناشناسی هاست (مثل دانشجویی که

درس هایش را برای شب امتحان عقب می اندازد)؛

۲. محصول حوادث قهری و غیر اختیاری مثل تصادف و زلزله است که فرد یا افراد به تلاش زایدالوصف کشانده می شوند.

ازآن رو که تعداد افرادی که به دو دلیل و ذکر شده به کار مضاعف کشانده می شوند فراوانند، یکی از غایات متولیان رسانه های جمعی باید این باشد که «مدیریت زمان» را به اینان بیاموزند تا در هر شکل از این شرایط بحرانی، آماده باشند و با کمترین استرسی، مشکل پیش رو را حل کنند. می بایست برای شرایط ویژه افراد جامعه برنامه ریزی کرد. برای مثال، باید در ایام کنکور برای افرادی که قرار است کنکور بدهند، برنامه ریزی کرد، با دادن راهکار های مناسب از طریق رسانه در مدیریت اوقات به آنها کمک کرد.

اینجاست که باید از روان شناسان و متخصصان علوم تربیتی کمک گرفت تا اهالی رسانه، ابتدا با راه های تسلط بر شرایط استثنایی، دلهره آفرین و اضطراری آشنا شوند. سپس این نکات را در قالب های هنری مختلف به جامعه عرضه و فرهنگ سازی کنند.

دوم ـ همت و کار مضاعف، محصول اراده و اختیار است. در این قسمت و برای این افراد باید درباره شیوه های تقویت انگیزه ها، آموزش به کارگیری استعدادها، شیوه تربیت برای شکوفایی خلاقیت ها دست به پژوهش زد. تا نخبگان رسانه ندانند چگونه افراد را می توان سر شوق آورد، چگونه می توانند تولید رسانه ای و هنری داشته باشند؟ در این قسمت، مراکز پژوهشی رسانه ای رسالتی سنگین بر عهده دارند. تعریف و اجرای چند پژوهش بنیادی و کاربردی در این راستا ضرورت دارد.

دو ـ اشاره شد که کار و تلاش مضاعف اگر مستظهر به پشتوانه های دینی باشد و در فرهنگ دینی تعریف شده باشد، بسیار تأثیر مثبت و سازنده ای بر

متدینین دارد. در این زمینه باید از کارشناسان و نخبگان دینی استمداد جست تا جنبه تقدس کار را بارزتر بیان کنند. صرف انعکاس دیدگاه های بزرگان دینی در رسانه های جمعی و به ویژه از طریق صدا وسیما در این رابطه مفید است. مفیدتر آن است که متولیان دینی به اهالی رسانه در حد امکان کمک کنند (از ایده دادن تا اجرا) که این پیام ها در قالب های هنری به جامعه عرضه شود. چه خوب است بر روی فیلم نامه هایی که از همت های بلند حکایت دارد، کار شود و سپس در قالب سریال و فیلم به جامعه عرضه گردد تا مردم به صورت ملموس تجارب کسانی را ببینند که با عزم جزم به جاهایی رسیده اند، چون:

همت اگر سلسله جنبان شود

مور تواند که سلیمان شود

سه _ معرفی و نقد فیلم های خوب، کتاب های مناسب، رمان های جذاب درباره افراد با اراده محکم و پرکار نیز می تواند در دستور کار رسانه های جمعی قرار گیرد. (به طور کلی نقد آثار در شبکه های سیمای کشوری و استانی کمتر مورد اقبال است و حال آنکه برنامه هایی با مضامین سطحی فراوانند).

چهار _ یکی از مواردی که صدا و سیما باید بیشتر به آن بپردازد، این است که در برنامه های خود با فضای ناامیدی مقابله کند و آن را به فضایی پر از امید و روشنی تبدیل کند. باید به گونه ای فرهنگ سازی صورت بگیرد که فرد نگوید برای چه باید کار کند؟ همچنین با صداقت، امیدواری ها را تقویت کند. برای این کار، نیاز به دروغ و فریب کاری نیست. لازم است حقیقت به مردم گفته شود تا بدانند در بسیاری از موارد از رقبا به خصوص غرب بسیار عقب هستیم و باید با تلاش و کار مضاعف خود را به سطح بالا برسانیم.

وقتی با آمار غلط، دائم از رسانه های جمعی شنیده می شود که اوضاع

ص :۱۰۴

بسیار بر وفق مراد است و مرتب از دیگران جلوتریم و هیچ مشکلی نداریم، اولاً چرا باید آحاد جامعه به جای اوقات فراغت به کار مضاعف فکر کنند؟ ثانیاً چرا رهبران، مردم را به اهتمام بیشتر می خوانند و در نهایت آنچه خود مردم روزانه تجربه می کنند، این پرسش را ایجاد می کند که پس چرا اوضاعمان این گونه است که از سوزن تا هواپیما و حتی سوخت صنایع را (که مواد اصلی آن در دست ماست) وارد می کنیم؟

صدا و سیما با تهیه گزارش های واقعی و انعکاس آنها از سویی در جامعه مورد اعتماد قرار می گیرد و لازم نیست کسی برای آگاهی از واقعیت های کشور به رسانه های بیگانه روی آورد و از سوی دیگر، متولیان و مجریان را هم به ارائه آمار درست و هم به فعالیت مضاعف برای کاستن از ضعف ها وادار می کند.

پنج _ گردآوری دیدگاه و نظرات نخبگان دانشگاهی و حوزوی درباره روش های بالا بردن همت و رسیدن به کار مضاعف و انتقال آنها به تصمیم گیرندگان خصوصی و دولتی می تواند از برنامه های جدّی رسانه ها در طول سال باشد.

شش _ ازآنجاکه در شرایط غیر جنگی، مدیریت متمرکز و دولتی ضرورتی ندارد (این نکته در اقتصاد ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و تحت عنوان کاستن از اقتصاد دولتی و بسط خصوصی سازی در سال های اخیر مطرح است)، رسانه ها برای به میدان کشاندن نهادهای غیردولتی در عرصه های مختلف در سال همت مضاعف و کار مضاعف باید سعی بلیغ کنند تا دستگاه ها و جریان های به حاشیه رانده، معرفی شوند و هویت یابند و بخشی از خلأ کار و تلاش در این سامان را پوشش دهند. اینان به دلیل منافع خود، بسیار بیشتر از نهادهای دولتی برای فعالیت انگیزه دارند، به شرط آنکه در جامعه ما به رسمیت شناخته شوند و مورد حمایت کلی نظام قرار گیرند.

هفت _ میدان دادن به هنرمندانی که انگیزه های شخصی دارند و واجد

استعداد مناسبند، ولی به دلیل بی توجهی رسانه ها گم نامند. در این زمینه، تحقق ایده های زیر فواید گوناگون دارد:

برگزاری مسابقه هایی در همه رشته های هنری مورد استفاده در صدا و سیما، (برای مثال رشته موسیقی، عناصر مختلف فیلم ـ فیلم نـامه نویسـی، بازیگری، کارگردانی و....ـ ، تئاتر، مجری، دوبله و....)به صورتی که در همه شـهرها و بخش های کشوری هم زمان در محورها و موضوعات مختلف با مدیریت مراکز استانی صدا و سیما برگزار شود.

جوایز برگزیدگان از جمله آن باشد که برنامه های منتخبان اسـتانی در شبکه های استانی و برگزیدگان ملی در سطح کشوری پخش شود.

سبـک اجرای مسـابقه هم به گونه ای باشـد که به صورت مرحله ای، ابتـدا مسابقـات در سـطح بخش هـا و شـهرها اجرا شود و برگزیـدگان شـهر و بخش ها با هم رقابت کننـد. چنان که اشاره شـد، منتخبین در سـطح اسـتانی جـداگانه مورد تجلیل (پخش استانی برنامه) قرار گیرند و در سطح ملی تجلیل جدّی تر شوند.(حداقل پخش برنامه در سطح ملی)

فواید اجرای این طرح را می توان چنین برشمرد:

۱. ازآنجاکه با این اقـدام، افراد مسـتعد و باانگیزه به جای فعالیت در سـطوح محدود به عرصه های فراتر و وسـیع تر برای ایفای نقش فراخوانده می شوند، ظرفیت بروز همت های بلند و تلاش مضاعف را به وضوح خواهند داشت؛

۲. صدا و سـیما با هزینه اندک، از سویی برنامه هایی کیفی و از سوی دیگر برنامه هایی بومی را برای مدت نسبتاً وسیعی فراهم می آورد.(به ویژه اینکه این ایده هر سال قابلیت تکرار را نیز دارد)؛

۳. شناسایی نیروهای نخبه و کیفی و شکستن فضای انحصاری حاکم بر صدا و سیما در برخی عرصه ها؛

(البته شـناسایی و جذب نخبگان نباید در سـطح مسائل و فعالیت های صدا و سیما محدود بماند؛ زیرا اگر ایجاد شتاب بیشتر در میدان های علم و عمل

از فلسفه های نام گذاری سال باشد، این زبدگان و نخبگان جامعه اند که در صورت وجود زمینه مناسب می توانند ره گشای اصلی مشکل باشند. پس رسانه ها در شناسایی و معرفی نخبگان باید سعی بلیغ کنند).

۵. نتیجه گیری

۵. نتیجه گیری

شایسته است حاصل مباحث ارائه شده را به صورت دقیق تری در زیر برشماریم:

۱. همت و کار مضاعف در جامعه ما دو قید اساسی دارد:

اول: جهت گیری تلاش ها باید صلاح و کمال باشد؛ زیرا اگر جهت گیری با غایات الهی و دینی ناسازگار باشد، این گونه همت و تلاش در فرهنگ اسلامی ارزشی ندارد.

دوم: کار مصلحانه بر مبنای بصیرت باشد (تقدم نظر بر عمل). اشاره شد که صرف کار فراوان، کافی نیست، بلکه باید ابتدا با نورافکنی راه را روشن و سپس با سرعت طی طریق کرد.

۲. در اولویت ها به اجمال به اینجا می رسیم که: همت بر کار تقدم دارد و نیز همت مضاعف بر کار مضاعف؛ زیرا تا عزم و اراده نباشد، کار درستی تحقق نمی یابد.

همچنین برنامه و استراتژی بر هر دو مورد یاد شده تقدم دارد؛ زیرا بدون نقشه راه، برای کدام مسیر باید عزم و تلاش کرد؟

۳. سیاست گذاری صرف هم کفایت نمی کند؛ زیرا برنامه ریزی می تواند با دو غایت باشد: برای پسرفت یا پیشرفت.

برنامه ریزی برای پسرفت در دو صورت تحقق می یابد: اول، انگیزه سالم است، ولی انگیخته خطا و آسیب زا باشد. برای نمونه اگر شخصی در حیطه تخصصی دیگر نسخه پیچی کند، این گونه طبابت ها حتی با قصد خیر ممکن است آسیب زا باشد و از قضا سرکنجبین، صفرا بیفزاید.

ص: ۱۰۷

دسته دیگر آنکه ممکن هم هست فرد یا تشکیلاتی با قصد فساد، آسیب و تخریب، برنامه ریزی کند که در آن صورت، انگیزه، فاسد است و اگر نتیجه بدهد، انگیخته غیر سالم خواهد بود.

حاصل آنکه به طور قطع برنامه ریزی باید برای پیشرفت آن هم متکی بر بصیرت، بینش، دانش و تخصص باشد.

۴. ممکن است اشکال شود که اگر رابطه توسعه با همت و کار مضاعف، مثبت و لازم است، پس چرا امروزه در غرب از کار رسمی کاسته می شود و اوقات فراغت را زیاد می کنند؟پاسخ آن است که در آن سامان هم تلاش ها نهادینه شده است و هم صنعت، تکنولوژی و دانش جای آدمیان را در کار یدی گرفته است. (غیر اینکه ممکن است با تدابیری چون کار غیرحضوری، در زمان صرفه جویی کنیم و ضرورتی به حضور کارکنان در محیط کار نباشد).

۵. مجموعه عوامل مؤثر بر اهتمام جدّی و تلاش مضاعف را به دو سطح زیر می توان تقلیل داد: عوامل درونی (انگیزه، استعداد، توان، و....) و عوامل بیرونی (اصل تقویت، پرورش نخبه ، به کار گیری هر کس در جای خود، توجه و محبت و....).

۶. غایت اصلی عزم جدّی و تلاش موسع باید حفظ هویت آدمی و بسط کرامت و شرافت بشری باشد. با ملاحظه چنین مقصودی، در مرحله بعد باید تمامی عوامل روزمرگی، دل مردگی، درجازدن، یأس و خستگی از کار و تلاش، شناسایی و با آنها مقابله شود.

۷. رسانه های جمعی هم می توانند به صورت مستقیم و شفاف برای مخاطبان به ویژه مخاطبان خاص درباره اهمیت و ضرورت همت و کار مضاعف (با مصاحبه، میزگرد، کنفرانس، پخش برنامه، همایش و....) برنامه تهیه کنند. کارهای وسیع تر و سرمایه گذاری اصلی باید برای مخاطبان عمومی درباره وجه تسمیه سال، انتقال پیام به صورت غیرمستقیم و شفاف و در

قالب های هنری (فیلم، سریال، تئاتر، موسیقی و... .) باشد.

همچنین چون ماهیت موضوع نام گذاری سال، «بین رشته ای» است، باید کارشناسان رشته های مختلف در کنار هم، با برگزاری گفت وگوهای مشترک به اندیشه واحدی برسند. سپس محصول کار در اختیار سیاست گذاران صدا و سیما و سایر رسانه ها قرار گیرد تا جنبه های گوناگون هر بحث (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و....) مغفول نماند. آنگاه می توان برنامه های مستقیم و غیر مستقیم درباره عزم جدّی و تلاش موفق ساخت.

منابع

منابع

 قرآن مجید

اصول کافی

بحار الانوار

نهج البلاغه

انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.

بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.

سلیمانی، قاسم، شهید کاظمی و نقش او در جنگ، یادمان شهید احمد کاظمی، تهران، انتشارات شکیب، ۱۳۸۵.

سیف زاده، حسین، نظریه پردازی در روابط بین الملل: مبانی و قالب های

فکری، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۱.

مارش، دیوید و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.

________________، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.

منصورنژاد، محمد، تربیت دینی: آسیب ها، دلالت ها و روش ها، تهران انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۹.

________________، نقش مبانی اعتقادی در توسعه دانش: بازخوانی نظریه ماکس وبر در اخلاق پروتستان، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۵.

________________، نیچه، فرانکل و نگاه اسلامی درباره هدف و معنای زندگی، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۶.

مورهدج و ر. گریفین، رفتار سازمانی، ترجمه: سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۴.

وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

http://www.jobportal.ir/S۱/Default.aspx?ID=۹-۲-۹۳۴-۳-۷۹

ص :۱۱۰

درآمدی بر سرفصل های همت و کار مضاعف در آینه شعر فارسی

اشاره

درآمدی بر سرفصل های همت و کار مضاعف در آینه شعر فارسی

ایوب هاشمی(۱)

چکیده

چکیده

هزار و انـدی سـال از عمر شـعر ایرانی گذشـته است و امروز قلم هـا از مجرای شـعر و ادبیـات، هم چنـان در خـدمت به تصویر کشـیدن انسانیتنـد؛ چنـان که در پیروزی انقلاب و در دوره جنـگ تحمیلی و در عرصه مبـارزه بـا بیـدادگران، همـواره خـوش درخشیده است. عرصه شعر و ادب، عرصه پرواز سیمرغ وشانی است که در وادی انسانیت بال و پر شکسته اند تا آینه دار جلوه های روشن ایمان و معرفت باشند.

موضوع همت مضاعف و کار نیز از مضـمون های پردازش شـده چامه های بلنـد شاعران ایرانی از پدر شـعر فارسـی رودکی تا شهریار و... بوده است.

در چشم انداز ادب پارسی، منظره شکوهمند همت و کار، از زیبایی و جذابیت ویژه ای برخوردار است. کمتر شاعری است که این مسئله را به تصویر نکشیده و واژه ها و ویژگی های آن را به گونه ای بسزا توصیف نکرده باشد.

پس از سیری مختصر در بوستان شعر کهن و دیوان شاعران پارسی گوی، همت و کار را موضوعی یافتیم چون دریا گسترده و ژرف که این همه، از

ص: ۱۱۱

۱- دکترای عرفان اسلامی، شاعر و پژوهشگر.

اهتمام فراوان شاعران بزرگ این مرز و بوم به موضوع همت و کار خبر می دهد.

در این سیاحت، گوهرهایی درخشان در حد گنجایش دو دست و شمارش انگشتان از دل دریای ادب فارسی به دست آوردیم که سخاوتمندانه تقدیم می داریم.

۱. طرح مسئله

اشاره

۱. طرح مسئله

ادبیات در هر سرزمینی ـ با در نظر گرفتن اقلیم و بافت اجتماعی و ساختاری هر جامعه ای ـ بی تردید به عنوان آیینه افکار، باورها و گرایش های آن قوم و زبان گویای هنر و اندیشه آن سرزمین است و بستری است برای مانایی گونه ای از دغدغه های بشر که شایستگی ماندگاری و حضور دائم اجتماعی است. از میان گونه های رایج ادبیات، زبان شعر، صریح ترین، خوش لهجه ترین و خوش آهنگ ترین و در بسیاری از موارد ماندگارترین حضور ادبی را در جان و ذهن مردم هر کشوری دارا می باشد. حضور شعر در بافت ذهنی مردم, نشانه بارزی ست از حضور مداوم و بی واسطه ادبیات ـ حال چه به صورت شفاهی و چه مکتوب ـ در درون مایه ها و ساختار زندگی فردی ـ اجتماعی افراد یک عصر و جامعه. همین که گذشتگان، بسیاری از حوادث را به صورت شعر در می آوردند یا تاریخ را منظوم می ساختند یا بسیاری از بزرگان و عرفا و حتی مردم عادی کوچه و بازار، شعر را چاشنی کلام خویش می ساختند, خود بهترین دلیل این مدعاست. از این رهگذر پهنه ادب فارسی, در زمینه ستایش همت و کار، لب ریز از گهرهای ماندگار و اشعار نغز و جاودانه است. کدام شاعر متعهد و وفادار و حق شناسی است که دم از مسلمانی بزند و در مسائل مورد نیاز طبع آزمایی نکند؟!

باید به این موضوع توجه داشت که ساحت ادبیات و به ویژه شعر، یک الگوی مشخص و فراملیتی دارد که هر ملتی با در نظر گرفتن ظرف بومی

خود، با استفاده از واژه های زبانی خویش و قوه زیبایی شناسی و تخیل برخاسته از درون مایه های سنتی، عرفی و اجتماعی و جهان شناسی خاص خود، این الگو را ملی و بومی می سازد و درونی می کند.

نقش والای شعر و ادب در ترویج فرهنگ و دین و اخلاق، انکارناپذیر است. ادبیات، همواره به عنوان زبان روح و آینه عاطفه و عشق، در گونه های فراوان تأثیرگذارترین ابزار انتقال و القای سنت ها و مفاهیم بلند بشری، نقش آفرینی کرده است.

در اشعار سخنوران ارجمند و نامدار ادب پارسی، کار، عنصر رهایی جوامع از پلیدی ها و مذلت ها و عامل ارتقا و توسعه معرفی شده و از کار و کارگران و کار مضاعف و همت مضاعف بسیار یاد شده است. در واقع گفتنی ها دراین باره بسیار فراوان است؛ تا جایی که می توان به آثار بسیاری در ادبیات کارگری که شاخه ای از ادبیات اجتماعی ایران و جهان است اشاره داشت و جا دارد که این آثار، مورد توجه و تعمق افزون تری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کار، همت، مضاعف، فرهنگ، هنجار، ارزش.

چرا ملتی در مسیر توسعه قرار می گیرد؟ مسلماً در پاسخ، به یک عامل منحصر به فرد نمی توان اشاره کرد. ولی اگر سؤال، مهم ترین و اساسی ترین عامل توسعه یک کشور را جست وجو کند، بدون شک پاسخ، فرهنگ آن ملت می باشد.

از میان تئوری ها و مدل های مختلفی که فرهنگ جوامع را در قالب دسته بندی های مشخصی تعریف می کند، می توان به یکی از معتبرترین آنها که سال های سال در اندازه گیری و تشخیص ویژگی های فرهنگی جوامع مورد استفاده قرار گرفته، یعنی مدل مک کلاند(۱) اشاره داشت. در این مدل، رفتار افراد و جوامع تحت تأثیر سه نیاز اساسی به شرح زیر شکل می گیرد:

۱- David Mac clelland.

الف) نیاز به سازندگی

الف) نیاز به سازندگی

افراد یا جوامعی که در آنها «نیاز به سازنـدگی» قوی باشد، افرادی تلاشـگر و اهل چالشـند. آنها از قبول مسـئولیت اسـتقبال می کننـد و مشـتاق تعقیب اهـداف دوردست ولی بـاارزش و بامعنـا هسـتند. از رقـابت نمی گریزنـد و قـابلیت بالایی در برخورد با مشـکلات و حل آنها دارند. برای توسعه خود و اصلاح کارشان نقدپذیرند و احساس همکاری و تشریک مساعی در این افراد یا جوامع بسیار قوی است.

ب) نیاز به قدرت

ب) نیاز به قدرت

افراد یـا جوامعی که در آنهـا نیـاز به قـدرت قوی است، تمایل و آمادگی برای کسب قـدرت و پرستیژ در آنها قوی است. آنها علاقه منـد به کنترل اوضـاع و افراد می باشـند، تمایـل شدیـدی به حـاکم سـازی ایـده ها و نقطه نظرات خود دارنـد و بر رفتار دیگران و اتفاقـات، تأثیرگـذار می باشـند. این افراد در مقابـل موانعِ بر سـر راه و عواملِ شـکست، دچار استرس و واکنش های عصبی، مانند بالا رفتن فشار خون می شوند.

ج) نیاز به همبستگی

ج) نیاز به همبستگی

افراد یـا جوامعی که در آنهـا نیاز به همبسـتگی قوی است، تمایل زیادی به ایجاد معاشـرت، تعامل و ارتباط دوسـتانه با دیگران دارنـد. این افراد، خوش معاشـرت هسـتند، به راحتی ارتباط برقرار می کننـد و در ابراز احساسات خود راحت تر از دیگران می باشـند. در جوامعِ هم بسـته، گرایش به برقراری رابطه، مقبول تر از تن دادن به اجرای ضوابط می باشـد. در این جوامع دل ها با یکدیگر بهتر از مغزها مفاهمه می کنند.

میزان این نیازهـا در افراد مختلف، متفـاوت است و بـا غلبه هر نیـاز در هر فرد، رفتـار وی تحت تأثیر آن نیاز قرار می گیرد. این نیازها در یک فرآیند

ص: ۱۱۴

تربیتی درازمدت در انسان ها شکل می گیرند و منابع فرهنگی مانند تاریخ، ادبیات و هنر، نقشی بسیار مؤثر و تعیین کننده در نوع این نیازها ایفا می کنند و نظام های آموزشی مانند آموزش و پرورش، رسانه های جمعی _ به ویژه صدا و سیما _ و نظام تربیتی افراد در خانواده که انتخاب گر و به کارگیرنده این منابع می باشند، در جای خود بسیار مهم هستند. مک کلاند معتقد است که نقش منابع فرهنگی آن چنان مهم است که می توان با بررسی آنها، آینده الگوی فرهنگی جامعه را پیش بینی کرد. برای مثال، مرکز تحقیقات و مشاوره مک کلاند با بررسی متون آموزشی دوران دبستان و دبیرستان در کشورها، الگوی فرهنگی حاکم در حال یا آینده را پیش بینی می کند.

ادبیات و در این میان «شعر» یکی از منابع قوی در ایجاد فرهنگ سازندگی است. ملتی که فرزندانش ابیات سازنده و حاوی صفات مثبت رفتاری مانند شهامت، صداقت و قبول مسئولیت را زمزمه می کنند و آموزه های چنین ادبیاتی را بر گوش جان می آویزند، ملتی باانگیزه، توان مند و سازنده خواهند شد. بنابراین نقش شعر در ساختن «فرهنگ سازندگی» نقشی اساسی و غیرقابل انکار می باشد و از این لحاظ، اشعار با یکدیگر متمایز می شوند.

ملت ها، فرهنگ ملی را می سازند و فرهنگ ملی نیز آنها را. این تعامل پویا و لحظه به لحظه، سرنوشت ملت ها را در درازمدت رقم می زند. ازاین رو، فرهنگ به عنوان باارزش ترین سرمایه ملی، نیاز به مراقبت و رسیدگی دارد. اگر شما فرهنگ را هدایت کنید فرهنگ شما را هدایت خواهد کرد. فرهنگ از نوع خودروی آن، جامعه خودرو می سازد. اگر ملتی نیاز به سازندگی دارد، باید فرهنگ خود را به سمت سازندگی هدایت کند. در زمانه تغییرات پی درپی که زندگی بشر را در تمامی ابعاد آن در بر گرفته، نیاز به انسان هایی

ص :۱۱۵

است که خود را باور داشته و با تلاش و عزم راسخ، به توسعه کیفیت زندگی خود بپردازند. همان طور که سازمان های ما نیاز به رهبرانی دارد که قالب شکنی کنند، کهنه ها را فروریزند و بنای نو به پا کنند؛ فرهنگ ما نیز نیاز به جوهره سازندگی دارد تا جامعه ای تلاشگر، خردگرا و طالب تعالی بسازد.

۲. فرهنگ

۲. فرهنگ

مجموع ویژگی های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه را می توان فرهنگ آن دانست. عنصر تعیین کننده در این تعریف، «اکتساب» است که از یک سو فرهنگ را از پدیده ها و رفتارهایی که نتیجه وراثت و زیست شناختی است، متمایز می سازد، و از سوی دیگر موجب می شود که همه بخش های زندگی که توسط انسان ها به وجود آمده است را در برگیرد.

پس از تبیین اجمالی این مفاهیم، به طور طبیعی باید به گونه ای کار کرد که در زندگی اجتماعی انسان ها عنصر کار، به طور عام، تبدیل به فرهنگ شود و در نتیجه فرهنگ کار در جامعه، از یک طرف زمینه اجتماعی تلاش، پشتکار، خستگی ناپذیری را و از طرف دیگر دقت، ابتکار، خلاقیت، نظم کاری، بهره وری و کار مضاعف و همت مضاعف را فراهم نماید.

«هنجار»(۱) و «ارزش» دو عنصر اساسی فرهنگ، به حساب می آیند. اکنون نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که چگونه می توان پدیده رفتاری، همانند کار مفید و سازنده را در سطح جامعه تبدیل به «ارزش» و «هنجار» نمود، تا اینکه وارد قلمرو فرهنگ جامعه شود.

۱- هنجار واژه ای است که برای کلمه نرم norm به کار برده می شود. این واژه در زبان لاتین و یونانی به معنای «مقیاس» است. با این مفهوم که هر جزئی که بخواهد در یک شبکه کلی تر قرار گیرد باید با آن شبکه «جور» و مقیاسش با آن متناسب باشد. هنجارها در زندگی اجتماعی دارای مشخصه هایی هستند. هنجارها، مقیاس و قاعده هایی هستند برای رفتار و تنظیم روابط که اکثریت از آنها پیروی می کنند و عدم پیروی از آنها مجازات دارد.

۳. هنجارآفرینی

۳. هنجارآفرینی

برای تبدیل یک پدیده رفتاری به «هنجار» باید بین آورنده هنجار و مخاطبان و اعضای جامعه و پدیده مورد نظر، رابطه مثبت وجود داشته باشد. فردی که هنجار را می آورد، باید اعضای جامعه، او را پذیرفته باشند، آنچه که به عنوان هنجار در پیام خود دارد، باید مورد نیاز جامعه باشد تا اینکه از آن استقبال شود. با فرض، مورد قبول بودن هنجارآور در دید اعضای جامعه و مورد نیاز بودن پدیده رفتاری مورد نظر این پدیده رفتاری به سرعت تبدیل به هنجار می شود.

بر این اساس، اگر آموزه های شاعران که الهام گرفته از مکتب زنده و پویای اسلامی است در مورد کار و تلاش، مفید و منظم به جامعه رسانده شود، بی تردید جامعه به طور طبیعی آن را به عنوان «هنجار و ارزش» می پذیرد. چون هنجارآوری، مانند آنها که از نظر جامعه مورد قبول در تمام ابعاد حیات فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی است، آموزه های آنها را مقیاس رفتاری خود قرار خواهد داد، به شرط این که، شفاف و بی پیرایه به مخاطبان و اعضای جامعه هماهنگ با نیاز زمان ابلاغ گردد .

۴. مفهوم سازی فرهنگی ادبیات فارسی

۴. مفهوم سازی فرهنگی ادبیات فارسی

واقعیت آن است که ادبیات فارسی، به ویژه شعر، همانند سایر عناصر فرهنگی اش سرشار از مضامین ظریف و نغزی است که دل زیبایی گرای هر خواننده ای را شیفته خود می سازد. این اشعار، رها از هرگونه قید و بند نژادپرستانه با مضامینی بشردوستانه مانند:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

حافظ

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

سعدی

ص :۱۱۷

توان بسیاری برای جذب انسان جویای حقیقت در هر عصری را دارد.

فرهنگ ایرانی به سبب تاریخ کهن و ویژگی های پربار و غنی ادبی و موقعیت خاص جغرافیایی، سیاسی و مذهبی، دارای توان بالقوه فراوانی برای فرهنگ سازی می باشد.

۵. سیمای کار و همت مضاعف در آیینه شعر فارسی

اشاره

۵. سیمای کار و همت مضاعف در آیینه شعر فارسی

هر ساله مقام معظم رهبری در آغاز سال نو، در پیام نوروزی، نقشه ای جامع برای پیشبرد اهداف عالیه کشور ترسیم می کنند؛ تا مردم و مسئولین، این نقشه را سرلوحه خویش قرار داده و بدین وسیله، زمینه رشد، پیشرفت، شکوفایی و عدالت کشور را فراهم آورند.

با توجه به اینکه پیام های ایشان همچون سایر رهنمودهایشان موجز، جامع، کامل و به ساده ترین شکل بیان می شود، در چنین شرایطی انتظار می رود، این رهنمود ایشان بدون اتلاف وقت و با تلاش مضاعف و همت مضاعف، شکل اجرایی به خود بگیرد. پیام رهبر معظم انقلاب مبنی بر «همت مضاعف و کار مضاعف» مکمل رهنمودهای ایشان در سال های قبل است.

باید این رهنمود را در کنار رهنمودهای سال های ایشان قرار داد و برای توسعه کشور در تمامی زمینه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... تلاش کرد. مسئولان و کارگزاران باید تمامی این شعارها و نام گذاری ها را مورد توجه قرار دهند و با کاربردی کردن آنها، برنامه های خود را به پیش ببرند.

اما از نظر شعر فارسی، شاخصه های تحقق فرهنگ همت و کار مضاعف به قرار زیر است:

امیرخسرو دهلوی می گوید:

خسرو اگر دین طلبی کار کن

طاعت یزدان کن و بسیار کن

کار چنان کن که به هنگام کار

از در یزدان نشوی شرمسار

ص: ۱۱۸

الف) توجه به عزت آفرینی کار

الف) توجه به عزت آفرینی کار

تیغ کوه همتم، دامن ز صحرا می کشم

می روم تا اوج استغنا، دگر وا می کشم

صائب تبریزی

کار و تلاش سازنده برای اصلاح و ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ چنانچه در راستای تعالی ارزش ها و عزت فردی و اجتماعی، کار و تلاش و خلاقیت و نوآوری، عرصه نمایش عزت و قدرت یک جامعه است. ازاین رو، اسلام اجازه نمی دهد انسان در صورت امکان حتی در سخت ترین شرایط، از کار و تلاش و سازندگی دست بردارد و در نتیجه عزت و آبروی خود را زیر سؤال ببرد.

کسی که به این ویژگی انسانی و معنوی آراسته شود، از سویی به راستی تجسم اخلاص و پاکی، حق گرایی و حق پذیری، فروتنی و بردباری، صلح جویی و مدارا در ابعاد گوناگون زندگی می شود و در همان حال خود را فراتر از برده منشی و دنباله روی، فراتر از بافتن و شنیدن چاپلوسی ها و ستایش های چندش آور و لقب های پوشالی و پرطمطراق، فراتر از فرمان برداری های چاکرمنشانه و اهانت آمیز می خواهد.

به مرحله ای اوج می گیرد و خود را عزیز می دارد که نه در برابر زر و زور، نفوذ می پذیرد و نه در برابر نیرنگ و فریب؛ نه بیداد و ناروا را تحمل و نه آن را به دیگران تحمیل می کند و نه می تواند نظاره گر اسارت مردمی در چنگال این آفت های عزّت کش و ذلّت بار باشد و دم فرو بندد.

صائب تبریزی می گوید:

با کمال احتیاج از خلق، استغنا خوش است

با دهان خشکک، مردن بر لب دریا خوش است

آورده اند که شیخ الرئیس ابوعلی سینا روزی با کوبه وزارت می گذشت.

ص: ۱۱۹

کناسی را دیده که به کار متعفن خویش مشغول است و این شعر به آواز بلند می خواند:

گرامی داشتم ای نفس از آنت

که آسان بگذرد بر دل جهانت

ابوعلی سینا تبسمی نمود و به او فرمود: حقا خوب نفس خود را گرامی داشته ای که به چنین شغل پست (در آوردن خاک و نجاسات از چاه) مبتلا هستی! کناس از کار دست کشید و رو به ابوعلی سینا کرد و گفت: نان از شغل خسیس (کار پست) می خورم تا بار منت شیخ الرئیس نکشم (۱۴۰).(۱)

اگر در جهان بایدت برتری

نباید که خود پست و دون بشمری

چو خود خویشتن پست بینی و خوار

دگر از کس امید عزت مدار

بلندی ندید آن که خود پست شد

کجا نیستی مایه هست شد

حافظ اشاره می کند فقط و فقط باید از قاضی الحاجات استمداد بطلبیم:

حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز

حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

ب) کار به عنوان وسیله ارتباط

ب) کار به عنوان وسیله ارتباط

اشتغال به کار، افراد را در زندگی، تحت یک برنامه منظم و منسجم قرار داده و آنان را در روابط اجتماعی و معاشرت با دیگران یاری می نماید.

اوحدی مراغه ای گوید:

به گوشه نظری کار خستگان فراق

بساز، از آن که تو را نیز کارها باشد

ج) اهتمام به بهره وری

ج) اهتمام به بهره وری

در تاریخ ادبیات فارسی به بهره وری اشاره های زیادی شده است؛ برای مثال: شیخ بهایی در مثنوی «نان و پنیر» بیتی دارد که می فرماید:

۱- نمونه معارف، ۱/۱۶۲، نامه دانشوران.

پس ز هر نفسی فروغی ممکن است

چون به فعل آید، توانی گفت هست

سعی می کن تا به فعل آید تمام

ورنه خواهی بود ناقص، والسلام

سعی و تحصیل است و فکر اعتبار

ترک شغلی کان تو را نبود به کار

ناصر خسرو نیز معتقد است کسانی که با علم و دانایی قدم در راه می گذارند و با استفاده از دانش و تکنیک کشت می کنند:

زعلم بهره ما گندم است و بهر تو کاه

گمان مبر که چو تو ما، ستور وخواریم

قرآن مجید در این باره می فرماید: «اَلّذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحیاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ خداوند، مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک کاری بهتر می کنید». (ملک: ۲)

از امام صادق علیه السلام درباره آیه مزبور، روایت شده است: «لَیْسَ یَعْنِی أَکْثَر عَمَلاً ـ وَ لکْنِ أصْوَبکُمْ عَمَلًا؛ مقصود، عمل بیشتر نیست، بلکه عمل بهتر است».(۱)

د) اتقان و کیفیت مداری در کار

د) اتقان و کیفیت مداری در کار

همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إنَّ اللّهَ تَعالی یُحِبُّ مِنَ العامِلِ إذا عَمِلَ اَنْ یَحْسِنَ؛ خداوند، دوست دارد که هر کارگزاری که کار می کند، نیکو کار کند».(۲)

در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که چون سعد بن معاذ درگذشت و پیکرش را به لب قبر آوردند، آن حضرت به درون قبر رفت و پیوسته می گفت: «سنگ بدهید، گِل بدهید» تا اینکه درز خشت ها را پر کرد و قبر را هموار ساخت. چنین می نماید که پیامبر، آن قدر قبر را خوب درست کرد که اصحاب در شگفت شدند که چرا این همه محکم کاری در ساختن یک قبر! پس آن حضرت فرمود:

۱- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳.

۲- سیوطی، الجامع الصغیر، تحقیق: عبدالله محمد درویش، ج ۱، ص ۲۲۱.

اِنّی لَأَعْلَمُ اَنَّهُ سَیبلی و یَصِلُ اِلَیْهِ الْبَلی وَ لکِنَّ اللّه یُحِبُّ عَبْداً اِذا عَمِلَ عَمَلاً اَحْکَمَه؛

می دانم که به زودی فرسوده می شود و می پوسد؛ اما خداونـد، بنده ای را دوست دارد که چون کاری انجام می دهد، آن را درست (استوار) انجام دهد.(۱)

ه_) تخصص در کار

ه_) تخصص در کار

همچنین امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرموده است: «قِیْمَهُ کُلَّ اَمْرِیءٍ ما یُحْسِنُهُ؛ ارزش هر کس به چیزی (کاری و هنری) است که آن را نیکو می داند (انجام می دهد)».(۲)

منظور، این است که ارزش هر کس به کـار و هنری است که آن را نیکـو می دانـد و نیکـو انجـام می دهـد. مقصـود، دانسـتن نیست؛ بلکه نیکو دانسـتن و نیکو انجام دادن است. به دیگر سـخن، در حدیث مزبور، ارزش هر کس به تخصـص وی و به کار بستن تخصصش دانسته شده است.

حدیثی دیگر از امیرمؤمنان، علی علیه السلام روایت شده که در واقع، مقدمه یا جمله پیشین حدیث مزبور است: «اَلنّاسُ اَبْناءُ ما یُحْسِنُونَ؛ مردم، فرزند چیزی هستند که آن را نیکو می دانند (انجام می دهند)».(۳)

مقصود امیرالمؤمنین این است که کیستی هر کس را نه نسبتش، که تخصصـش معلوم می کنـد. مهم نیست که هر کس فرزند کیسـت؛ مهـم ایـن است که خـودش چیست. ارزش انسـان نه به گـوهرش، که به هنرش است. به گفته نظـامی، در نصیحت به فرزندش:

چون شیر، به خود، سپه شکن باش

فرزند خصال خویشتن باش

۱- شـیخ حُرّ عـاملی، وسائل الشیعه، ج۳، ص۲۳۰. در همیـن منبـع (ص۲۲۹)، رفتـار مشـابهی از پیـامبر، مربوط به هنگـام دفن فرزندش ابراهیم، نقل شده است.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۱.

۳- ابن شُعبه حَرّانی، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفّاری، ص۲۰۸.

یک کار را خوب انجام دادن، بهتر است از صد کار را خوب انجام ندادن. کاری خُرد را خوب انجام دادن، بهتر است از کار بزرگی را خوب انجام ندادن. نظامی، در ادامه همان نصیحت به فرزندش، می گوید:

می کوش به هر ورق که خوانی

تا معنی آن تمام دانی

پالان گری به غایت خود

بهتر ز کلاه دوزی بد

جامی می گوید:

هر عمل دارد به علمی احتیاج

کوشش از دانش همی گردد رواج

و) بهترین کار

و) بهترین کار

بنگر که بهین کار چیست آن کن

تا شهره بباشی به دین و دنیا

از این مطالب نتیجه می توان گرفت که کار نیک کردن، چیزی است و نیک کار کردن، چیزی دیگر! در ادبیات، هم به آن و هم به این، سفارش شده است؛ اما در میان مسلمانان، معمولاً از نیک کار کردن، غفلت شده است؛ هم غفلت در نظر و هم [در عمل].

رعدی آذرخشی معتقد است که کاری گزیده باید کرد:

کاری گزیده باید کردن از آنکه کار

گر ناگزیده باشد، نا کرده نیک تر

بی شور عشق گیتی نسپرده نیک تر

گنجی چو نیست رنجی نابرده نیک تر

ز) هدفدار بودن درکار

ز) هدفدار بودن درکار

انسان مسلمان می تواند به تمام کارهای خود رنگ خدایی بزند و همیشه و در همه حال در حال عبادت و بندگی باشد. این در صورتی است که دنیا را وسیله قرار دهد و به عنوان وسیله به آن نگاه کند، تا به وسیله آن به هدف اصلی خود که همان بندگی خداست، برسد و بنده کامل خدا و انسان واقعی شود. برای همین است که نام و یاد خداوند متعال بر تارک دیوان شعرا می درخشد:

ص :۱۲۳

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند بخشنده دستگیر

کریم خطابخشِ پوزش پذیر

سعدی

به نام خداوند جان و خِرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

فردوسی

به نام آن که جان را فکرت آموخت

چراغ دل به نور جان برافروخت

به نام آن که دل کاشانه اوست

چراغ هر کسی در خانه اوست

به نام آن که گُل را رنگ و بو داد

ز شبنم، لاله ها را آبرو داد

به نام خدا غنچه ای باز شد

نگاه قشنگش پُر از راز شد

شبستری

در قرآن هم هـدف از خلقت چنین بیان شده است: «من جن و انس را نیافریدم مگر آنکه بندگی مرا کنند» (ذاریات:۵۶)؛ یعنی همیشه در حال بندگی باشند و این کار، همیشگی است و در همه حال و همه جا می توان در حال بندگی خدا بود.

ابوسعید ابوالخیر می گوید:

خواهی که خدا کار نکو با تو کند

ارواح ملایک همه رو با تو کند

یا هرچه رضای او در آن است بکن

یا راضی شو هر آنچه او با تو کند

انسان اگر در انـدیشه بندگی خدا باشد و هدف اصـلی او انسان کامل و بنده واقعی شدن باشد، می تواند تمام کارهای خود را برای خدا و در راه رسیدن به بندگی قرار دهد.

ح) کار به عنوان یک تکلیف

ح) کار به عنوان یک تکلیف

شعر اسلامی و دینی، به طور کلی، برای همه تلاش های انسان، یک جهت کلی تعیین نموده است و آن، اینکه انجام آنها، اگر چه مربوط به زندگی مادی

ص: ۱۲۴

و دنیوی انسان ها باشد، لازم است در مسیر الهی باشد تا از پاداش اُخروی نیز برخوردار گردد.

بنابراین، در یک ادبیات پاک که بر اساس آموزه های نبوی بنا نهاده شده است، اهداف نهایی فعالیت ها را الهی می داند. اگر فعالیتی بر این اساس صورت گیرد، دیگر رفاه و آسایش فردی به تنهایی مورد نظر قرار نمی گیرد، بلکه آسایش و رفاه شخص وقتی مطلوب است که آسایش و رفاه دیگران را نیز در پی داشته باشد.

به کام دل رسان دلداده ای را

برآور کار کارافتاده ای را

چو کار افتد، نه کار از بهر نان کن

غزا را باش و آشام سنان کن

اگر انسان در همین کارهای تجاری و مبادلات هم توجه به هدف و شرایط آن داشته باشد، می تواند همه آنها را به عنوان اطاعت الهی انجام دهد و خود را به هدف برساند.

بنابراین از منظر شعرا و نقش انگیزه های مقدس در هر کار و فعالیت یک مسلمان می تواند نوعی ارتباط با آفریدگار جهان محسوب شده و افزون بر ارزش اقتصادی و دنیوی، از پاداش های معنوی نیز در جهان آخرت برخوردار باشد.

آری! کار برای خدا، نقش مهمی در شکل دادن به رفتار اقتصادی انسان دارد. به علاوه این انگیزه می تواند قوای جسمی و روحی وی را در فعالیت ها چند برابر کند؛ به خاطر هدف والای وی، کار او نیز مقدس خواهد شد.

تا در طلب گوهر کانی، کانی

ور در پی عمر جاودانی، جانی

من فاش کنم حقیقت مطلب را

هر چیز که در جستن آنی، آنی

مولوی

ط) توکل به خدا به همراه کار

ط) توکل به خدا به همراه کار

اگرچه خداوند درخواست ها را از طریق اسباب و علل برآورده می کند، ولی همین اسباب و علل، تنها واسطه در رسیدن به

اهداف هستند و آفریده دست

او؛ خداست که سببیّت را به اسباب داده؛ لذا هیچ کس در عین کار و تلاش بی نیاز از دعا و توکل نیست.

حافظ که شعر او مجموعه ای از لطایف حکمی با نکات قرآنی است، این مفهوم را به زیبایی پرورش داده است:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

امیرخسرودهلوی می گوید:

چون به توکل شدم اندیشه سنج

سینه خاکیم برون داد گنج

اوحدی مراغه ای می گوید:

گر نهان می روی به راه، ار فاش

چون توکل به اوست خوش می باش

چون توکل کنی مگو از غیر

رخ در او کن بتاب رو از غیر

ز تفرق مباش سرگردان

به توکل بناز چون مردان

خاقانی شروانی نیز گفته:

کلید توکل ز دل جویم ازیرا

به از دل، توکل سرایی نبینم

سعدی نیز اشاره می کند:

که گرچه مرغ، توکل کند به آب و دانه

به دست خود ز برای خود آشیانه کند

شیخ محمود شبستری نیز می گوید:

نماند قدرت جزویش در کل

خلیل آسا شود صاحب توکل

مولانا، این شاعر عارف شوریده بر این اعتقاد است که در هر کاری باید به حق توکل کند و رضای او را مد نظر قرار دهد، چه آنکه اگر برای رضای نفس باشد ارزشی نخواهد داشت و به سامان نخواهد رسید:

هر چه کاری از برای او بکار

چون اسیر دوستی ای دوست دار

گرد نفس دزد و کار او مـپیچ

هرچه آن نه کار حق هیچ ست هیچ

ص :۱۲۶

در دفتر اول در حکایت (بیان توکل و ترک جهد گفتن نخجیران بشیر) بحث مهم توکل را در قالب کلمات با زبان فاخر خویش بیان می دارد و در ابیاتی می فرماید:

گفت آری گر توکل رهبرست

این سبب هم سنت پیغمبرست

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر ببند

رمز الکاسب حبیب الله شنو

از توکل در سبب کاهل م_شو

مولوی

آری، توکل یکی از مفاهیم بسیار مهم دین مبین اسلام است و هر فرد مسلمان باید متوکل باشد و این دلیل نمی شود که در کسب و کار و تلاش کاهلی کند.

در باب توکل و رضا، ابوسعید ابوالخیر نیز به این امر معتقد است که اگر می خواهی در امری موفق شوی باید که متوکل باشی و خود را و نیات و افکارت را کاملاً در اختیار حق قرار دهی:

خواهی که خدا کار نکو با تو کند

ارواح ملایک همه رو با تو کند

یا هر چه رضای او در آن است بکن

یا راضی شو هر آنچه او با تو کند

صائب تبریزی نیز دراین باره می سراید:

تا داده ام عنان توکل ز دست خویش

کارم همیشه در گره از استخاره هاست

ی) همت در کارها _ بلند همتی

ی) همت در کارها ـ بلند همتی

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

اصولاً معیار ارزش انسان به اراده اوست و به مقتضای همت انسان. ارج و قـدر هر کسـی به قـدر همت اوست که عالی باشد یا دانی، بلند همت باشد یا دون همت.

تو و طوبی و ما و قامت یار

فکر هر کس به قدر همت اوست

حافظ

ص :۱۲۷

انسان به هر کاری همت گمارد و اراده کند، می تواند آن را انجام دهد. خواستن، اراده کردن است و اراده کردن، تصمیم گرفتن. شاعر نیز چنین می سراید:

همت اگر سلسله جنبان شود

مور تواند که سلیمان شود

عطار

همت و اراده در انجام کارها را می توان به عنوان موتور محرک انسان دانست.

هر که را یک ذره همت داد دست

کرد او خورشید را ز آن ذره پست

عطار

حضرت امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «هرگز بدنی از انجام آنچه که اراده کرده و همت گماشته، ضعیف نخواهد شد».(۱)

قرآن، اصلی را تعلیم می دهد که در همه امور باید مورد توجه و قابل تعمیم باشد. می فرماید: «لَیْسَ لِلْانسانِ اِلاّ ما سَعی؛ سعادت هر کس در گرو عمل اوست». (نجم: ۳۹)

و مولوی گفت:

قدر همت باشد آن جهد دعا

لیس للانسان الا ما سعی

یکی از نشانه های عزم و اراده و تصمیم جدی، پایداری و مقاومت است. بیشتر نوابغ و اندیشمندان، بیش از آنکه متکی به قدرت نبوغ خویش باشند، از همت و استقامت و بردباری بهره برده اند. البته همواره رسیدن به موفقیت، مشکلاتی به همراه دارد. صبر و شکیبایی و استقامت و بردباری، از شیوه مردان بزرگ، کامیاب و موفق جهان است.

باید توجه داشت که همواره باید در ترسیم اهداف، بهترین، والاترین و ارزشمندترین آنها را برگزید و برای دست یابی به آنها اقدام کرد. امیرمؤمنان،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸.

علی علیه السلام می فرماید: «بهترین همت ها، بزرگ ترین آن هاست.» آری، این همت های بزرگ و اهداف والا هستند که انسان ها را به تلاش های ارزشمند، مداوم، پی گیر و خستگی ناپذیر فرامی خوانند.(۱)

همچنین امام حسین علیه السلام از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نقل می فرماید: «خدا کارهای بلند و همت های والا را دوست دارد و از کارهای سست و همت های فرومایه کراهت دارد».(۲)

سعدالدین تفتازانی، از پایه گذاران فنّ بلاغت در اسلام است. روزی خواست از میزان همت فرزند خود آگاه شود. به او گفت: «پسرم هدف تو از تحصیل چیست؟» پسر گفت: «تمام همت من این است که از نظر معلومات به پایه شما برسم.» پدر از کوتاهی فکر فرزند متأثر شد و با لحن تأسف آور گفت: «اگر همت تو همین است، هرگز به نیمی از مراتب علمی من نخواهی رسید، زیرا افق فکر تو فوق العاده کوتاه است. من که پدر تو هستم آوازه علمی امام صادق علیه السلام را شنیده و از مراتب دانشش، به وسیله آثاری که از او به یادگار مانده بود، آگاه شدم. در آغاز تحصیل، تمام همت من این بود که به پایه علمی این شخصیت بزرگ برسم. من با این همت بلند، به این درجه از علم رسیده ام که مشاهده می کنی و هرگز قابل قیاس با مقام آن پیشوای بزرگ نیستم. تو که اکنون چنین همت کوتاهی داری، پیمانه شوق و شورت در نازل ترین درجات علمی لبریز خواهد گردید و دست از تحصیل، خواهی کشید.» لذا باید کوشش کنیم تا در خود همت های عالی به وجود آوریم.(۳)

شاید زیباترین اندیشه در باب بلندهمتی را بتوان از خواجه لسان الغیب، حافظ شیرازی دریافت:

۱- محمدحسن نبوی، مدیریت اسلامی، صص ۶۵ و ۶۶.

۲- عبدالله جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ص ۷۹، به نقل از: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳- همان، صص ۴۱ و ۴۲.

همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود

که ز بند غم ایام نجاتم دادند

مولوی می گوید:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا که جو شد آب از بالا و پست

کامیابی هر کس، در گرو همت اوست.

امیرخسرو دهلوی می گوید:

بود در خورد همت، کام هر کس

نخواهد کام شاهین، قوت کرکس

صائب تبریزی معتقد است اگر دست ما از آستین همت بیرون آید کارهای بزرگی می تواند انجام دهد:

همت من دست اگر از آستین بیرون کند

آسمان باشد کمان حلقه بر بازو مرا

در جای دیگر می گوید که از همت بلند، به دولت مراد می توان رسید:

از همت بزرگ به دولت توان رسید

آری به فیل، صید نمایند فیل را

هر سری را درخور همت کلاهی داده اند

افسر دیوانگان باشد به هامون آفتاب

آری باید همت بلند داشت؛ انسان کمتر از صدف که نیست:

از صدف کم نتوان بود به همت زینهار

چون دهن باز کنی گوهرشهوار طلب

ک) تقاضا؛ نشانه دون همتی

ک) تقاضا؛ نشانه دون همتی

صائب طرح سؤال و خواستن از مردم را منافی همت می داند:

بی سؤال، احسان به درویشان، سخاوت کردن است

لب گشودن رخنه در ناموس همت کردن است

بنابراین باید که اسب همت را زین کرده حرکت کنیم و آبروی خود را بی جهت حراج نکنیم.

دست طلب چو نزد کسان می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

صائب

افق دید و اوج طلب بعضی انسان ها بسیار بلند است و هیچ گاه رسیدن به آمال پست و غایت های کم مقدار، روح تشنه آنان را سیراب نساخته و از تکاپو، تلاش و اوج طلبی باز نمی دارد. تعلیم انبیا علیهم السلام ، اولیا و بزرگان نیز بر همین مضمون سامان یافته و دون همتی و اندک قناعتی در طلب و مقصد، ناپسند نمایانده شده است.

همت بلند، انسان را به کوشش و تلاش وا می دارد و از تن آسایی و تنبلی دور می سازد و قوّت و قدرت و شجاعت فرد را آشکار می سازد.

شیخ بهائی گفته است:

از همت است هرکه به هرجا رسیده است

بی بال و پر به عالم بالا پرنده کیست

همت مردانه می خواهد گذشتن از جهان

یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

و سیف فرغانی نیز گفته:

تا نیست نگردی ره هستت ندهند

این مرتبه با همت پستت ندهند

صائب تبریزی درباره بلندهمتی چنین سروده است:

قانع به ریزه چینی انجم نی ام چو ماه

از خوان آفتاب، لب نانم آرزوست

چون مور اگرچه نیست مرا اعتبار خاک

مسند ز روی دست سلیمانم آرزوست

دربانی بهشت به رضوان حلال باد

آیینه داری رخ جانانم آرزوست

چه بسا افرادی در آغاز کار، روح کار و کوشش دارند، ولی موقعی که به شدائد و سختی ها برمی خورند، فوق العاده ناتوان می شوند. لذا باید همت را

ص: ۱۳۱

پشتوانه کار و کوشش شمرد و انگیزه ای برای ادامه کار داشت. سعدی معتقد است که بازوی همت از دست زور و شمشیر و تیر و گرز بالاتر است.

به همت برآر از ستیزنده شور

که بازوی همت به از دست زور

و در جای دیگر می افزاید:

چو همت است چه حاجت به گرز مغفرکوب

چو دولت است چه حاجت به تیر جوشن خای؟

ل) صبر و استقامت در کار

ل) صبر و استقامت در کار

صبر، شکیبایی و استقامت از شیوه مردان بزرگ و کامیاب جهان است. صبر و شکیبایی که یک فضیلت عالی انسانی است، گاهی با یک رذیله اخلاقی به نام سستی و تنبلی و دست روی دست گذاردن و تن به تقدیر و قضا دادن و زیر بار هر گونه تعدی و ستم رفتن، اشتباه می شود. در صورتی که استقامت و پشتکار، ضامن سعادت و کامیابی و بی حالی و سستی و تنبلی، موجب تیره روزی و بدفرجامی است:

پافشاری و استقامت میخ

سزد ار عبرت بشر گردد

بر سرش هر چه بیشتر کوبی

پافشاریش بیشتر گردد

ملک الشعراء بهار

بازرگانی که در طلب سود و بالاـ بردن سطح ثروت خویش است، باید رنج سفر دریایی و زمینی و هوایی را تحمل کند. دانشجویی که می خواهد بهترین نمره را بیاورد و سیاستمداری که می خواهد قلوب ملت را متوجه خویش سازد، باید با استقامت زائدالوصفی، مقدمات کار و عقیده خود را فراهم کند. اینجاست که حافظ شیرازی می گوید:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

ص :۱۳۲

چشمه ساری از کوهساران سرازیر می شود و در مسیر راه، به صخره ها و موانع زیادی برمی خورد که چه بسا ساعاتی از پیشروی آب جلوگیری کرده و در برابر آن مقاومت سرسختانه نشان می دهند. آب، با کند و کاو ریزریز و پی گیر خود هر لحظه از نیروی موانع می کاهد و با باز کردن منافذ و دریچه های ریز، راهی برای خود باز می کند. این مثل را که حقیقتی است قابل توجه که مرحوم ملك الشعرای بهار آن را به نظم درآورده است:

جدا شد یکی چشمه از کوهسار

به ره گشت ناگه به سنگی دچار

به نرمی چنین گفت با سنگ سخت

کرم کرده راهی ده ای نیکبخت

ولی سنگ چون خو گران بود سر

زدش سیلی و گفت دور ای پسر

نجنبیدم از سیل دریا گرای

که ای تو، که پیش تو جنبم ز جای

نشد چشمه از پاسخ سنگ سرد

به کندن در ایستاد و ابرام کرد

بسی کند و کارید و کوشش نمود

کزین سنگ خارا رهی برگشود

ز کوشش به هر چیز خواهی رسی

به هر چیز خواهی کماهی رسی

گرت پایداری است در کارها

شود سهل پیش تو دشوارها

کسانی که مشغول کارهای اجتماعی هستند، بیش از دیگران به صبر و حوصله و ثبات و استقامت نیازمندند و بدون بردباری،

هرگز گامی به پیش نخواهند برد.

کسانی که جهان را تکان داده اند، از نظر مواهب عقلی و فکری، زیاد فوق العاده نبوده اند؛ بلکه شالوده موفقیت آنها را کار و کوشش و آنگاه، ثبات و استقامت تشکیل می داده است.

م) کوشش در امور

م) کوشش در امور

رهایی ده به کوشش، بسته ای را

به مرهم پرورش کن خسته ای را

پروین اعتصامی معتقد است که بدون کوشش نمی توان به هنر دست یافت:

به کوی نیک دلان نیست جز نکویی راه

به سوی کاخ هنر نیست غیر کوشش در

ص :۱۳۳

فردوسی گفت:

به کوشش بجوییم خرّم بهشت

خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

فروغی بسطامی می سراید:

هست به سر تا هوای کعبه مقصود

کوشش راکب خویش است و جنبش مرکب

ملک الشعرای بهار می گوید:

ز کوشش به هر چیز خواهی رسید

به هر چیز خواهی کماهی رسید

صائب تبریزی می گوید: «بی جهد وکوشش رزق ما میسر نمی شود».

بی کشش گرطفل از پستان تواند شیر خورد

می شود بی جهد و کوشش هم میسر رزق ما

و «کلید رزق ما کوشش است».

اینکه روزی بی تردد می رسد افسانه است

پنجه کوشش، کلید رزق را دندانه است

حتی مکیدن طفل، نوعی کوشش محسوب می گردد.

چون شیر مادر است مهیا اگر چه رزق

این جهد و کوشش تو به جای مکیدن است

و «کوشش مردانه، توصیه صائب است».

مردان رسیده اند زکوشش به مدعا

صائب تو نیز کوشش مردانه پیش گیر

و در جای دیگر می افزاید:

در خراش دل خود باش که بی کوشش

لعل بیرون ندهد کانِ بدخشان هرگز تیغ

ن) پرهیز از کار بیهوده

ن) پرهیز از کار بیهوده

و امیرخسرو دهلوی می سراید:

کوشش بیهوده ز غایت برون

کوبش آب است به هاون درون

س) کار و تلاش به همراه قناعت

س) کار و تلاش به همراه قناعت

از جمله مسائلی که در ادبیات فارسی در مبحث کار و کسب به آن زیاد اشاره و تأکید شده است، قناعت و قانع بودن در عین کار کردن است؛ انوری معتقد است که:

آلوده به منت کسان کم شو

تا یک شبه در وثاق تو نان ست

ای نفس، برسته قناعت شو

کانجا همه چیز نیک ارزان ست

مولوی، شاعر عارف ایران زمین معتقد است که انسان دین دار و عارف، تحت هر شرایطی قناعت می ورزد و از روزی حلال ارتزاق خواهد کرد :

گر شود دنیا پر از خون مال مال

کی خورد مرد خدا الاحلال؟!

)

زان گنج شایگان که به کنج قناعت است

مور ضعیف گر چو سلیمان شود رواست

پروین اعتصامی

)

گنج زر گر نبود، کنج قناعت باقی است

آن که آن داد به شاهان، به گدایان این داد

حافظ شیرازی

)

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر.

ع) مراجعه به متخصصان و اساتید فن

ع) مراجعه به متخصصان و اساتید فن

والا نگشت هیچ کس عالم

نادیده مر معلم والا را

ناصر خسرو

از جمله مقوله هایی که در تاریخ ادبیات ایران از آن بسیار صحبت شده و آن را مهم می شمارند، مراجعه به اساتید فن برای پیشرفت در کارها است. مرید و مراد است. باید که شاگرد نزد استاد تلمذ کند و مهارت آموزد تا بتواند به مقام استادی برسد و در این کار باید که شاگرد، احترام استاد را نگه

ص: ۱۳۵

دارد و سراپای گوش باشد و از کاری فروگذاری نکند و از تجربه های روندگان راه بهره گیرد و سخن پیر کهن راه را با جان دل پذیرا باشد:

برو ز تجـــــــربه روزگـــار بهره بگیر

که بهر دفع حوادث تو را به کار آید

رودکی

دراین باره سعدی معتقد است که باید به رأی و سخن کار آزموده سالخورده ایمان داشت و از آن بهره گرفت که او در کشاکش حوادث دهر، تجربه های گرانبهایی دارد.

ز تدبیر پیر كـــــهن برمـــــگرد

که کارآزموده بُدی سالخورد

و

بشنو به ارادت ســخن پیر كـــهن

تا کار جهان را تو برانی ســــــــــرو بن

خواهی که کسی را نرسد بر تو سخن

تو خود بنگر آنچه نه نیکوست مکن

و

به رأی جهان دیده گان کار کن

که صید آزمود است گرگ كــــــــهن

ناصر خسرو نیز دراین باره می فرماید:

در کار چو گشـــت بر تو مشکل

عاجز مشو و مـــبـــــاش خرسند

از مردم خِرد پرس، ازیـــرا

جز تو به جهان خـــــردورانند

تدبیر بکن مباش عاجز

سرخیره مـــپیچ در قزاگند

مولانـا در رابطه بـا مقوله اسـتاد و شاگردی در مثنوی معنوی تأکیـد بسـیاری می کنـد و معتقـد است که در هر کاری بایـد نزد استادی تلمذ کرد و فوت و فن کار را آموخت؛ و گرنه:

کار بی استاد خواهی ساختن

جاهلانه جان بباید باختن

و اوحدی مراغه ای گوید:

مرد را که اوستاد یار شود

زود باشد که مرد کار شود

ف) توجه به شایسته سالاری در کارها

ص :۱۳۶

ف) توجه به شایسته سالاری در کارها

تجربه ثابت کرده است که هر کاری را باید به اهلش سپرد، تا از عهده آن برآید. بسیار اتفاق افتاده که برای برخی ملاحظه ها و به اصطلاح مصلحت سنجی ها، این امر نادیده گرفته شده است. همین امر، زیان های بسیار سنگین به بنیان های اجتماعی وارد کرده است؛ زیرا هنگامی که کار به نامتخصص سپرده می شود، باید منتظر آثار مخرّب آن نیز باشیم. این امر همان است که امروزه به آن «شایسته سالاری» می گویند.

شایسته سالاری آن است که هر کس براساس لیاقت و توانایی خود، به کاری گمارده شود؛ چون در این صورت، بازده کارها دو چندان خواهد شد.

به دیوانش کارآگهان داشتی

به بی دانشان کار نگذاشتی

فردوسی

)

به کارهای گران مرد کاردیده فرست

که شیر شرزه برآرد بزیر خم کمند

سعدی

)

اوحدی مراغه ای گوید:

کار خلقی را به تدبیر تو باز انداختند

چون تو خود تدبیر کار خود نمی دانی چه سود

ص) مبارزه با بی کاری

ص) مبارزه با بی کاری

رسول اکرم صلی الله علیه و آله گاهی با جوانان مواجه می شد و با آنان احوال پرسی نموده و از وضعیت زندگی و شغلشان سؤال می نمود. اگر در جواب گفته می شد که: وی فردی بی کار است و هیچ گونه شغلی ندارد، آن بزرگوار ناراحت می

شد و می فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَیْنی؛ از چشمم افتاد.» (فرد بی کار در نظر من ارزشی

ص: ۱۳۷

ندارد.) اطرافیان می پرسیدند: یا رسول اللّه! چرا این افراد را دوست نمی دارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «برای این که اگر مؤمن شغلی نداشته باشد که با آن امرار معاش کند، برای امرار معاش، از دین خود خرج خواهد شد».(۱)

فردوسی معتقد است که آدم بیکار بی آبرو می شود.

دگر مرد بی کار و بسیار گوی

نماند به نزد کش آبروی

و بیکاری، اسباب خواری است.

به پیری مگر گاو بی کار گشت

به چشم خداوند خود خوار گشت

فردوسی

و حافظ، ملامت گران را بی کار دانسته و می گوید:

هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

ما کجاییم و ملامتگر بی کار کجاست

فردوسی هم می گوید:

مرا گفت کاین از پدر یادگار

بدار و ببین تا کی آید به کار

کنون کارگر شد که بی کار گشت

پسر پیش چشم پدر خوار گشت

ث) تنبلی، آفت بزرگ رشد و بالندگی

ث) تنبلی، آفت بزرگ رشد و بالندگی

تمامی شاعران و ادیبان، به نوعی تنبلی و کاهلی را نکوهش کرده و آن را امری مذموم شمرده و انسان های فعال را ستوده اند؛ چنان که رودکی می فرماید:

تو از فرعون باید دور باشی

شوی دنبال کار و جان خراشی

فردوسی معتقد است که اگر انسان به کاری دست نزند، مانند آب راکدی است که پس از مدتی به مانداب تباهی مبدل می شود و جان و روانش، پست و تیره خواهد شد:

ص :۱۳۸

که چون کاهلی پیشه گیرد جوان

بماند تنش پس_____ت و تیره روان

و در ابیاتی دیگر به شدت، تنبلی و کاهلی را نکوهش می کند و گنج ِبی رنج را امری بعید می شمارد:

تن آسایی و کاهل_____ی دود کن

به کوش و ز رنج تنت س_____ود کن

که اندر جهان گنج بی رنج نیست

کسی را که کاهل بود گنج ن__یست

(

مسعود سعد سلمان می گوید:

تنا بکش همه رنج و مجوی آس____انی

که کار گیتی بی رنج می نگیرد ساز

امیر خسرو دهلوی نیز شخص بی کار و تنبل را بسیار نکوهش می کند و او را از سگ بی کار بازار نیز که چشمش به دکان قصابی ها و کبابی هاست، کمتر می داند و چه زیبا توصیف می کند:

م______رد هم__ه جا به سر کار به

شخص معطل خجل و خوار به

بهره مقصود چو بی رنج نیست

کـــــاهل بی کـــار به پیکار به

مرد که شبلی نـــشود گاه کار

زو ســـــگ بازار به مـــقدار به

زان تن کاهل نه گل نازک است

خار کـــش ســوخته، صد بار به

نظامی، نیز معتقد است که تمامی اجزای این جهان، به کاری مشغول و در جنب و جوشند:

در این پرده یک رشته بی کار نیست

سر رشته برکس پدیدار نیست

آن کار طلب ز روی حالت

کز کرده نباشدت خجالت

عطار نیشابوری، این عارف بزرگ دیار عرفان بر این باور است که هر کسی که در زنـدگی دارای کاری نباشد و پی کسب و رزق و روزی نرود، از درگاه حق رانده شده است و در پیشگاه خداوند، فاقد ارج و قرب و اعتبار است.

ص :۱۳۹

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۱. ۵؛ تحف العقول، ص ۳۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۲. (باب کفایه العیال و التوسع علیهم)

بر در حق هر که کار و بار ندارد

نزد حق او هیچ اع___تبار ندارد

همچنین سعدی شیرازی، کاهلی و تنبلی را بسیار نکوهش کرده است و با زبان فاخر و ابیاتی سهل و ممتنع، معانی بس عظیم را در قالب کلمات گنجانیده است و اعتقاد به این دارد که این دنیا پلی است به سوی آخرت؛ پس نباید نشست و بی کار ماند؛ بلکه باید با کار و کوشش وافر، خود را برای آخرت آماده کرد تا با دست پر به آنجا رفت. او نیز چون فردوسی معتقد است که دست یافتن به گنج، بی رنج و مشقت، حاصل نمی شود.

نابرده رنج، گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار ک_رد

هر کو عمل نکرد و عنایت امید داش_ت

دانه نکاشت ابله و دخل انتظار ک_____رد

پروین اعتصامی در یکی از قصایدش نگران است که چرا عده ای بازوی توانا داشتند، ولی تلاش نکردند.

بود بازوت توانا و نکوشیدی

کاهلی بیخ تو بر کند به ناچاری

عطار نیشابوری در مثنوی اسرار نامه به انسان تنبل می گوید:

دلت در تنگنای تنبلی ماند

تنت در چار میخ کاهلی ماند

و میرزاده عشقی هم گفته:

من به جز تنبلی این را چه بنامم که تو هی

خفته هر روزه و روزی ز فلک می خواهی

اوحدی مراغه ای هم در جام جم می گوید:

کاهلی را به خویش راه مده

دل به این آب و این گیاه مده

۶. نتیجه گیری

۶. نتیجه گیری

می دانیم که همه کشورها دارای تاریخ متفاوت و منحصر به فردی می باشند که برای پیشرفت و توسعه باید به آن توجه و از آن برای برنامه ریزی و هدایت کشور بهره برداری کنند. از آن جمله، مسائل مربوط به حوزه همت مضاعف

ص: ۱۴۰

و کار مضاعف می باشد. تاریخ ادبیات ما، مملو از پند و حکمت در این خصوص است که می توان با رجوع به تاریخ ادبیات، به نیات آنان واقف و از آنان ایـده گرفت. مسائلی که در مقاله شـرح داده شـد، از جمله در نکوهش کاهلی و بحث توکل و... امروزه می توانند کاربرد بسیاری در حوزه کار داشته باشند. بسیاری از نظریه های جدیدی که امروزه مطرح می شود، ادیبان ما به زبانی دیگر آن را مطرح کرده اند که با تحقیق و تفحص می توان به آن رسید و از آن بهترین بهره را گرفت.

ملت ایران بـا شـعر و ادبیـات زنـدگی می کنـد. در هر خـانه ای در کنـار قرآن کریم، همیشه کتـاب هـایی چون دیوان حافظ و مثنوی معنوی و گلسـتان سـعدی و... خودنمایی می کنـد. گاهی یک بیت شـعر می توانـد نقش چنـدین مقاله یا کتاب را بازی کنـد و حرکت و تغییر، هیـچ گاه بـدون انگیزه کافی به وجود نمی آینـد. بنابراین می توان با اسـتفاده از این قضـیه، بسـیاری از تفکرات قالبی را تغییر داد و ایجاد انگیزه کرد تا موجب ارتقای فرهنگ کار و بالا رفتن بهره وری شود.

بعضـی اشـعار به صورت ضـرب المثل درآمده و در حکم دسـتورهایی شده اند که در شـئون مختلف زندگی، از آنها اسـتفاده هـای فراوانی کرد و در سـاختن فرهنـگ ملی، کشور از آنها بهره برد این قبیل سـروده ها و گفته های قـدما و معاصـران، نمونه های زیادی دارد که متضمن مضامین و ترکیبات و اصطلاحات جالب و تازه ای هستند، چه در اشعار سنتی، چه در سروده ها و گفته هـای نو... اشـعاری که به صورت هـا و انواع گونـاگون، تـا امروز به دست مـا رسـیده و هر یک چون گل و گیاهی، بو و رنگ و لطف و طراوت و خاصـیتی دارنـد، همه در یک روز معیّن خلق نشـده اند. تقدیم و تأخیر اختراع و ظهورشان نشان می دهد که هر یک در زمان خلق و نشر، تازگی داشته اند و

ص :۱۴۱

پس از گـذشت زمان، در زمره اشـعار کهن و سـنتی درآمده اند؛ پس نسل جوان باید پس از شـناسایی با میراث کهن، آنچه را لازم می دانـد نگـاه دارد و درصورت امکـان، بر رونق آن بیفزایـد و در حفـظ آن بکوشـد و چون تجربیات اسـلاف نیز نوعی میراث محسوب می شود، چه بهتر که دست کم از اهم آن تجربیـات، اسـتفاده شود؛ در این صورت است که کار درستی انجام شـده است و می توان امیـد داشت که شـخص و جـامعه در به جا آوردن رسالت خود که قهراً بر عهـده اوست، کوتاهی نکرده اند.

هر که به جای آورد وظیفه خود را

اوست فقط در خور ستایش و تحسین

نظام وفا

ص :۱۴۲

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.

سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. کلیات، به اهتمام: محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.

سعدی شیرازی، مصلح الدّین، کلیات، انتشارات سرایش، تهران، ۱۳۸۲.

تصحیح:

،

، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، انتشارات وفا، ج۲، ۱۳۸۲.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.

حُرّ عاملی، وسائل الشّیعه (جلد سوم)، تحقیق: انتشارات مؤسّسه آل البیت.

حَرّانی، ابن شُعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفّاری.

نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، قم، انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.

جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی.

بهار، محمد تقی (ملک الشعراء)، دیوان، تهران، انتشارات پرستو، چاپ چهارم، ۱۳۵۵.

مولوی، جلال الـدین، مثنوی، به کوشش: دکـتر توفیق ــ سبحانی، تهران، چـاپ سازمـان چـاپ و انتشـارات وزارت ارشـاد و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

مولوی، جلال الدین، دیوان شمس، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران ، انتشارات نغمه، ۱۳۷۷.

صائب، محمدعلی، دیوان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.

شیخ بهایی، محمد بن حسین، دیوان، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۲.

قبادیانی، ناصر خسرو، دیوان، تهران، انتشارات المهدی، ۵۱۳۸۲.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی امیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۳۸۲.

نظامی، الیاس بن یوسف، کلیات، تهران، انتشارات زهره، ۱۳۸۳.

سنایی، مجدود بن آدم، دیوان، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲.

شهریار، محمد حسین، دیوان، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۲.

خاقانی شروانی، بدیل بن علی، دیوان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

شبستری، محمود، دیوان، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۸۲.

اعتصامی، پروین، دیوان، تهران، انتشارات امامت، ۱۳۸۳.

فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.

عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، دیوان، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.

ص :۱۴۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹